مرگ بر امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلق ما

کار

کارگران و زحمتکشان متحد شوید

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

((اکثریت))

سال دوم - چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹ — شماره ۹۵ - ۲۴ صفحه - ۳۰ ریال

برای درهم شکستن خط سازش
از دستاوردهای تسخیر سفارت امریکا دفاع کنیم

سنگر مقاومت در برابر تجاوزگران از خون رفیقان ما لاله گون است

پرسنل انقلابی شهید ستوان یکم یدالله خزلی

دشتها، تپه‌ها و کوهپایه‌های جنوب و غرب میهن هر روز شاهد حماسه‌آفرینی‌های غرورانگیز خلق دلاور ایران در پیکار با تجاوزگران است.

فداکاری و جانبازی انقلابیون ایران در پیکار عظیمی که در جبهه‌ای به وسعت سراسر میهن جریان دارد در تاریخ جنبش‌های رهائی‌بخش جهان از درخشندگی و شکوه کم‌نظیری برخوردار است.

این بار نام همیشه ماندگار پرسنل انقلابی شهید ستوان یکم یدالله‌خزلی و فدائی‌خلق رفیق‌شهید محمدرضا جعفری زینت‌بخش این شماره "کار" است. خاطره فداکاری و قهرمانی این رفقا که از جونشان سنگر مقاومت در برابر تجاوزگران لاله‌گون است، همیشه گرامی باد.

در صفحه ۱۶

رونالدریگان و جیمی‌کارتر پس از آزادی گروگانها حملات خود را به انقلابیون ده‌چندان ساختند. همصدا با این دو مار زخم‌خورده، همه رسانه‌های گروهی امپریالیسم جهانی و دول مرتجع برای بی‌اعتبار جلوه‌دادن اقدام انقلابی تسخیر سفارت امریکا و بازداشت جاسوسان امریکائی در ایران به تبلیغاتی گسترده دست‌زدند هم‌اینک رادیوهای امریکا، بی.بی.سی.، اسرائیل، عراق، بختیار و همه محافل مرتجع جهان که از بازتاب انقلاب ایران در منطقه و جهان به وحشت افتاده‌اند، یکصدا برای بی‌اعتبار جلوه دادن اقدام انقلابی بازداشت جاسوسان امریکائی بسیج شده‌اند. همه آنها می‌کوشند چنین وانمود کنند که این اقدام انقلابی نه‌تنها یک پیروزی برای ایران نبوده بلکه یک شکست هم بوده‌است. آنها در قبال هر حرکت انقلاب ایران، در قبال هر پیروزی مردم ایران علیه امپریالیسم و بطور کلی در قبال تمامیت انقلاب ایران، همین شیوه تبلیغاتی را ادامه می‌دهند تا به زعم خود از تاثیرات

بقیه در صفحه ۲

خودداری دولت از شرکت در کنفرانس اسلامی اقدام درستی است

در صفحه ۲۰

صدها سرکرده ضدانقلابی افغانی خطری جدی برای مردم و انقلاب ایران

● خلقها و رژیم‌های ایران و افغانستان در مبارزه علیه امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلقهای جهان، متحد یکدیگرند. ایجاد امنیت و ثبات در مرزهای دو کشور، در خدمت جریان پیروزمند مبارزه ضد امپریالیستی آنان است.

در صفحه ۱۵

« شکنجه‌گروگان‌ها » حیله جدید تبلیغاتی امپریالیسم امریکا

● امپریالیسم امریکا خود وحشی‌ترین و شکنجه‌گرترین رژیم تاریخ است

در صفحه ۱۲

برآوار گان جنگ چه می‌گذرد؟

* رسیدگی به مشکلات بیش از یک میلیون بی‌خانمان جنگ‌زده، از مبرم‌ترین وظایف کنونی دولت جمهوری اسلامی است.

* تنها در استان لرستان بیش از ۱۵۰ هزار نفر آواره جنگی وجود دارد.

در صفحه ۴

در این شماره

شورا، سندیکا و اتحادیه‌های کارگری (قسمت دوم) — در صفحه ۱۱

نقش عظیم زنان شوروی در ساختمان سوسیالیسم — در صفحه ۹

جنبش دهقانی ایران: روستای بهارسرا — در صفحه ۷

لغو بند (ج) و تهاجم دوباره زمینداران بزرگ

جنبش کارگری ایران

کارگران سنگ بری: «مشکلات ما زیاد است، ولی مهم‌ترین مسئله اتحاد ماست»

راه اندازی کارخانه شمسائی رازی اقدامی انقلابی و ضروری — در صفحه ۶

متحد شویم!
تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم عراق را درهم کوبیم

www.iran-archive.com

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۹۵ ـ صفحه ۲

برای درهم شکستن...

بقیه از صفحه ۱

آن بر مردم منطقه و دیگر کشورهای جهان جلوگیرند.

امروز اکثریت عظیم مردم ایران می‌دانند چرا امپریالیست‌ها همه رسانه‌های گروهی زیر کنترل خود را علیه اقدام انقلابی تسخیر سفارت و بازداشت جاسوسان امریکائی بسیج کرده‌اند. اما شاید هنوز کم نیستند مردمی که ندانند. لیبرال‌های ایران، بنی ـ صدری‌ها و برخی نیروهای داخلی دیگر نیز درست همان تبلیغاتی را علیه اقدام تسخیر سفارت راه انداخته‌اند که امپریالیستها در سطح جهان به راه انداخته‌اند و از تبلیغات علیه این اقدام همان هدفی را دنبال می‌کنند که امپریالیستها دنبال می‌کنند یعنی فراهم کردن زمینه غلبه خط سازش و سرنگونی خط امام.

اگر کارتر و ریگان و امثال آنها این اقدام را "وحشیگری" و "حماقت" می‌خوانند و دانشجویان خط امام را "بربر" و مردم ما را "وحشی" می‌نامند لیبرال‌های ایران نیز که با اقدام انقلابی تسخیر سفارت همه حیثیت و اعتبار نداشته خود را باختند، احساس می‌کنند که مجریان و مدافعان این اقدام نگذاشته‌اند لیبرال‌ها خون شهیدان خلق را وثیقه هدف‌های خیانتکارانه خود سازند. با حل مسئله گروگانها یکبار دیگر همه نیروی خود را برای کم‌اعتبار ساختن این اقدام انقلابی به کار گرفته‌اند تا به زعم خود با بی‌اعتبار کردن این اقدام ـ تسخیر سفارت ـ نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی و مدافعان آن را بی‌اعتبار سازند و نتایج همه جانبه این اقدام را زیر علامت سئوال قرار دهند.

سخنان برخی از لیبرال‌ها در مصاحبهٔ پنجشنبه دوم بهمن ماه با روزنامه انقلاب اسلامی، میزان دشمنی آنها را علیه اقدامی که مشت لیبرال‌ها را در پیشگاه خلق باز کرد و زمینه ایجاد روابط حسنه با امپریالیسم را بطور وسیعی تخریب نمود، نشان می‌دهد.

دکتر ابراهیم یزدی، وزیر خارجه دولت لیبرال‌ها در این‌باره در مصاحبه‌ای با روزنامه انقلاب اسلامی که اکنون مدافع سرسخت لیبرال‌هاست چنین گفته است:

"یک شعر فارسی هست که نه شعرش یادم است و نه شاعرش که می‌گوید: "نادان همان کاری را می‌کند که عاقل می‌کند منتها بعد از دادن خسارات زیاد."

دکتر علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی در مصاحبه با روزنامه رئیس جمهور گفته‌است:

"فکر می‌کنم این مسئله از اول یک خطا، یک اشتباه و یا یک خیانت بوده‌است و طبعا نتایجی برای مردم ایران نداشته است. یعنی ایران نه‌تنها هیچ چیز در مقابل گروگانگیری نگرفت، بلکه جنگ عراق و آمدن امریکا با نیروی نظامی به خلیج فارس و مسدود شدن اندوخته‌های ایران و مهم‌تر از همه محکوم شدن انقلاب در عرف بین‌المللی بخاطر این گروگانگیری بود."

و البته همه این حرفها علاوه‌بر حرفها و تفکرات سخیف‌جهانی‌هائی است که گاه و بیگاه در روزنامه انقلاب اسلامی سیاست‌های خود را به‌پیش می‌برند و صد البته همه این‌حرفها را تمامی محافل امپریالیستی، تمامی ارتجاع منطقه شب و روز در رادیوها و روزنامه‌هایشان تکرار می‌کنند. کسی که این حرفها را بدون ذکر ماخذ بشنود، محال است تشخیص دهد که این حرفها گفته‌های رادیوهای واشینگتن، اسرائیل، بی.بی.سی است یا نوشته‌ها و مصاحبه‌های روزنامه رئیس جمهور.

ما همزمان با اعلام شرایط مجلس در کار شماره ۸۴ (۱۴ آبان) نوشتیم:

"لیبرال‌ها و همه نیروهای مورد حمایت امپریالیسم تلاش خواهند کرد با استفاده از وضعیتی که امپریالیسم امریکا علیه انقلاب و برای تضعیف نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی پیش آورده، با استفاده از گرانی و بیکاری که قبل از هرچیز خود آنها و اقدامات جنایتکارانه امپریالیسم امریکا مسبب آن بوده‌اند، در روزهائی که حل مسئله گروگانها در دستور قرار گرفته، اقدام انقلابی تسخیر سفارت، بازداشت گروگانها، افشای دوستان و جاسوسان امریکا را زیر علامت سئوال قرارداده و بدینسان نیروهای ضدامپریالیست را تضعیف کنند.

لیبرال‌ها امیدوارند که مسئله گروگانها را تا آنجا که ممکن است به سود سیاست خود حل کنند و به هر صورتی که این مسئله حل‌شود، آن را دلیل درستی سیاست خود وانمود کنند. نه‌تنها نباید گذاشت لیبرال‌ها از وضعی که پیش آمده به زیان انقلاب و به سود تحکیم مواضع خود بهره‌برداری کنند بلکه هم اینک افشای سیاست امپریالیسم امریکا و لیبرال‌های مورد پشتیبانی آن بیش از هر زمان دیگر اهمیت یافته است."

و امروز می‌بینیم که هم لیبرال‌ها، هم بنی‌صدری‌ها و هم سه‌جهانی‌ها و برخی نیروهای دیگر درست همان هدف را پیش می‌برند. روزنامه انقلاب‌اسلامی، روزنامه میزان و بطور کلی لیبرال‌ها، بنی‌صدری‌ها و غیره هم اینک روزی نیست که درجهت بی‌اعتبار جلوه دادن عمل انقلابی تسخیر سفارت امریکا که مورد حمایت دهها میلیون ایرانی بپاخاسته علیه امپریالیسم بوده و هست، دست به‌اقدامی کینه ـ توزانه نزنند. همه آنها تلاش دارند در ذهن توده‌های مردم این تصور را ایجاد کنند که این اقدام هیچ ثمری نداشته و تنها یک "عوام‌فریبی ضد امپریالیستی" بوده‌است نه چیز دیگری و صدالبته در پشت این تهاجم وسیع تبلیغاتی این هدف خوابیده است: بی‌اعتبار کردن دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، بی‌اعتبار ساختن خود آیت‌الله خمینی و بطور کلی بی‌اعتبار کردن همان نیروئی که به نام خط امام معروف است، به سود لیبرال‌ها و بنی‌صدری‌ها و در نهایت برای غلبه خط سازش در جمهوری اسلامی!

از همین‌رو است که لازم است بار دیگر به اختصار دستاوردهای تسخیر مرکز جاسوسی را مرور کنیم و اثرات این اقدام انقلابی را تا آنجا که در توان ماست برای توده‌های مردم توضیح دهیم. چنین کاری مادام که لیبرال‌ها و بنی‌صدری‌ها تلاش دارند سیاست‌های خود را با حمله به این اقدام و بی‌اعتبار جلوه دادن دستاوردهای آن به‌پیش برند، از وظایف مبرم ماست.

دستاوردهای تسخیر سفارت

زمانی در میهن ما دژخیمان امپریالیسم که کارشناسان نظامی نام داشتند، جاسوسان کارکشته سیا که برای تربیت کادرهای ساواک و رهبری سرکوب توده‌ها در ایران حضور داشتند و دیپلمات کارشناس و غیره نامیده می‌شدند، همه مزدوران رنگارنگ امپریالیسم حق داشتند هر جنایتی را در ایران مرتکب شوند بدون آنکه دولت ایران که سرسپرده امپریالیستها بود، بتواند حق داشته باشد آنان را حتی برای چند روز بازداشت کند. بدون آنکه یک ایرانی حق داشته باشد علیه آنها به دادگاه‌های ایران شکایت‌برد. از قرارداد کاپیتولاسیون که مصونیت اتباع امریکائی را در ایران تضمین می‌کرد بسیاری مطلعند. امثال این قرارداد هنوز هم در کشورهائی که رژیم‌های سرسپرده امریکائی روی کارند، همچنان به قوت خود باقی است. مطابق این قرارداد اگر یک امریکائی مقیم ایران فلان کارگر کارخانه یا فلان سرباز و افسر ایرانی را میکشت و یا به هر جنایت دیگری دست می‌زد، ایران هیچ حقی برای محاکمه او نداشت. با همین قرارداد بود که یک‌جاسوس مست امریکائی وقتی در شمیران یک زن و مرد ایرانی را کشت تنها تنبیه‌اش این بود که از جانب سفارت امریکا روانه کشور خودش شد تا ناز شست بگیرد. مطابق همین قرارداد بود که امریکائی‌ها می‌توانستند هرجا دلشان بخواهد مردم ما را تحقیر کنند و اگر اعتراضی دیدند و یا جسارتی به آنها شد، ایرانیان "وحشی و بربر" را هرطوری که صلاح دیدند تنبیه کنند و بعد هم روانه امریکا شوند. دهها هزار کارشناس نظامی و سیاسی و صنعتی و کشاورزی امریکا به موهبت قرارداد کاپیتولاسیون در ارتکاب هر جنایتی علیه مردم ما مجاز بودند. آنها از ثروت این خلق ستمدیده حقوق‌های کلان می‌گرفتند تا منافع امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته به آن را در ایران پاسداری‌کنند.

آن زمان هنوز در میهن ما به مزدوران "حق‌توحش" پرداخت می‌شد. آنها این سرزمین را مال خود و مردم ایران را برده خود می‌دانستند و مجاز بودند برای حفظ نظام غارت، ستم و استثمار، خلق ما را زیر چکمه‌های خونین خود تحقیر و خورد کنند. این وضع هنوز هم در کشورهای زیر سلطه آسیا، افریقا و امریکای لاتین برقرار است و توده‌های ستمدیده آسیا، افریقا و امریکای لاتین با خشم و نفرت بدان می‌نگرند و برای از میان بردن آن و همه دیگر مظاهر سلطه امپریالیسم مبارزه می‌کنند.

باری، تسخیر انقلابی سفارت، تجلی اراده مردمی بود که با انقلاب پرشکوه بهمن رژیم سرسپرده شاه را به گور سپرده بودند و با تسخیر مرکز جاسوسان، آنهم در زمانی که امپریالیسم امریکا به همدستی لیبرال‌ها شرایط شکست‌انقلاب را تدارک می‌دید، مشت بر دهان امپریالیسم و دولت لیبرال مورد حمایت آنان کوفتند. این اقدام صدای خروشان مردمی بود که اعلام می‌داشتند دیگر هرگز اجازه نخواهند داد جاسوسان امریکائی مثل گذشته با سرنوشت این خلق کبیر بازی کنند. تسخیر سفارت، فریاد مردمی بود که با صدای رسا به خلقهای زیر سلطه جهان پیام می‌دادند که برخیزید و نظام ستم و تحقیر امپریالیستها را درهم کوبید. این اقدام انقلابی نه‌تنها در دل دهها میلیون مردم ایران بلکه در دل صدها میلیون مردم جهان زیر سلطه شور و امید به قیام علیه امپریالیستها را برانگیخت و افسانه قدر قدرتی امپریالیسم امریکا را یکبار دیگر در انظار خلقهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین درهم شکست. وقتی سفارت امریکا در تهران تسخیرمی‌شود، وقتی جاسوس امریکائی این‌چنین خوار و زبون در ایران انقلابی به‌زندان‌می‌افتدوآمریکا هم هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، همکار جاسوس او مشکل می‌تواند بدون هراس از خشم توده‌ها در کراچی، قاهره، رباط، سانتیاگو و غیره با فراغ بال سیاست امپریالیست‌هارا به‌پیش‌برد و قطعا این اقدام به همان اندازه که پشت امپریالیستها را می‌لرزاند، پشت خلقهای زیر سلطه را گرم می‌کند. پس این اقدام مورد کینه و نفرت امپریالیستها و دوستان مرتجع آنها است. پس همانقدر که من و تو از این اقدام شاد می‌شویم، بازرگان‌ها، امیرانتظام‌ها و قطب‌زاده‌ها از این اقدام متنفرند. چرا که هر کس با مواضع و ماهیت طبقاتی خود با این اقدام برخورد می‌کند.

اما نتیجه این اقدام به همین‌جا ختم نمی‌شود. مهم‌ترین دستاوردهای تسخیر سفارت و بازداشت گروگانها را می‌توان چنین برشمرد:

۱ـ ارتقاء آگاهی توده‌ها و گسترش و تعمیق مبارزه علیه امپریالیسم

پس از تسخیر سفارت امریکا، دهها میلیون ایرانی با آگاهی یافتن از دسیسه‌هائی که جاسوسان امریکائی به همدستی لیبرال‌ها علیه منافع مردم و علیه انقلاب ترتیب داده بودند، بیش از پیش به ماهیت تجاوزکارانه امپریالیسم پی بردند. افشاگری‌های دانشجویان مسلمان پیرو خط امام که توسط رادیو ـ تلویزیون و در ابعاد میلیونی انعکاس می‌یافت، توده‌های محروم میهن ما را هرچه بیشتر با ماهیت امپریالیسم‌جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا آشنا کرد. مردم به‌وضوح دیدند که مرکز جاسوسی، لانه‌ای بوده‌است علیه منافع آنها و علیه پیشرفت انقلاب. مردم به چشم خود دیدند و به گوش خود شنیدند که جاسوسان امریکا به دستور کا سفید و وزارت خارجه امریکا با سرمایه‌داران وا ه، با مقدم‌مراغه‌ای‌ها و امیرانتظام‌ها و با همد ی برخی روحانیون مرتجع و

بقیه در صفحه ۳

مردم میهن ما تا قطع کامل سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

www.iran-archive.com

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹
سال دوم ــ شماره ۹۵ــ صفحه ۴

بقیه از صفحه ۲

برای درهم شکستن ...

برخی فرماندهان خائن مثل مدنی، باقری و غیره به همدستی روزنامه‌هائی مثل بامداد برای درهم شکستن انقلاب توطئه می‌چیدند. مردم در ابعاد میلیونی ماهیت لیبرال‌ها این دوستان امپریالیسم را شناختند و دریافتند که دولت امریکا سیاست‌های خود را برای به شکست کشاندن انقلاب از طریق دولت موقت بازرگان به پیش می‌برده‌است. خط امام نیز با این حادثه در شناخت دوست و دشمن گامی بلند به پیش برداشت.

همزمان با تسخیر سفارت، مبارزه علیه امپریالیسم در ابعاد میلیونی گسترش یافت. این تحول بدون تردید در تداوم و تعمیق مبارزات ضدامپریالیستی ــ دمکراتیک‌مردم ایران نقشی تاریخی ایفاء‌کرد.

اقداماتی که پس از این حادثه امپریالیستها علیه انقلاب اتخاذ کردند، مثل تحریم اقتصادی به مردم ما بیش از پیش نشان داد که امپریالیسم جهانی یک پیکر واحد است که اگر امپریالیسم امریکا سر و سینه آن باشد، امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی دست و پای آن هستند. بدون تردید اقدام تسخیر سفارت در شناساندن ماهیت امپریالیسم به توده‌های ما و دیگر خلقهای خاورمیانه نقشی تاریخی ایفاء کرده است، نقشی که برای شناخت همه جوانب آن باید همچنان مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

۲ــ سقوط کابینه لیبرال بازرگان و شرکاء و شکست سیاست گام به گام

با تسخیر سفارت، کابینه لیبرال بازرگان و شرکاء سقوط کرد. سیاست گام به‌گام که سیاست پشتیبانی از مواضع سرمایه‌داران بزرگ و تحکیم مواضع لیبرال‌ها در داخل و اتخاذ سیاست خارجی نزدیکی به غرب بود، با شکست مواجه شد. معاون بازرگان، جاسوس امپریالیسم امریکا از آب درآمد و به زندان افکنده شد. برخی از لیبرال‌ها فراری شدند. لیبرال‌ها عمدتا از قدرت طرد شدند. در ارتش نیز لیبرال‌ها بسیاری از مواضع حساس را که در زمان بازرگان به عهده داشتند، از دست دادند. برخی از یاران بازرگان که زمانی توسط بازرگان به فرماندهی ارتش گماشته شده بودند، بعدها به خاطر رهبری کودتای نوژه اعدام شدند. (سپهبد مهدیون ــ تیمسار محققی).

طرد لیبرال‌ها از قدرت، سدی را که در برابر تداوم انقلاب ایجاد شده بود، درهم شکست. نهادهای انقلابی تقویت شدند. اصلاحات و تغییرات در همه نهادهای سابق ادامه یافت..

چرا حل مسئله گروگان‌ها به سود انقلاب بود؟

با گذشت زمان ضرورت حل‌مسئله گروگانها فزونی می‌یافت. بازداشت جاسوسان امریکائی که در نخستین ماههای پس از تسخیر سفارت دستاوردهائی را که قبلا برشمردیم به بار آورد، نمی‌توانست با مرور زمان همچنان عملکرد نخستین خود را حفظ کند. به ویژه آنکه دولت جمهوری اسلامی نتوانسته بود در سطح جهان و خصوصا در سطح کشورهای امریکا و اروپای غربی علل و انگیزه‌های تسخیر سفارت و بازداشت گروگانها و نیز خواسته‌های عادلانه مردم ایران را برای جهانیان توضیح دهد. ادامه بازداشت گروگانها آنهم در شرایطی که در غیاب تبلیغات وسیع از جانب ایران، همه رسانه‌های گروهی زیر کنترل امپریالیسم تلاش داشتند آن را به وسیله‌ای برای تبلیغ علیه انقلاب ایران بدل سازند، به امپریالیستها فرصت می‌داد تا مردم کشورهای غرب را علیه انقلاب‌ایران برانگیز ند و آنان را در سیاست‌های تجاوزکارانه علیه انقلاب ما و سایر انقلاب‌های کشورهای زیر سلطه جهان با خود همراه سازند. چنین پدیده‌ای اگر شکل می‌گرفت، قطعا به سود جنگ‌افروزترین محافل امپریالیستی و به زیان جبهه انقلاب جهانی بود. چنین پدیده‌ای می‌توانست اثراتی را که جنگ عادلانه مردم ویتنام به بار آورد و در مردم کشورهای امپریالیستی وسیعا همدردی نسبت به خلقهای بپاخاسته جهان را برانگیخت، زایل سازد. ما در کار ۸۳ چنین نوشتیم:

"ویتنامی‌ها هنگامی که با قشون بسیار مجهز و صدها هزار نفری امپریالیسم امریکا و متحدان آن در خاک ویتنام می‌جنگیدند، علاوه بر همه قهرمانی‌هائی که در عرصه جنگ علیه دشمن از خود بروز می‌دادند، هرگز فراموش نمی‌کردند که باید از متحدان طبیعی انقلاب، از کسانی که آماده‌اند از خلق ویتنام در پیکار دلاورانه‌اش برای استقلال و آزادی حمایت کنند، حداکثر استفاده را بنمایند.

ویتنامی‌ها گذشته از برقراری نزدیک‌ترین و نیرومندترین روابط با متحد طبیعی انقلاب، یعنی اردوگاه سوسیالیسم و دولت‌های ترقیخواه جهان، لحظه‌ای از تلاش برای همراه کردن کارگران و زحمتکشان کشورهای امپریالیستی و دولتهای ترقیخواه جهان، لحظه‌ای از تلاش برای همراه کردن کارگران و زحمتکشان کشورهای امپریالیستی و خلقهای زیرسلطه جهان با خود باز نمی‌ایستادند. این تبلیغات ویتنام اعتراض وسیع کارگران و زحمتکشان کشورهای امپریالیستی را علیه دخالت امپریالیسم امریکا در ویتنام برانگیخت و دولت امریکا را سخت زیر فشار قرار داد تا از ارتکاب جنایات بیشتر در ویتنام بپرهیزد و مهمتر از همه، دولت‌های امپریالیستی جهان و در راس همه آنها دولت امریکا را چنان در انظار عمومی افشاء ساخت و چنان خشمی علیه امپریالیسم در موطن امپریالیسم برانگیخت که بدون تردید در دامن زدن به مبارزه خلقهای زیر سلطه علیه امپریالیسم و مبارزه کارگران و روشنفکران کشورهای امپریالیستی علیه امپریالیسم نقشی بسزا داشت در واقع همین تبلیغات ویتنام بود که پیام انقلاب ویتنام را به همه جهان صادر کرد و توانست درمبارزه ستمکشان جهان علیه ستمگران جهان نقش تاریخی خود را بازی کند."

با توجه به اینکه حس همدردی مردم کشورهای امپریالیستی نسبت به انقلاب‌های مردم کشورهای زیر سلطه عاملی بسیار مهم در مهار کردن سیاست‌های جنگ‌طلبانه امپریالیستها است و در استقرار صلح و تضعیف جبهه جهانی ضدانقلاب و تقویت جبهه انقلاب جهانی نقشی بسزا دارد، می‌توان دریافت که حل مسئله گروگانها در شرایطی که به‌هدفهای سیاسی خود دست‌یافته، با گذشت‌زمان عملکرد ماههای نخستین پس از تسخیر سفارت را از دست‌داده و از این‌پس امکان بهره‌برداری امپریالیستها وجود می‌داشت، تا چه‌حد به سود انقلاب ایران و به سود جبهه جهانی انقلاب بوده‌است. بر این‌اساس حتی باید اذعان کرد که حل مسئله‌گروگانها تا اندازه‌ای هم دیر شده‌بود.

ادامه بازداشت گروگانها به ارتجاعی‌ترین محافل امپریالیستی امکان می‌داد که حضور نظامی خود را در منطقه توجیه کنند، امپریالیستها زیر پوشش تلاش برای آزادی گروگانها فرصت می‌یافتند افکار عمومی کشورهای غرب را در جهت پیشبرد سیاست‌های خود بفریبند و قطعا در چنین شرایطی برای کشورهای سوسیالیستی جهان و دیگر دول ترقیخواه نیز اثبات حقانیت انقلاب ایران به مردم کشورهای غرب تا اندازه‌ای دشوار می‌شد. کشورهای سوسیالیستی همواره سعی دارند وسیع‌ترین توده‌های مردم کشورهای امپریالیستی را علیه امپریالیسم بسیج کنند اما با وضعی که پیش می‌آمد، عملا تلاش ترقیخواهانه این دولت‌ها را برای گسترش هرچه بیشتر مبارزه مردم امریکا و اروپای غربی علیه سیاست‌های تجاوزکارانه امپریالیستها با دشواری‌هائی روبرو می‌ساخت. در یک کلام ادامه‌بازداشت‌گروگانها دیگر نمی‌توانست به سود انقلاب ایران، به سود جبهه انقلاب‌جهانی و درجهت منفردساختن هرچه بیشتر محافل امپریالیستی باشد و باید برای حل آن اقدام می‌شد.

چرا حل مسئله گروگان‌ها «سازش» نیست؟

ما هنگامی که مجلس شورای اسلامی شرایط آزادی گروگانها را اعلام داشت، چنین نوشتیم:

"چپ‌روها هرگونه تلاش برای برخورد با مسئله جاسوسان امریکائی را سرآغاز سازش با امپریالیسم تلقی خواهند کرد. آنها با هر قدمی که در راه حل مسئله گروگانها برداشته شود، مخالفت خواهند کرد. بسیاری از آنها تسخیر سفارت را "توطئه حکومت" و "عوام‌فریبی ضدامپریالیستی" دانستند. آنها همان چیزهائی را تبلیغ می‌کردند که ضدانقلاب می‌گفت. آنها ابتدا حکومت را "مرتجع" معرفی می‌کردند و سپس عوام‌فریبانه می‌گفتند "مرتجع نمی‌تواند ضدامپریالیست باشد" پیکاریها از این هم وقیح‌تر عمل کردند. آنها این اقدام انقلابی را محکوم کردند، آنها تسخیر سفارت را "توطئه" اعلام کردند و با آن مخالف بودند. حالا هم با هر اقدامی که درجهت حل مسئله گروگانها صورت گیرد، مخالف خواهند بود. آنها همیشه با هرچه به دولت و حکومت مربوط می‌شود، مخالفند. با تسخیر سفارت و بازداشت گروگانها مخالف بودند، حالا هم با هر تلاشی برای حل مسئله گروگانها به هر شکل و صورتی که باشد، مخالف خواهند بود.

همه کسانی که تصمیم گرفته‌اند جمهوری اسلامی را ارتجاعی، ضدخلقی، وابسته، فاشیستی و ارگان سازش بدانند، برای اثبات تئوری‌های ضدعلمی و ورشکسته‌شان چاره‌ای ندارند جز آنکه چشم و گوش خود را برهمه واقعیت‌ها ببندند و همانطور که در گذشته تسخیرسفارت را توطئه دانستند و آن را محکوم کردند، همانگونه که پشتیبانی از سیاست‌های ضد امپریالیستی حکومت جمهوری اسلامی را سازشکاری خواندند و محکوم کردند، همانگونه که امکان کودتای امریکائی علیه جمهوری اسلامی را منتفی می‌دانستند و می‌گفتند چاقو دسته‌اش را نمی‌برد، و همه کسانی که شعار "مرگ بر ارتجاع" را بجای مرگ بر امریکا تکرار می‌کنند، حالا هم بدون هیچگونه ارزیابی از وضعیت کنونی هر تصمیمی را که از جانب حکومت جمهوری اسلامی برای تعیین تکلیف گروگانها اتخاذ شود، حتی اگر منطقی‌ترین و درست‌ترین تصمیمات هم گاه باشد، قطعا آن‌را بعنوان "سازش" و "توطئه" و "دروغ" و "فریب توده‌ها" محکوم خواهند کرد."

همانگونه که پیش‌بینی می‌شد، همه آنها درآن‌زمان، اعلام شرایط آزادی گروگانها را "سازش" خواندند. امروز نیز طبعا "چپ‌روها" به همین اعلام "سازش" کسل‌کننده و مبتذل ادامه می‌دهند و جالب توجه است که لیبرال‌ها نیز که همواره خواستار آزادی بی قید و شرط گروگانها بوده‌اند و همیشه مردم را از خطر امریکا می‌ترسانند و می‌گویند بازداشت گروگانها "بازی‌کردن با دم شیر" است، امروز به شیوه‌ای که مرسوم آنهاست بدون آنکه حرفهای گذشته خود را که هزاران بار تکرار کرده‌اند، بیاد آورند، بیشرمانه اعلام می‌دارند که دولت جمهوری اسلامی "سازش" کرده است. لیبرال‌ها و افشای "سازش با امریکا؟ پناه بر خدا! این هم نیرنگ جدید لیبرال‌ها!

برای درک بی‌پایگی برخورد "چپ‌روها" با مسئله گروگانها که اینک به بهترین وجهی مورد بهره‌برداری لیبرال‌ها و بنی‌صدری‌ها قرار گرفته است، کافیست به واقعیت‌های زیر توجه کنیم:

بینش چپ‌روانه از روزهای پیش از انقلاب تا به امروز بارها سازش تمام و کمال خط امام را با امپریالیسم اعلام داشته‌است این بینش وقتی هنوز آیت‌الله‌خمینی در پاریس بود با اشاره به برخی گزارشات خبرگزاری‌های جهان مبنی بر ملاقات ایشان با فرستادگان دولت‌های فرانسه و غیره "سازش" وی را اعلام می‌داشت. این بینش پس از انقلاب نیز همواره حکومت موقت بازرگان را دلیل "سازش" خط امام و ضدامپریالیست نبودن آن می‌دانست. وجود حکومت بازرگان برای بینش "چپ" کافی بود تا ماهیت طبقاتی خط‌امام را دگرگون جلوه دهد. برخی از حاملان این بینش با اشاره به دولت موقت اعلام

بقیه در صفحه ۲۲

پیروز باد مبارزات ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک خلقهای ایران

www.iran-archive.com

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۹۵ـ صفحه ۴

بر آوارگان جنگ چه می‌گذرد؟

* رسیدگی به مشکلات بیش از یک میلیون بی‌خانمان جنگ‌زده، از مبرم‌ترین وظایف کنونی دولت جمهوری اسلامی است.

* تنها در استان لرستان بیش از ۱۵۰ هزار نفر آواره جنگی وجود دارد.

● گذشته از ضایعات مادی و شهات بسیاری از بهترین فرزندان خلق در نتیجه جنگ تحمیلی رژیم مرتجع عراق، مصائب جنگ بسی فراتر از این با فقر و آوارگی صدها هزار زحمتکش غرب و جنوب میهنمان همراه بوده است. زندگی اسف‌انگیز و پرمشقت این آوارگان جنگزده نمی‌تواند خشم و نفرت هر انسان پاکدل و شرافتمندی را نسبت به پلیدی‌ها و جنایات رژیم متجاوز عراق برنیانگیزد. بی‌شک این جنایات خاطره هجوم ددمنشانه ارتش صهیونیسم به مناطق اشغالی فلسطین را، زنده می‌کند.

وضعیت آوارگان جنگی در استان لرستان:

براساس آمارهای رسمی تعداد آوارگان جنگزده در استان لرستان تا ۱۵۰ هزار نفر می‌رسد که نزدیک به ۹۰ تا ۱۰۰هزار نفر آنها در بروجرد، ۲۰هزار نفر در خرم‌آباد، ۱۲هزار نفر در الیگودرز، ۲۳هزار نفر در دورود مستقر شده‌اند. بخشی از این آوارگان جنگی بویژه در الیگودرز و دورود در مناطق روستایی اسکان یافته‌اند و نزدیک به دوهزار نفر نیز در اردوگاه ملاوی خرم‌آباد بسر می‌برند.

شرایط زیست مهاجرین جنگزده در این استان از هر لحاظ تاسف‌انگیز است آنها بویژه از لحاظ مسکن در مضیقه قرار داشته و در تهیه و تامین آذوقه با مشکلات و نارسائی‌های فراوان روبرو هستند. اغلب آنها فاقد ابتدائی‌ترین وسایل زندگی هستند. در بروجرد تعدادی از مهاجرین به نزد اقوام و خویشان خود پناه برده‌اند. درمنزل آنهایی هم که توانسته‌اند خانه‌ای محقر اجاره کنند، چندین خانوار زندگی می‌کنند. اما اکثر آوارگان جنگزده در این شهر در مدارس و دبیرستان‌ها ساکن شده‌اند و در شرایطی که در این مدارس بی‌در و پیکر و در سرمای شدید بروجرد، حتی به تعداد افراد خود پتو در اختیار ندارند، بطوری که در این مدت نیز تعدادی از اطفال آنها از شدت سرما جان سپرده‌اند، از این نظر وضعیت زنان باردار دردآورتر و نگران کننده‌تر است.

در شهرهایی نظیر درود نیز بخشی از ساختمان‌های دولتی در مجتمع‌های مسکونی در اختیار مهاجرین قرار گرفته است. منجمله ساختمان‌های وابسته به صنایع نظامی درود که حدود ۲هزار نفر را در خود جای داده‌اند. این ساختمان‌ها فاقد آب و برق بوده و تقریبا برای هر ۵۰۰ نفر یک توالت و یک شیر آب وجود دارد که شرایط بد آب و هوا و نارسایی امکانات درمانی را نیز باید بر این مشکلات افزود.

در ابتدا برای مهاجرین که بطور دسته‌جمعی به‌سر می‌بردند جیره‌غذایی تهیه می‌شد که از جانب مقامات و ارگان‌هایی چون فرمانداری در اختیارشان قرار می‌گرفت. اما اکنون بخش عمده کمک‌ها از طریق ارگان‌هایی نظیر ستاد کمک رسانی، پاسداران، بسیج و هلال‌احمر صورت می‌گیرد. این کمک‌ها در اختیار کمیته‌های‌مساجد قرار داده شده و از این‌طریق توزیع می‌شود. اخیرا نیز بعضی مایحتاج آنها از طریق کارت‌های جیره‌بندی ـ همچون اهالی بومی ـ تامین می‌شود. همچنین منازل برخی از روحانیون از مراکز توزیع مایحتاج مهاجرین است. بی‌برنامگی و عدم هماهنگی در میان ارگان‌های حکومتی و مردمی و برخورد نادرست بعضی از آنها با مسئله آوارگان جنگ زده، تاکنون موجبات نارضایتی فراوانی را در میان مهاجرین بوجود آورده است. همچنین مسئله بیکاری و اختلال در پرداخت حقوق مهاجرینی‌که مشاغل دولتی دارند، یکی دیگر از عوامل نارضایتی آنهاست. که در مجموع فرصت‌های مناسبی را برای فعالیت و تبلیغات مخرب ضدانقلاب در میان این زحمتکشان فراهم آورده است.

گیلانغرب (مناطق چله):

در گیلانغرب اکثر آوارگان جنگ زده در مناطق "چله" به‌سر می‌برند. این زحمتکشان غالبا دهقانانی هستند که با شروع جنگ خانه و کاشانه و زمین‌های زیر کشت‌شان در زیر گلوله‌های دشمن به‌ویرانه‌ای بدل شده و ناچار راهی این مناطق شده‌اند.

مناطق "چله" حدود ۵۰ کیلومتر از خاک گیلانغرب را در بر می‌گیرد. در طول این مسافت در کنار هر روستا چند مرغداری به‌طول تقریبی ۳۰ متر و عرض ۳ متر قرار دارد. اکنون در هر مرغداری که سقف‌های گل‌اندود آن یارای مقاومت در برابر باران‌ها و برف‌های موسمی را ندارد، ۲۵ خانواده جنگزده به‌سر می‌برند که با کشیدن پرده‌ای از هم جدا شده‌اند ـ در طویله‌های روستاهای این مناطق نیز چندین‌خانوار بطور یکجا زندگی می‌کنند. در سیاه‌چادرهای محلی نیز، عده‌ای از مردم آواره زندگی می‌کنند. همچنین در گوشه و کنار هر روستا بعضی از آوارگان گودال‌های نمناکی به‌عمق یک‌متر حفر نموده، روی آن را پوشانیده و در آن زندگی می‌کنند.

در این مناطق از توزیع پتو، پوشاک گرم، ارزاق عمومی و نفت و همچنین فعالیت کمیته‌های امداد چندان خبری نیست. مهاجرین ساکن این مناطق در بسیاری مواقع مجبورند برای خرید یک پیت نفت فرسنگ‌ها راه را تا شهر طی کنند. آن‌هم اگر از بمباران خبری نباشد و نفتی دریافت شود. بهای آن با هزینه ایاب و ذهاب ۳۰ تومان تمام خواهد شد. امکانات درمانی منطقه نیز تنها در وجود یک پزشک هندی که در یکی از روستاهای منطقه مقیم است، خلاصه می‌شود. هر صبح که از مسیر جاده‌های "چله" می‌گذری، در مسیر روستاها و در کنار هر مرغداری مادران غم‌زده‌ای دیده می‌شوند که کودکان خود را تنگ در آغوش فشرده، به‌سوی مطب دکتر روانند. تازه پس از طی مسافتی طولانی، ساعت‌ها باید در فضای سرد اطراف درمانگاه به انتظار معاینه دکتر بایستند.

کلاس‌های درس دانش‌آموزان در زیر چادرهائی‌که فاقد هرگونه وسایل گرم کننده است، تشکیل می‌شود چادرهائی که آب باران به‌راحتی از داخل آنها نفوذ کرده و همیشه کف آن را گل و شل فرا گرفته است. بطوری که تا مچ پا درآن فرو می‌رود. این در حالی است که دانش‌آموزان، کودکان و نوجوانانی که با سخت‌ترین شرایط زندگی روبرو هستند، تنش مقاومت شعله می‌کشد. با آنها که صحبت می‌کنی، می‌گویند: "آخر چه کسی به خان‌ها اسلحه داده تا از سرزمین ما دفاع کنند، باید ما مسلح شویم تا از حق خود و میهن خویش دفاع کنیم".

و این همه تنها گوشه‌هایی از مصائبی است که آوارگان جنگ زده میهنمان با آن روبرو هستند. مصائبی که علیرغم کوشش نهادهای انقلابی و کمک‌های بی‌دریغ مردم سراسر ایران همچنان بر دوش آوارگان سنگینی می‌کند و اکثرا از ابتدائی‌ترین امکانات زندگی محرومند. امروز مشکل بیش از یک میلیون بی‌خانمان جنگ‌زده یکی از دشواری‌های عظیم انقلاب ما را تشکیل می‌دهد و به‌صورت یکی از مهم‌ترین مسائل پشت جبهه مبدل شده است. بر دولت جمهوری اسلامی و هر نیروی ترقیخواه و میهن‌پرست است که با درک اهمیت این موضوع به وظیفه انقلابی خویش در قبال صدهاهزار انسان رنجدیده و آواره میهنمان بشتابند.

چه باید کرد؟

به‌اعتقاد ما رسیدگی به مسئله آوارگان و رفع نیازهای حیاتی آنان امری ممکن و شدنی است و توجه به موارد ذیل می‌تواند راه‌حلی برای رفع نارسایی‌های صدهاهزار آواره جنگی باشد:

۱ـ اساسی‌ترین نارسایی‌ها ناهماهنگی ارگان‌های دولتی و نهادهای انقلابی مربوط به کمک‌رسانی و رسیدگی به آوارگان است که خود کلاف سردرگم و پیچیده‌ای را به‌وجود آورده است. دولت باید قبل‌از هر چیز تمامی ارگان‌های کمک رسانی را در یک تشکیلات واحد سراسری سازمان دهد.

۲ـ این تشکیلات واحد سراسری به کمک واحدهای خود در مرکز آوارگان و همیاری مردم آمار جنگزدگان را جهت تامین نیازمندی‌های آن تهیه نماید.

۳ـ کمک‌های مردم و

بقیه در صفحه ۱۵

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

www.iran-archive.com

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹

سال دوم ــ شماره ۹۵ــ صفحه ۵

حزب کمونیست عراق

مردم عراق را به سرنگونی رژیم صدام و قطع جنگ دعوت کرد

● در جنگی که بنا به خواسته امپریالیسم امریکا و به‌قصد نابودی انقلاب ضدامپریالیستی مردم میهن ما و سرکوب مبارزات خلق عراق به دست رژیم جنایتکار صدام برپا شده است، مردم عراق درکنار زحمتکشان قهرمان میهن ما قرار گرفته‌اند. حزب کمونیست عراق به نمایندگی از طرف طبقه کارگر و زحمتکشان این کشور، اخیرا طی بیانیه‌ای باردیگر جنگ تجاوزگرانه دار و دسته صدام علیه انقلاب ایران را محکوم ساخته و از خلق عراق خواسته است که با سرنگونی رژیم جنایتکار صدام در راه پایان جنگ و تحکیم مودت و دوستی بین خلقهای ایران و عراق گام بردارند.

سازمان ما ضمن تائید موضع حزب کمونیست عراق به عنوان موضع درست، انقلابی و انترناسیونالیستی دربرابر این جنگ ویرانگر، درودهای آتشین خود را به خلق عراق، حزب کمونیست عراق و همه انقلابیون و میهن‌پرستان این کشور که دوشادوش خلق قهرمان ما علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا پیکار می‌کنند، تقدیم می‌دارد. سازمان ما ایمان دارد که اتحاد خلقهای ایران و عراق با سایر کشورهای منطقه و کشورهای ترقیخواه، سرانجام ناقوس مرگ امپریالیسم امریکا و رژیم‌های مرتجع وابسته را در تمامی منطقه به صدا درخواهد آورد و برای مردم زحمتکش کشورهای ما، صلح، استقلال و آزادی را به ارمغان خواهدآورد.

به فرزندان خلق کبیر ما،
به کارگران، دهقانان و روشنفکران،
به تمام میهن‌دوستانی که در تمام جبهه‌ها به منافع خلق و میهن خود می‌اندیشند:

دیکتاتوری نظامی که حکومت خود را از طریق زور به عراق محبوب ما تحمیل کرده، به جنگی تمام عیار علیه همسایه ما ایران دست زده‌است. جنگ در مقیاسی وسیع آغاز شده و نیروهای نظامی دو کشور همسایه با استفاده از انواع سلاح‌ها، درگیر در نبردی هستند که طی آن تاسیسات اقتصادی و نظامی و خانه‌های مسکونی نابود می‌شوند و ثروت‌های عظیم آنها به مقیاسی که پیش از این هرگز در تاریخ دو کشور سابقه نداشته است، ویران می‌گردد. همه این اتفاقات نتیجه تبعی اتحاد با رژیم شاه و اقدامات تحریک آمیز و تجاوزگرانه‌ای است که توسط دیکتاتوری منفور علیه انقلاب خلق ایران صورت گرفته است. این نتیجه ناگزیر تمام سیاست‌های مغایر با منافع خلق، میهن و ملت عرب است که توسط دیکتاتوری حاکم با سرکوب میهن‌دوستان و نیروهای دمکراتیک خلق ما و توده‌های زحمتکش تعقیب می‌شود و حقوق و آزادی‌های دمکراتیک آنان را پایمال می‌سازد. این‌جنگ ادامه جنگ برعلیه خلق کرد و کوشش شدید آنها نه‌تنها در جهت انکار حقوق ملی آن بلکه تلاش درجهت مستحیل ساختن کامل آن از طریق زور است.

این جنگ ادامه طبیعی سیاست‌های خصمانه آنها نسبت به جنبش آزادی‌بخش ملی عرب، جنگ علیه جبهه مقابله و پایداری، توطئه‌های آشکار آنها علیه کشورهای برادر سوریه و جمهوری دمکراتیک یمن و کوشش‌های آنها برای خاموش ساختن انقلاب فلسطین، برای منحرف ساختن و درگیر ساختن آن در سیاست‌های خود است.

همچنین جنگ ادامه طبیعی سیاست اتحاد با نیروهای مرتجع عرب و تشکیل یک قطب ارتجاعی با عربستان سعودی و اردن علیه جبهه مقابله و پایداری، برقراری رابطه با امپریالیسم و کمک به توطئه‌های آن بطور عینی و عملی. تلاش شدید برای ایفای نقش پلیسی ارتجاع و امپریالیسم در منطقه پس از سقوط رژیم شاه مخلوع است.

"صدام‌حسین" و دار و دسته تروریست او، با برقراری رابطه با امپریالیسم و همکاری با نیروهای مرتجع منطقه، با اعمال دشمنی به خلق عراق و نیروهای میهن‌دوست آن، یک رژیم تروریستی خون‌آشام را که عراق پیش از این هرگز به یاد نداشته به ما تحمیل کرده‌اند و خصومت آنها با جنبش‌های آزادی‌بخش ملی با گام‌های جدی می‌رود تا ارتش و کشور را در حادثه‌ای گرفتار سازد که خلق عرب هیچگونه نفعی در آن ندارد و بنابراین آشکارا درخدمت امپریالیسم امریکا و نیروهای مرتجع قرار دارد.

ادعای آنکه جنگ بخاطر بازپس گرفتن حقوق عراق بر شط‌العرب و مناطق مرزی است، ادعای دروغی بیش نیست و نخواهد توانست خلق ما و افکار عمومی عرب وجهان را بفریبد. زیرا خلق ما نیز همانند افکار عمومی جهانی درک می‌کند که درراس رژیم عراق همان کسی قرار دارد که به حقوق ملی عراق خیانت کرد و به امپریالیست‌ها اجازه داد تا از طریق دست‌نشانده خود، شاه ایران، در مسائل داخلی عراق مداخله کنند. او امضاءکننده قرارداد خفت‌آور ۶ مارس ۱۹۷۵ با شاه بود که آن زمان ادعا می‌کرد هیچ سازشی یا مصالحه‌ای درباره حقوق عراق بر خاک خود و یا همکاری در زمینه اوضاع‌خلیج و تائید تجاوز شاه علیه انقلاب خلق عمان و اقدامات ضدکمونیستی اووسرکوب خلق کرد و پایمال ساختن جنبش ملی آن صورت نگرفته است.

آنها می‌دانند که" صدام‌حسین" با عناصر باقیمانده رژیم شاه که بغداد را مرکز توطئه‌علیه مردم ایران و انقلاب آن ساخته‌اند، مدام به توطئه مشغول بوده تا دستاوردهای میهن انقلابی را نابود سازند. رژیم شاه را بازگردانند و تسلط امپریالیسم را بر ایران تجدید کنند.

هدف دیکتاتوری نظامی از اعلان جنگ به همسایه ما ایران آن است که بهانه‌ای‌بیابد تا خود را از هر گونه تعهدی نسبت به مسئله فلسطین و مبارزات اعراب علیه تجاوز صهیونیسم آزاد سازد و ارتش عراق را در گیر وظائفی سازد که ارتباطی با مشکل اساسی‌ای که جنبش ملی عرب بطور کلی درحال‌حاضر با آن مواجه است، ندارد و آن آزاد ساختن فلسطینی‌ها و سرزمین‌های اشغال‌شده عرب توسط ارتش تجاوزگر اسرائیل است تا خلق عرب فلسطین بتواند به سرزمین مادری خود بازگردد و دولت ملی ومستقل خود را بنا کند. هدف دیکتاتوری نظامی همچنین آن است که از طریق درگیر ساختن خلق ما در جنگ کثیف خود و دامن‌زدن به تعصبات نژادی و خصومت‌های ناسیونالیستی و جستجوی افتخارات دروغین به بهای فداساختن منافع عالیه خلق، سرزمین مادری و ملت، توجهات را از بحران تعمیق ــ یافته‌ای که رژیم دیکتاتوری با آن مواجه است، منحرف سازد.

حزب کمونیست عراق درحالیکه این جنگ ویرانگر را محکوم می‌سازد، مجددا تاکید می‌کند که هیچ اختلافی نیست که نتواند درجهت تامین منافع خلق‌های همسایه و برادر ایران و عراق و درجهت مبارزه علیه امپریالیسم و برای تحقق پیشرفت و ترقی دو کشور از طریق صلح‌آمیز حل نشود.

این جنایتی هولناک است که خون ارتشیان و مردم دو کشور بر زمین ریخته شود و تاسیسات اقتصادی آنها ویران گردد و ویزانگری در دو کشوری حکمفرما شود که برای بهره‌برداری از منابع ملی خود و غلبه بر عقب‌ماندگی‌ها و ساختن آینده درخشان جهت توده‌های زحمتکشی که سالیان سال از بی‌عدالتی ستمگران، دیکتاتورها، امپریالیستها و استثمارگران رنج برده‌اند، شدیدا به صلح و آرامش نیاز دارند. افراد مسئول ارتش به درستی درک می‌کنند که باید علیه دشمن صهیونیست مبارزه کنند نه علیه ارتش ایران.

حزب کمونیست عراق از خلق ما و نیروهای وطن‌پرست آن، از تمام میهن‌دوستان و افراد ارتش می‌خواهد تا بخاطر پایان‌بخشیدن به این جنگ ویرانگر و یافتن راه حل صلح‌آمیز مسائل مورد اختلاف، مانع از عملیات دار و دسته دیکتاتور شوند و از پیش‌تر رفتن این جنایت تاسف‌آور جلوگیری کنند.

فرزندان خلق مبارز عراق!
افراد نیروهای میهن دوست ارتش!

صفوف خود را متحد سازید و یکپارچه برای سرنگون ساختن دار و دسته دیکتاتوری که تمام این مصائب را برای میهن محبوب و خلق ما پدید آورده، مبارزه کنید تا رژیم دمکراتیک را مستقر سازید زیرا راه خاتمه‌دادن به ریخته‌شدن خون برادران عراقی و ایرانی که اکنون درجهت منافع امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع به زمین ریخته می‌شود و راه به‌هم پیوستن مبارزه خلق ما علیه امپریالیسم و حل مسالمت‌آمیز اختلافات با کشور همسایه ما ایران، همین است.

با امید خاتمه جنگ ویرانگر
مرگ بر رژیم دیکتاتوری، تروریستی و ارتجاعی
پاینده‌باد روابط دوستی و همسایگی بین
خلقهای برادر ایران و عراق

کمیته‌مرکزی حزب‌کمونیست‌عراق

☆

* این جنگ ادامه سیاست‌های خصمانه رژیم صدام نسبت به جنبش آزادیبخش ملی عرب، جبهه پایداری و کشورهای برادر سوریه و یمن دمکراتیک و کوشش جهت خاموش ساختن انقلاب فلسطین است.

www.iranarchive.com

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۸ بهمن ما ۱۳۵۹
سال دوم ــ شماره ۹۵ــ صفحه ۶

جنبش کارگری ایران

کارگران سنگ بری:
«مشکلات ما زیاد است، ولی مهم ترینش مسئله اتحاد ماست»

● کار در کارگاه‌های سنگبری از جمله طاقت‌فرساترین انواع فعالیت‌های تولیدی است در کارگاه‌های سنگبری، کارگران در میان گرد و غبار سنگ و صدای گوشخراش دستگاه‌ها به بریدن، صاف کردن و حمل ورق ــ سنگهای سنگین و بزرگ بام را به شام می‌رسانند بدون آنکه از حداقل وسایل ایمنی و بهداشتی برخوردار باشند. واریس، کمردردهای مزمن، بیماری‌های ریوی و... از جمله عوارض تبعی این کار دشوار و طاقت‌فرساست. بسیاری از سنگبری‌ها حتی یک دوش آب گرم که از جمله وسایل اولیه بهداشتی در کارگاه‌های سنگبری است ندارند و علیرغم سختی شرایط کار از ابتدائی‌ترین امکانات تامین اجتماعی نیز محرومند. تدوین و اجرای یک قانون کار و تامین اجتماعی مترقی و نوین که همه کارگاه‌های کوچک و بزرگ را زیر پوشش امکانات رفاهی و تامین اجتماعی قرار دهد، بیش از همه ضرورت واحدهای تولیدی خرد منجمله سنگ ــ بری‌هاست.

دراینجا برخی از مشکلات و مسائل کارگران سنگبری آریا را که در واقع مشکلات و مسائل همه کارگران زحمتکش سنگبری‌هاست، نقل می‌کنیم:

کارگاه سنگبری آریا ــ تولید کننده انواع سنگ مرمر است و در حدود ۳۰ کارگر دارد. کارگرانی که مویشان را در این کار پرمشقت سفید کرده‌اند. یکی از کارگران می‌گوید:

" من با روزی ۷ تومان در اینجا شروع به کار کردم و حالا ۱۶ سال است که اینجا کار می‌کنم آنوقت که من به اینجا آمدم، کارفرما این دستگاه‌ها را نداشت. ۱۶ سال کار شبانه‌روزی من و برادرانم این دستگاه‌ها و خیلی چیزهای دیگر را برای کارفرما آورد. من الان روزی ۸۵ تومان مزد می‌گیرم. البته در مقابل ۱۴ ساعت کار. ناچارم اینقدر کار کنم. چون ما هشت‌نفریم و خرجمان نمی‌رسید اگر حتی یک ساعت از وقتمان را سرف رفتن پیش دکتر کنیم، این یک ساعت را از ما کم می‌کنند. به ما لباس کار و دستکش کار نمی‌دهند، حمامی برای کارگاه ساخته‌اند با سه تا دوش که اصلا قابل استفاده نیست و هزار مشکل دیگر... چطور بگویم.

وضعیت کار بد است ولی بدتر از همه‌چیز آن‌است که هنوز کارگران آنطور که باید متحد نشده‌اند."

یکی دیگر از کارگران می‌گفت:

" به کارفرما گفته‌ایم اینجا (کارگاه) تابستان‌ها خیلی گرم است و زمستان‌ها خیلی سرد. هیچ وسیله‌ای برای مقابله با گرما و سرما نداریم کارفرما در جواب گفت: "باشد به خورشید میگم مسیرش را عوض کنه"!

این منطق بی‌شرمانه سرمایه‌داران است. منطقی که پشتش به قانون کار و تامین اجتماعی آریامهری گرم است قانون کار متحجری که هنوز آنچنانکه باید ضربه انقلاب را نچشیده است و مادام که مبارزه متحدانه تشکل‌های کارگری طومار آن را درهم نپیچد، همچنان بر سرنوشت میلیونها کارگر و زحمتکش انقلابی میهن ما حاکم خواهد بود و همچنان به تمسخر مبارزه و رنج روزمره توده‌های زحمتکش میهن ما ادامه خواهد داد.

کارگران مبارز و انقلابی سنگبری آریا علیرغم دستمزدهای ناچیز و فشار سنگین و روزافزون هزینه‌های زندگی، علاوه بر ارسال یک روز از حقوق ماهانه‌شان برای هم‌میهنان جنگ‌زده، با روحیه‌ای انقلابی به مبرم‌ترین ضرورت انقلاب یعنی اتحاد مستحکم همه زحمتکشان برای دفاع از استقلال میهن پاسخ می‌دهند.

یکی از کارگران که چهره‌ای پرچین و دردکشیده دارد با روحیه‌ای مصمم می‌گوید:

" من با آنکه پیرمرد هستم و واریس و کمردرد هم دارم، تا حالا ۱۵۰۰ تومان به رزمندگان جبهه کمک کرده‌ام. چونکه باید ما محکم پشت هم بایستیم و حالا که برادران ما در جبهه می‌جنگند و جانشان را فدا می‌کنند، باید حداکثر تلاشمان را بکنیم، کمکشان کنیم که هرچه زودتر پیروز شوند. عراق مشکل ما نیست مشکل ما تفرقه بین مردم است و تنها راه پیروزی ما هم اتحاد ماست، ما پیروز می‌شویم.

راه اندازی کارخانه شیمیائی رازی
اقدامی انقلابی و ضروری

● کارگران پیشرو صنعت پتروشیمی جنوب، طی اعلامیه‌ای خواهان راه ــ اندازی و تداوم تولید کارخانه شیمیائی رازی شده‌اند. در این اعلامیه آمده‌است:

" کارخانه شیمیائی رازی (واقع در بندر امام‌خمینی) از جمله واحدهائی است که می‌توان با سازماندهی مجدد تولید آن، تداوم تولید آن را (که فعلا به علت شرایط جنگی به حالت تعطیل درآمده‌است) تضمین نموده و حتی آن را به حداکثر رسانید و در این رابطه، نیرو و توان انقلابی کارکنان مبارز کارخانه را به کار گرفت شرکت شیمیائی رازی یکی از کارخانه‌های سازنده کود شیمیائی است که اهمیت آن از نظر کشاورزی بر کسی پوشیده نیست. مواد اولیه و لوازم یدکی این کارخانه را که قبلا توسط ممالک امپریالیستی تامین می‌شد، می‌توان از کشورهای دوست انقلاب ایران با هزینه کمتر تامین نمود."

بدون شک راه‌اندازی مجدد این کارخانه علاوه‌بر به‌کارگیری توان انقلابی و سازنده صدها کارگر و کارمند مبارز کارخانه رازی، گامی در جهت تقلیل وابستگی و پی‌ریزی استقلال اقتصادی خواهد بود.

کارگران مبارز ایران!
با تداوم تولید و افزایش بازدهی کار، جبهه انقلاب را تقویت کنید

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی ــ دمکراتیک خلقهای ایران

www.iran-archive.com

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹
سال دوم ــ شماره ۹۵ ــ صفحه ۷

جنبش دهقانی ایران

روستای بهارسرا:

لغو بند (ج) و تهاجم دوبارهٔ زمینداران بزرگ

● "بهارسرا" چهار کیلومتر از بخش "کلاچای" (گیلان) فاصله دارد. زحمتکشان این روستا پس از قیام، املاک زمیندار بزرگ منطقه "سید اسماعیل رانکوهی" را مصادره کردند. او از وابستگان دربار شاه بود. شورای منتخب مردم در این عمل انقلابی راهنمائی روستائیان زحمتکش را برعهده‌داشت. شورا ۸هکتار از باغ چای "رانکوهی" را به صورت مشاع زیر کشت برد در عین حال ۳۳ جریب از باغ چای برادر وی را هم بین ۱۳ نفر از دهقانان زحمتکش تقسیم نمود.

با لغو بند ج زمیندار بزرگ و حامیان آن در دستگاه‌های دولتی تهاجم دوباره‌ای را برای بازپس گرفتن زمین‌ها آغاز کردند. از حمله حجت‌الاسلام "قدسی" در مراسم نمازجمعه مطالب تحریک‌آمیزی علیه شورای "بهارسرا" بیان نمود. به دنبال این جریان دو تن از اعضای شورا دستگیر شدند. از طرف دیگر "رانکوهی" با توسل به اقداماتی نظیر پرداخت ۳۰۰ هزار تومان به اصطلاح کمک نقدی به جنگ‌زدگان توانست باغ چای خود را پس بگیرد. او حمایت برخی مناطق حساس منطقه را به دست آورده‌بود. جالب توجه است که معاون استاندار گیلان در دادگاهی که به این منظور تشکیل شده‌بود، می‌گفت: "واقعا اگر قصد تقسیم زمین‌را دارید، بروید انقلاب کمونیستی بکنید." رئیس دادگاه انقلاب هم در همان‌جا گفت: "هرچه قرآن را گشتم چیزی در مورد تقسیم زمین‌پیدا نکردم."

آنها هر دو زیر تابلوئی نشسته بودند که با کلمات درشت می‌گفت:

"سرمایه‌دار دزد است یا وارث دزد"

دادرسی به سود زمیندار بزرگ تمام‌شد. دادگاه از اسماعیل رانکوهی معذرت خواست. زمین‌ها را از دهقانان گرفت و به رانکوهی داد و او هم با سلام و صلوات زمین‌های غصب‌کرده را تحویل گرفت.

شرح مبارزه زحمتکشان "بهارسرا" یک مثال روشن است که چگونه لغو بند ج، راه را برای تهاجم دوباره زمینداران بزرگ گشوده است اینها که مدتی بر اثر مبارزات توده‌های زحمتکش روستائی، هیئت‌های هفت‌نفره، جهاد سازندگی و سپاه پاسداران به سوراخ خزیده بودند، اکنون دوباره سر برآورده‌اند. این بار خود مقامات جمهوری اسلامی زمینه را برای آنها فراهم کرده‌اند. جلوگیری از کار هیئت‌های هفت‌نفره و لغو بند ج بطور موقت صورت گرفته است اما بهترین انگیزه را به دست زمینداران بزرگ داده تا یکبار دیگر به‌ثمرات مبارزه زحمتکشان ده یورش بیاورند. زمینداران بزرگ می‌کوشند با استفاده از این فرصت روستاها را به‌آشوب بکشانند. آنچه که در "بهارسرا" گذشته است، تازه اول کارآنهاست! ضروری است هرچه سریع‌تر جلویشان گرفته شود. نبایدگذاشت این‌بار به بهانه پس گرفتن زمین‌ها خرمن‌سوزان بپا کنند، جنگ برافروزند، زمین‌ها را به نابودی‌سوق دهند.

باید به توده کشاورزان متکی شد. باید لغو بند ج را لغو کرد. باید زمین‌ها را به دهقانان واگذار نمود. باید از دهقانان در برابر زمینداران بزرگ حمایت نمود در این صورت آنها خود توطئه‌های بزرگ مالکان را علیه انقلاب نقش بر آب خواهند کرد.

زحمتکشان روستای برجوئی:

بیش از این طرح کامل قانون اصلاحات ارضی را به تأخیر نیندازید

● منطقه خان‌میرزا از توابع شهرستان "سردجان" در استان چهارمحال بختیاری است. این منطقه زمین‌های مرغوب فراوان دارد که عمدتا در اختیار بزرگ‌مالکان است. اکثر زحمتکشان از خود زمینی ندارند. زندگی آنها از طریق اجاره‌کاری و یا کار بر روی زمین‌های زمینداران بزرگ می‌گذرد. از جانب دولت و هیئت‌های هفت‌نفره واگذاری زمین نیز تاکنون اقدام مشخص در زمینه بهبود وضع آنها صورت‌نگرفته‌است.

روستای "برجوئی" در این منطقه واقع شده‌است. این روستا ۷۰ تا ۸۰ خانوار ساکن دارد. چند ماه قبل بواسطه کوشش کشاورزان زحمتکش، هیئت هفت‌نفره تقسیم اراضی وارد این روستا شد. لیکن به علت وقوع جنگ تحمیلی رژیم صدام و نیز مسامحه‌کاری خود هیئت، کار آن معلق ماند.

اکنون مدتی است که زحمتکشان روستای "برجوئی" برای از سرگیری کار هیئت و ادامه مصادره اراضی بزرگ‌مالکان دودگی می‌کنند. اهالی ده در این مدت موفق شده‌اند نمایندگان بزرگ‌مالکین را از شورای منتخب خود اخراج کنند و مبارزه برای قانون تقسیم اراضی را پیگیری بیشتری دنبال نمایند. آنها از دولت و مجلس جمهوری اسلامی می‌خواهند بیش از این اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی را به تأخیر نیاندازند. زحمتکشان روستای "برجوئی" می‌خواهند که کار هیئت‌های هفت‌نفره ادامه یابد. کسانی که از این کار جلوگیری می‌کنند، از نظر آنها پایگاه و هوادار شیطان بزرگ‌هستند و باید سرکوب شوند.

نامه زیر بیان‌کننده خواست برحق این انسان‌های زحمتکش است:

پیام امام خمینی رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی - درود و شعف و تشکر آمیز ملت ما به هیئت دولت موقت، دولت جلیل شورای اسلامی

درود ما کشاورزان روستای برجوئی از توابع شهرستان لردگان که مدتهای مدید ستم بسیار بر ما رفته و ما را از زمین‌هایمان که متعلق به پدران ما بوده است محروم نموده و ما را به کار بسیار سخت و طاقت فرسا وادار نموده است و ما از آن همه ستم به ستوه آمده تا اینکه با انقلاب بزرگ اسلامی به رهبری امام خمینی عزیز و سرکوبی ابرقدرتها و ستمگران و مستکبران و مستضعف شدن آنها و پیروزی مستضعفان بر مستکبران و ستمگران و غارتگران و با از بین رفتن ستم شاهی و ارتجاع و سرکوبی آنها و با از بین رفتن سرمایه‌داری جهانی و پیروزی آنها و تا انقلاب بزرگ فرهنگی و انقلاب در ارتش و سپاه و نیروهای انتظامی و ژاندارمری و شهربانی و سایر نیروهای مسلح و مردمی و با قیام و وجود اسلام میدانیم که آماده و مهیا هستیم که با هر نوع ستم و ظلم و تجاوزی بتازیم.

در آخر با مراجعه به قانون طرح اصلاحات ارضی هستیم و از اقدامات تندی خواستاریم هیئت‌های هفت نفره زمین‌های بزرگ و آقایان مالکین را که بیش از حد معین دارند و ما آنها را می‌شناسیم و تنگ‌دستی و فقر ما را از آنان بیشتر می‌دانیم و آنان را بزرگ هستند. تقاضا نمائیم با اعزام هیئت سریع به منطقه ما رسیدگی و ما را از ظلم و ستم و وحشت استثمارگران ما را از سر ما کوتاه کنند و ما را از شر آنها راحت و آسوده نمایند.

درود بر امام هشتم بیداران - مرگ بر استکبار جهانی بسرکردگی آمریکا

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

www.iran-archive.com

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹

سال دوم ــ شماره ۹۵ ــ صفحه ۸

پیام اول بهمن‌ماه امام خمینی ، پیام صلح و دوستی و اتحاد خلق‌های قهرمان میهن علیه امپریالیسم آمریکا ورژیم جنایتکار صدام است .

« حکومت پا برهنگان جهان حق است »

« متحد شوید »

● **سرود اتحاد ، شور مقاومت ، امید پیروزی** این است سخن اصلی پیام آیت‌الله خمینی با خلق خویش.

"**حکومت پابرهنگان جهان حق است**". این است پیامی که مردم میهن ما و همه ستمدیدگان جهان را به قیام علیه سلطه‌گران‌جهان فرا می‌خواند و شکست حتمی و نهایی امپریالیسم جنایتکار را نوید می‌دهد .

پیام اول بهمن‌ماه امام در برابر نقشه‌های جنایتکارانه امپریالیسم جهانی و مزدورانش که‌جنگ را بر خلق‌های ما تحمیل کرده‌اند ، دست پاسدار را در دست برادر سربـاز او می‌نهد. تا نیروی خلق را توان بیشتری بخشد !

پیام اول بهمن‌ماه ، پیامی است که دست دوستی خلق قهرمان کرد را می‌فشارد و همه قشرهای مردم را به "**بازسازی کشور عزیزمان که در اثر سال‌های طولانی رژیم منحط پهلوی به خرابی کشیده شده است**" فرا می‌خواند .

امام به آنان که" کارشکنی می‌کنند" توصیه می‌کند :

" **اسلحه‌های خود را کنار گذاشته ، با برادران و خواهران خود آشتی کنید . در این صورت اینجانب به همه آنان تامین می‌دهم که مادامی که با صلح و صفا به کشورتان خدمت کنید و به‌جمهوری اسلامی وفادار باشید ، هیچ‌کس مزاحم شما نخواهد شد .**"

خلق قهرمان کرد که این سخنان را تکرار پیام ۲۶ آبان پارسال امام می‌شمرد ، با عزمی انقلابی از آن استقبال می‌کند و آن را گام مثبتی می‌داند در راستای استقرار صلحی عادلانه در کردستان .

پیام به آنان که با چنگ و دندان از میهن خود دفاع می‌کنند نوید پیروزی نزدیک می‌دهد . امام به خلق قهرمان ما که استقلال می‌خواهد و تا پای جان در برابر امپریالیست‌های آمریکائی ، اروپائی و ژاپنی ایستاده است عزم و غرور می‌بخشد که :

" **شما مردم دلیر و آگاه سرمشقی هستید برای ملل زیر سلطه و باید بدانید که‌در میدانی که قدم گذاشته‌اید ، مواجه هستید با مشکلات بسیاری که تنها مقاومتتان‌نجاتتان خواهد داد . به‌هیچ‌وجه ترس و بیم به خود راه ندهید ــ که مبارزات کوبنده‌تان نشان داده است که نمی‌دهید ــ متحد شوید .**"

در پشتیبانی از پیام امیدبخش و عزم‌آفرین امام خمینی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) بر این اعتقاد است که :

ــ فقط **اگر** همه مردم باهم متحد باشند آمریکا هیـــچ غلطی نمی‌تواند بکند و امام همه قشرهای مردم را به اتحاد که نخستین شرط پیروزی است ، فرا می‌خواند لیبرال‌ها با هوچیگری مزورانه می‌خواهند بین قشرهای مردم اختلاف بیاندازند . باید همه کوشش کنیم که ماهیت این عناصر سازشکار و حامیان آمریکائی ، اروپائی و ژاپنی آنها را هرچه بیشتر در نزد توده‌ها افشا کنیم .

ــ هماهنگی کامل نیروهای ارتش با پاسداران گام مهم در جهت تقویت قدرت دفاعی جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوزگران است و باید هرچه کامل‌تر به‌اجرا درآید . در این زمینه کارشکنی‌های برخی فرماندهان ارتش مستلزم تحقیق و رسیدگی جدی است .

ــ حل عادلانه و صلح‌آمیز مسئله کردستان‌خواست واقعی همه خلق‌های ایران است . دولت جمهوری‌اسلامی ایران باید در اسرع وقت فرمان تامین عمومی امام را به اجـرا درآورده و زمینه حل مسئله کردستان بر اساس پیام ۲۶ آبان ۱۳۵۸ امام خمینی را فراهم سازد .

ــ دعوت امام از رزمندگان دلیر جبهه‌های جنگ به پایداری تا پیروزی نهایی و دعوت خلق به پشتیبانی از این رزمندگان ، دعوت به دفاع از استقلال میهن در برابر تجاوزگران است . تنگ‌نظری‌ها و تعصبات برخی مقامات جمهوری اسلامی مانع از شرکت فعال همه نیروهای میهن ــ پرست در این پیکار است . این تضییقات باید برطرف‌شود

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) دراین شرایط تاریخی که خلق ما می‌رود که پوزه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را به‌خاک مالد ، پیام اول بهمن ماه آیت الله خمینی را پیامی می‌داند که دز پرتو اتحاد ، صلح و دوستی میان خلق‌های میهنمان پیروزی قطعی ما و شکست نهایی تجاوزگران و غارتگران جهانی را نوید می‌بخشد .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) دوشادوش همه نیروهای میهن‌پرست وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ، روح پیام اول بهمن ماه امام خمینی را با مصالح خلق و انقلاب منطبق می‌داند و پشتیبانی قاطع خود را از مضمون آن اعلام می‌دارد .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه اول بهمن‌ماه ۱۳۵۹

اطلاعیـهٔ شاخه کردستـان

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

بمناسبت

پیـام اول بهمن ماه امام خمینی

هم‌میهنان مبارز!

● در آستانه دوم بهمن (۲ی‌ربیه‌ندان) که یادآور مبارزات قهرمانانه خلق ستمدیده کرد به‌خاطر رفع ستم ملی است ، در شرایطی که جنگ برادرکشی در کردستان لطمات شدیدی به‌اتحاد و همبستگی مردم ایران در مبارزه علیه دشمن اصلی ــ امپریالیسم جنایتکار آمریکا ــ وارد نموده و خلق ستمدیده کرد را تاکنون از ثمرات و دستاوردهای انقلاب محروم ساخته است ، پیام انقلابی و قاطع امام خمینی به مردم و نیروهای مسلح ، باردیگر بارقه‌ای از امید جهت حل مسالمت آمیز مشکل کردستان در قلوب این محروم‌ترین مردم سرزمینمان روشن ساخت و باردیگر پیام ۲۶ آبان ۵۸ امام خمینی که بر رفع هرگونه ستم ملی از مردم کردستان تاکید می‌نمود را در خاطر مردم کردستان زنده ساخت . در قسمت‌هایی از پیام آمده است که :

" **این جانب به‌حسب وظیفه اسلامی و اخلاقی به گروه‌های داخل کشور اعم از تهران و کردستان و سایر نواحی ایران در هر نقطه که هستند پدرانه توصیه می‌کنم که‌به آغوش گرم اسلام و ملت مسلمان برگردید و سلاح‌های خود را کنار گذاشته با برادران و خواهران خود آشتی کنید . در این صورت این‌جانب به همه آنان تامین می‌دهم که مادامی که با صلح و صفا به کشور خودتان خدمت کنید و به جمهوری اسلامی وفادار باشید هیچ‌کس مزاحم شما نخواهد شد . چه چیز بهتر از این که در محیط صلح و صفا همه قشرهای ملت در بازسازی کشور عزیزمان که در اثر حکومت سال‌های طولانی رژیم منحط پهلوی به‌خرابی کشیده شده است ، با کار و کوشش اقدام نمایند** ".

سازمان ما ضمن استقبال و پشتیبانی قاطع از پیام پرشور و امید بخش امام خمینی اعلام می‌کند که آماده است همچون گذشته با تمام نیرو در جهت حل صلح‌آمیز مشکل کرستان بکوشد . ماهمچنین از شخصیت‌ها و نیروهای مترقی کردستان دعوت می‌کنیم با احساس مسئولیت عمیق نسبت به موقعیت حساس میهن انقلابی‌مان که اکنون با توطئه‌های مکرر از جانب امپریالیسم آمریکا روبروست ، با پشتیبانی از پیام امام خمینی شرایط لازم را جهت حل صلح‌آمیز مسئله کردستان در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پیام ۲۶ آبان ۵۸ امام خمینی فراهم نمایند .

مطمئن باشیم که مشکل کردستان را از طریق نظامی و قهر نمی‌توان حل‌کرد و هر اندازه مخاصمات‌موجود به‌طول انجامد ، جز تضعیف انقلاب و افزودن بر رنج‌ها و مصائب مردم محروم کردستان نتیجه دیگری نخواهد داشت . خلق کرد از دولت جمهوری اسلامی ایران به‌حق انتظار دارد که در اجرای مفاد این پیام ،و پیام ۲۶ آبان ۵۸ فرمان تامین عمومی امام را به‌اجرا درآورد . محاصره اقتصادی کردستان را که سنگینی آن فقط بر دوش زحمتکشان است ، لغو کنند ، ادارات منحله ، کارمندان اخراجی را از نو به خدمت جمهوری اسلامی ایران فرا خوانند . اینها گام‌هایی است که دولت جمهوری اسلامی باید در برداشتن آن درنگ نکند .

توجه جدی مسئولین جمهوری اسلامی ایران به مضمون انقلابی انسانی پیام امام خمینی و تلاش جهت اجرای صحیح آن می‌تواند توطئه‌های دشمنان انقلاب را در کردستان خنثی نموده با تامین حقوق عادلانه خلق‌کرد ، نیروی رزمنده این خلق سلحشور را در دفاع از استقلال و آزادی میهن انقلابی بیش از پیش بسیج نماید .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) ــ شاخه کردستان

پنجشنبه ۲ بهمن ماه ۱۳۵۹

بکوشیم تا با استقرار صلح عادلانه درکردستان وحدت مردم میهنمان را علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

www.iran-archive.com

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹
سال دوم ــ شماره ۹۵ــ صفحه ۹

دستاوردهای انقلاب و سوسیالیسم

نقش عظیم زنان شوروی در ساختمان سوسیالیسم

● در جوامع بورژوائی حتی دمکراتیک‌ترین آنها، از آنجا که وسایل تولید در مالکیت خصوصی افراد قرار دارد و از آنجا که این جوامع به هر چیزی به چشم کالا می‌نگرند، زنان را نیز چه در رابطه رسمی و چه در رابطه غیر رسمی، کالا به حساب می‌آورند و بدین‌طریق آنها را در موضعی نابرابر با مردان و دروضع حقارت‌آمیز و توهین‌آوری قرار می‌دهند. پایه نابرابری زنان در جوامع سرمایه‌داری از لحاظ حقوق اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در این امر نهفته است.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر برای اولین بار در تاریخ جهان با الغای مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و استقرار مالکیت اجتماعی بر آنها و برقراری قدرت شوراهای نمایندگان کارگران و دهقانان، زنان را از قید ستم دوگانه رهائی بخشید و آنها را بطور واقعی به همکاران برابر حقوق مردان در عرصه تولید و زندگی اجتماعی تبدیل کرد.

* * *

در حال حاضر زنان شوروی نزدیک به ۴۰۰۰ کارخانه و نیمی از موسسات بازرگانی، بهداشتی و درمانی، تغذیه رایگان و خدمات معیشتی را رهبری می‌کنند

انقلاب اکتبر با جلب زنان به عرصه تولید اجتماعی، استقلال اقتصادی آنها را تامین کرد. در حال حاضر حدود ۵۳% جمعیت اتحاد شوروی یعنی ۱۳۹ میلیون نفر را زنان تشکیل می‌دهند. زنان شاغل شوروی که تعداد آنها به ۵۵/۵ میلیون نفر می‌رسد (۵۱% کل نیروی شاغل) در تمام عرصه‌های اقتصاد ملی یعنی در حوزه‌های صنعت، کشاورزی و امور اداری به کار اشتغال دارند. بدین‌زنان در مقابل کار مساوی حقوق برابر مردان پرداخت می‌شود.

در اتحاد شوروی بیسوادی مدتهاست که از بین رفته‌است و سطح دانش عمومی مردم بطور مداوم بالا می‌رود. این امر درباره زنان نیز صدق می‌کند. از هر ۱۰۰۰ زن شوروی ۷۸۱ نفر تحصیلات عالی و متوسطه دارند. این رقم حتی از میزان مردانی که به کسب چنین پایه تحصیلاتی موفق شده‌اند، تجاوز می‌کند. (این رقم در مورد مردان ۷۷۹ نفر در ۱۰۰۰ است). ۵۰۰/۰۰۰ نفر از زنان اتحاد شوروی در رشته علوم کار می‌کنند و بیش از ۱۰۰/۰۰۰ نفر به کسب درجه نامزدی دکترای علوم یا دکترای علوم نائل آمده‌اند. از این تعداد ۲۵۰۰ نفر عضو آکادمی علوم اتحاد شوروی می‌باشند.

۵۹% کارکنان دارای تحصیلات عالی و متوسطه شاغل در اقتصاد شوروی را زنان تشکیل می‌دهند همچنین زنان شوروی ۷۵% پزشکان، ۷۵% آموزگاران و بیش از ۶۰% مهندسین اتحاد شوروی را تشکیل می‌دهند. سهم زنان شوروی در بین کارشناسان بخش کشاورزی، اعم از مهندسین، دامپروران و دامپزشکان ۴۰% می‌باشد.

در حال حاضر زنان شوروی نزدیک به ۴۰۰۰ کارخانه و نیمی از موسسات بازرگانی، بهداشتی و درمانی، تغذیه رایگان و خدمات معیشتی را رهبری می‌کنند. در حال حاضر مجموعا ۵۰۰/۰۰۰ نفر از زنان اتحاد شوروی در سمت‌های مدیریت بنگاه‌های صنعتی و کشاورزی دولتی و ریاست تعاونی‌های روستائی و ادارات دولتی به کار اشتغال دارند.

حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی، مردم شوروی را به شرکت هرچه فعال‌تر در اداره امور دولتی و عمومی دعوت می‌نمایند و علاوه‌بر آن وسایل چنین شرکتی را در اختیار آنها قرار می‌دهند. در نتیجه این امر، تعداد کسانی که در

بقیه در صفحه ۱۷

www.iran-archive.com

اخبار کوتاه

● امریکا معادل ۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (دو میلیارد دلار) تجهیزات و خدمات فنی نظامی در اختیار عربستان سعودی قرار می‌دهد.

● مذاکرات سه‌جانبه مصر، اسرائیل و امریکا در رابطه با خودمختاری فلسطین به‌تعویق‌افتاد.

● سازمان‌های سیاسی فیلیپین لغو حکومت نظامی در این کشور را عوام‌فریبی خوانده و اعلام داشتند درجهت سرنگونی رژیم وابسته مارکوس همچنان مبارزه خواهند کرد.

● نیروهای انقلابی گواتمالا طی عملیاتی در گواتمالاسیتی پایتخت این کشور ۸۰ بمب منفجر کردند.

● هزاران دهقان مکزیکی با بستن جاده‌های منتهی به منابع نفتی، اعتراض شدید خود را به شرکتهای نفتی که باعث نابودی اراضی کشاورزی آنان شده‌اند، اعلام داشتند.

● سادات از امریکا خواست حضور نظامی خود در اقیانوس هند را گسترش دهد.

● شورای جهانی صلح حمایت خود را از مبارزات خلق السالوادور اعلام کرد.

● میزان تولیدات صنعتی آلمان دمکراتیک در سال آینده ۵% افزایش خواهد یافت.

● در دومین اجلاس کنگره خلق عرب، حزب بعث عراق از این کنگره اخراج گردید.

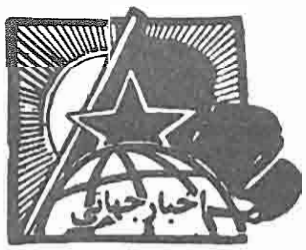

قذافی: «امپریالیسم و صهیونیسم دشمنان مشترک اتحاد شوروی و لیبی»

* سرهنگ معمرقدافی رهبر لیبی طی سخنانی در دومین اجلاس کنگره خلق عرب. پس از اشاره به دوستی و همکاری استواری که میان لیبی و اتحاد شوروی وجود دارد، گفت:

"... ما دوستان شوروی می‌باشیم زیرا ما به ضرورت دوستی با اتحاد شوروی متقاعد گشته‌ایم. ما در این زمینه صادقیم و این دوستی را حفظ خواهیم کرد چرا که هدف‌های مشترکی داریم اتحاد شوروی و لیبی دشمنان مشترکی دارند و این دشمنان، امپریالیسم و صهیونیسم هستند."

رهبر لیبی سپس از کمکهای همه‌جانبه اتحاد شوروی به لیبی یاد کرد و گفت:

"شوروی در کنار خلق فلسطین و اعراب است."

افزایش هزینه‌های نظامی امریکا

* ژنرال هیگ وزیر امور خارجه منتصب امریکا، طی سخنانی در سنای این کشور اعلام نمود که سیاست این کشور در سالهای آینده مبتنی بر گسترش هزینه‌های نظامی و مقابله با شوروی، "تروریسم" و "اوضاع خراب اقتصادی جهان" است. هیگ همچنین گفت که امریکا باید در صورت لزوم کنترل عبور نفت خاورمیانه را خود به‌تنهائی در دست گیرد.

به‌قرار اطلاع هزینه‌های نظامی ایالات متحده امریکا تا سال ۱۹۸۶ به ۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (هزار میلیارد دلار) خواهد رسید وآمریکا سریعا خود را برای مداخله نظامی در خلیج‌فارس آماده می‌کند.

نبرد السالوادر همچنان ادامه دارد

* در السالوادور خلق دلیر این کشور همچنان می‌رزمد و حماسه می‌آفریند. طی روزهای اخیر با ورود سربازان گواتمالا و هندوراس به این کشور، نبرد میان انقلابیون و نیروهای سرسپرده، اوج تازه‌تری یافته است. به علت درگیری میان انقلابیون و نیروهای ارتجاعی ارتباطات تلفنی بیش از ۳۵ شهر و روستا قطع گردیده‌است و انقلابیون توانسته‌اند کنترل قریب به یک‌چهارم کشور را در دست گیرند.

از سوی دیگر در شرایطی که امریکا کمکهای نظامی ۶۵ میلیون دلاری خود را برای رژیم نظامی حاکم بر کشور ارسال می‌کند، خود را برای مداخله نظامی آشکار در السالوادور آماده می‌سازد. انقلابیون السالوادور اعلام داشتند که به‌زودی در مناطق آزادشده دولت انقلابی خلق تشکیل خواهد گردید و با هرگونه مداخله امریکا قاطعانه مقابله خواهند کرد.

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹

سال دوم ــ شماره ۹۵ــ صفحه ۱۰

صدها سرکرده ضدانقلابی افغانی خطری جدی برای مردم و انقلاب ایران

بار سنگین یک میلیون مهاجر افغانی بردوش انقلاب ایران

● در سراسر میهنمان، بویژه مناطق سیستان، بلوچستان و خراسان هم اینک بیش از یک میلیون مهاجر افغانی پراکنده‌اند که به‌دور از هرگونه کنترل دولتی، کانون‌های تشنج پرخطری را تشکیل داده‌اند. این خیل عظیم عمدتا زیر رهبری خان‌ها و فئودال‌ها، قاچاقچیان عمده و روحانیون مرتجعی هستند که تحولات اخیر افغانستان منافع ضدمردمی آنان را به خطر انداخته است. اینان که خود سالها خون زحمتکشان افغان را در شیشه کرده‌اند، زیر لفافه حمایت از "اسلام! مبارزه با "کفر!" و هزار پرده فریبنده دیگر تلاش می‌کنند راه را بر روند ترقی اجتماعی سد کنند.

"جمعیت اسلامی افغانستان"، "حرکت علماء انقلاب اسلامی"، "جبهه اسلامی"، "حرکت انقلاب اسلامی"، "جبهه نجات ملی" و دهها گروه ریز و درشت دیگر با عناوین پرطمطراق "ملی"! و "اسلامی"! به‌طاهر از "اسلام" در مقابل "کفر" و از "مستضعفین" در برابر "مستکبرین" دفاع می‌کنند. لیکن باطنا جز خرابکاری در روند تحولات ترقیخواهانه افغانستان، به نفع ارتجاع امپریالیستی به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا و فئودالیسم فرتوت کاری نمی‌کنند. سران مزدور این گروهها با فریب توده‌ها، بازی با عواطف مذهبی آنها و حتی گاه با تهدید و اجبار موفق شده‌اند، انسان‌های زحمتکش، اما ناآگاه بسیاری را نیز به دنبال خود به‌مهاجرت وادارند. تا به این ترتیب انرژی آنها را به‌خلاف منافع واقعی‌شان علیه نظم مردمی موجود در افغانستان به کار گیرند.

واقعیت وجودی رهبران و عملکرد این گروهها خود زبان گویای اصل و جوهر آنهاست:

"جمعیت اسلامی افغانستان" زیر رهبری برهان‌الدین ربانی، مدافع زمینداران بزرگ و دوست وفادار ضیاءالحق، انورالسادات‌وشیوخ مرتجع عربستان است. نمایندگی این جریان را در ایران "ظاهرخان"، انورخان و چند خان دیگر افغانی به‌عهده دارند. آنها همه از مالکین بزرگ ایالت فراح افغانستان و از قاچاقچیان عمده‌اند. "حرکت انقلاب اسلامی" را "مولوی محمدنبی" هدایت می‌کند که روحانیون مرتجع و بزرگ مالک را پشت سر خود دارد.

رهبران به اصطلاح "جبهه نجات ملی" خود ترفند که به بزرگ مالکین وابسته‌اند و از آمریکا نیز کمک می‌گیرند. آنها دولت "رجایی" را نظیر همپالکی‌های "ایرانی لیبرالشان" "کمونیستی" می‌دانند و معتقدند که همه جنبش‌های رهایی‌بخش در سراسر جهان وابسته به شوروی هستند. اقدامات ترقیخواهانه دولت رجایی از جمله طرح توزیع عادلانه ارزاق عمومی، طرح جیره‌بندی بنزین، فعالیت هیئت‌های هفت‌نفره و خلاصه هر گام اقدامی که به‌نفع زحمتکشان باشد، از نظر رهبران این به‌اصطلاح جبهه نجات ملی چون با اقدامات ترقیخواهانه "ترکی" شباهت دارد، از آن به مردود است.

یکی از اعضای "حزب حرکت اسلامی" که خود بیش از یک‌صد فرد مسلح را در اختیار دارد در مورد رهبر یکی دیگر از گروه‌ها می‌گوید:

"او با تعدادی از مزدورانش فقط کارش این است که به اسم اسلام، باج سبیل از مردم خراسان بگیرد و خرج کند"!

واقعیات بالا، همه ماهیت این گروه‌های به‌اصطلاح "مجاهد"!! افغانی را به‌خوبی روشن می‌کند. خان‌ها و خانزادگانی‌که بر راس گروه‌های فوق‌الذکر قرار دارند بطور مستقیم با رژیم‌های ارتجاعی منطقه در رابطه‌اند. عراق، مصر، پاکستان، عربستان سعودی و عمان مرتب برای آنها پول و اسلحه می‌فرستند. از طرف دیگر مزدوران افغانی با سرمایه‌داران و همپالکی‌های بزرگ مالکشان در ایران، به ویژه در سیستان، بلوچستان و خراسان ارتباطات نزدیکی دارند. آنها خرابکاری علیه رژیم‌های ایران، افغانستان و همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیست خاورمیانه و نزدیک را به‌یاری هم پیش می‌برند.

تشنج و بی‌ثباتی ناشی از وجود این عناصر خودفروخته و ایادی مسلح آنها در نواحی‌مرزی ایران و افغانستان بستر مناسبی برای اعمال خرابکارانه امپریالیسم آمریکاست. پایگاه‌های عملیاتی آنها در پاکستان و مقرهایشان در خاک ایران و افغانستان کانون‌های مناسبی است که سیاست امپریالیستی تشنج و بحران از آنجا به تمامی سرزمین‌های همجوار صادر می‌شود.

در عین‌حال مشکلات پرشمار دیگری نیز از وجود مهاجرین افغانی نشات می‌گیرد. خطرات ناشی از این امر به‌قدری است که در مجلس نیز منعکس شده است. یک حساب سرانگشتی میزان هزینه‌ای را که تنها نگهداری این مهاجرین برای مردم ایران دربردارد، به‌خوبی روشن می‌کند. آقای "میرسلیم" معاون وزارت کشور در همین رابطه می‌گوید:

"البته این جمعیت ۱/۵ میلیون نفری نیاز به یک بودجه سنگین دارد که اگر بودجه هر نفر را چهارصد تومان بگیریم رقم سنگینی می‌شود."

آقای سقوی نماینده مجلس نیز در مورد افغانها گفته است که:

"اکثر اینها مسلحند. قاچاق‌فروشند، قبل از انقلاب، در حال انقلاب و الان. تمام بزرگ و کوچک منطقه را می‌شناسند و به‌هیچ‌کس هم رحم نمی‌کنند... مردم از دست آنها امنیت ندارند... آسایش ندارند... اینها کاری می‌کنند که روغن نباتی کیلویی پنجاه‌تومان گیر مردم نمی‌آید. برای اینکه همین روغن نباتی کیلویی پنجاه‌تومان را آن (فئودال افغانی) می‌گیرد، با دو کیلو روغن تقلبی خودش مخلوط می‌کند، کیلویی ۱۵۰ تومان برمی‌گرداند و..."

البته حساب فئودال‌ها، خان‌ها و ضدانقلابیون فراری افغانی را باید از هزاران انسان زحمتکش و فریب‌خورده‌ای که برخلاف منافع واقعی خود روانه ایران شده‌اند، جدا کرد. آنها ناآگاهانه و حتی گاه به‌زور اسلحه به‌دنبال فئودال‌ها از وطن خودآواره شده‌اند. در حالی که انرژی آنها اکنون بیش از هر زمان دیگر برای حفظ استقلال و پایه‌ریزی جامعه نوین در میهنشان ضروری است. هم‌اینک با حضور خود بر مشکلات فراوانی که در زندگی میلیون‌ها زحمتکش همتای ایرانی‌شان که درگیر نبردی سرنوشت‌ساز با امپریالیسم آمریکا، این دشمن اصلی همه خلق‌های جهان هستند، دوچندان افزوده‌اند. کافی است به این مناطق مثلا بیرجند یا تایباد در استان خراسان نظری بیندازیم تا ابعاد واقعی مشکلات دستمان بیاید.

در "تایباد" هجوم بی‌رویه افغان‌ها مشکل مسکن را به‌نحو بی‌سابقه‌ای شدت بخشیده است. نان و دیگر مایحتاج مردم در این منطقه بسیار مشکل به‌دست می‌آید. احتکار مواد غذایی و سایر مایحتاج عمومی از جمله فعالیت‌های ضدانقلابی این خوانین مزدور است.

در بیرجند هیچگونه کنترلی بر رفت و آمد آنان صورت نمی‌گیرد. قاچاق اسلحه، تریاک و مواد غذایی، دزدی و کارشکنی در اقدامات ضدفئودالی سپاه پاسداران، جهاد سازندگی و سایر نهادهای مترقی جزء کارهای نمونه‌وار آنهاست. آنها حتی از خارج‌کردن‌کود شیمیائی موردنیاز کشاورزان ایرانی نیز ابایی ندارند. چندی پیش یکی از ایادی همین مزدوران درحالی که ۹ــ۸ کیسه کود شیمیائی را از مرز عبور می‌داد دستگیر شد!

مصرف بنزین در سراسر ایران جیره‌بندی شده است، اما، سران ضدانقلابیون افغانی با ماشین‌های تویوتا، جیپ، مزدا و... مدام در حال رفت و آمدند. اخیرا یک بشکه بنزین در مناطق افغان نشین به قیمت ۱۰۰۰۰ تومان خرید و فروش شده است. هم اینک ظاهر خان افغانی نماینده "جمعیت اسلامی افغانستان" و از سران بنام مهاجرین افغانی به‌کار قاچاق کلان مواد مخدره مشغول است.

رفت وآمد بی‌قید و بند این مزدوران، با سلاح‌های آمریکائی، مصری و چینی نیز امنیت منطقه را در معرض مخاطرات جدی قرار داده است.

این مشکلات همه موجودند. در حالی که رژیم‌های هر دو کشور آماج حملات دشمن‌واحد خود امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم زخم‌خورده آمریکا قرار گرفته‌اند و بیش از هر زمان به انرژی و امکانات خود نیازمندند. راه حل درست این مشکلات تنها در پرتو ارزیابی صحیح از روند اوضاع در افغانستان و ایران دست یافتنی است. خلق‌ها و رژیم‌های دو کشور در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق‌های جهان، متحد یکدیگرند. ایجاد امنیت و ثبات در مرزهای دو کشور، شرط نخستین جریان پیروزمند مبارزه ضد امپریالیستی آنان است. برای این منظور قبل از هر چیز باید خان‌ها، سردارها، روحانیون مرتجع و همه دارودسته‌های ضدانقلابی بدون فوت وقت درهم کوبیده شوند.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا می‌کوشد منفذ دیگری برای رخنه در صفوف مبارزه ضدامپریالیستی خلق‌های ایران و افغانستان تدارک ببیند. هیچ‌جای تصادف نیست اگر می‌بینیم که از نخستین روزهای پیروزی انقلاب در میهنمان ایران، نیروهای طرفدار امپریالیسم آمریکا مستقیم و غیر مستقیم همه توان خود را در دفاع از "مجاهدین افغانی" متمرکز کرده‌اند. عملکرد وزارت خارجه در یک‌سال پس از قیام چه در دوران تصدی

بقیه در صفحه ۱۳

www.iran-archive.com

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹
سال دوم ــ شماره ۹۵ ــ صفحه ۱۱

درسهائی از جنبش کارگری ایران

شورا، سندیکا و اتحادیه‌های کارگری

(قسمت دوم)

مختصات اصلی و عمومی تشکیلات اتحادیه‌ای (سندیکائی) کارگران:

تشکل اتحادیه‌ای در کلی‌ترین شکل خود، سه مشخصه اساسی دارد:
۱ــ اتحادیه تشکل *طبقاتی* پرولتاریاست.
۲ــ اتحادیه تشکل توده‌ای پرولتاریاست.
۳ــ اتحادیه تشکل دمکراتیک پرولتاریاست.

۱ــ *تشکیلات اتحادیه‌ای سازمان طبقاتی پرولتاریاست*

مضمون عمده فعالیت تشکیلات اتحادیه‌ای، تامین و تحکیم *اتحاد مبارزاتی* کارگران و دفاع از *منافع اقتصادی* توده مزدبگیرانی است که از فروش نیروی کار خود زندگی می‌کنند. این تشکیلات "ابتدائی‌ترین شکل اتحاد طبقاتی پرولتاریاست" از این‌رو تشکیلات اتحادیه‌ای، *سازمانی است با سرشت طبقاتی*. باید توجه داشت که اگر چه مضمون مبارزاتی این‌تشکیلات با نفی آشکار و صریح نظم بورژوائی موجود همراه نیست و بطور کلی واژگونی نظم سرمایه را در زمره اهداف مستقیم و *برنامه‌ای* خود قرار نمی‌دهد، لیکن از آنجا که بین مبارزه برای *ارتقاء شرایط* زندگی و کار توده مزدبگیران و مبارزه برای رهائی کار *از ستم سرمایه* پیوندی ناگسستنی وجود دارد، تشکل اتحادیه‌ای نیز به این اعتبار درخدمت نفی نظام ستمگر بورژوائی قرار می‌گیرد. این حقیقتی است که آموزگار کبیر پرولتاریا، انگلس در مورد آن چنین می‌گوید:

"... بسرعت وقت آن نزدیک می‌شود که طبقه کارگر درک کند که مبارزه برای دستمزدهای بیشتر و مدت کار کمتر و تمام فعالیت‌های اتحادیه‌های کارگری در شکل کنونی‌شان خود هدف نبوده بلکه وسیله می‌باشند. یک وسیله بسیار لازم و ضروری ولی این فقط یکی از وسایلی است که برای هدف عالی خود یعنی *از بین بردن* سیستم مزد بطور کلی در دست دارند."
(اتحادیه‌های کارگری)

بنابراین تشکل اتحادیه‌ای از زمره *اهرم‌های مبارزه طبقاتی* و مستقل کارگران است. اگرچه هدف مقدم و اولیه این تشکیلات در چهارچوب نظم سرمایه، کاهش مدت کار، افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار است، ولی حدود و ثغور فعالیت‌های آن را نه *قوانین* حقوقی بورژوائی بلکه بیش از هرچیز *مطالبات مادی* عینا موجود و سطح مبارزاتی کارگران تعیین می‌کند. وقتی ازمبارزه برای بهبود شرایط کار و افزایش دستمزدها سخن می‌گوئیم، لاجرم مبارزه پیگیرانه با بسیاری از *قوانین* مصوبه *حاکمیت‌های بورژوائی* و خرده‌بورژائی را که به منظور تنظیم مناسبات کار و سرمایه تدوین می‌شوند، در نظر داریم. کم‌کردن ساعات کار، اعتلاء شرایط کار، دستمزد بیشتر، امتیازات بهتر در مورد تامین اجتماعی و شغلی، احقاق حقوق دمکراتیک و ... در زمره این اهداف مبارزاتی هستند. شکی نیست که حاکمیت‌های غیرپرولتری براساس منافع طبقه معینی که نمایندگی آن را برعهده دارند، قوانینی متناسب با این منافع را به منظور تنظیم روابط کار و سرمایه به جامعه تحمیل خواهند کرد از آنجا که هیچ‌یک از *قوانین حاکمیت‌های غیر پرولتری* نمی‌توانند تامین‌کننده حقوق و *مطالبات* واقعی و روزمره کارگران در *چهارچوب منافع طبقاتی* آنان باشند مبارزه توده وسیع مزدبگیران با این قوانین امری است *اجتناب‌ناپذیر* که بطور عینی در روند مبارزه طبقاتی حادث خواهد شد.

تاکید بر این اصل بسیار ضروری است که مبارزه اتحادیه‌ای بر *عمل مستقیم* و *انقلابی* کارگران استوار است. "آنچه در هرحالت سندیکا باید به آن توجه داشته باشد، این است که تنها عمل توده‌ها می‌تواند نتایج مطلوب را به‌دست آورد. تنها سازماندهی توده‌ها بر متن چنین جنبش‌هائی می‌تواند به حد کافی کارگران را متشکل نموده و آنان را برای کسب پیروزی نهائی آماده سازد. اهمیت عمل مستقیم فقط به نتایج فوری آن خلاصه نمی‌شود بلکه عمدتا در این است که توده‌های *کارگر را بسیج می‌کند*."
(برنامه‌عمل بین‌الملل. سندیکاهای سرخ)

ار این رو تشکل‌های اتحادیه‌ای باید بر پایه *مطالبات* عینی و واقعی کارگران و بر زمینه عمل مستقیم و *طبقاتی* آنان، با در نظر گرفتن جمیع شرایط، برنامه عمل و تاکتیک‌های مبارزاتی خود را تنظیم کنند. این مسئله بسیار روشن است که سرنوشت هر مبارزه اعم از اقتصادی یا سیاسی را نیروی منسجم و سازمان‌یافته متناسب با مقتضیات مبارزه روشن می‌سازد. لذا هرچه نیروی متشکل و با برنامه یک تشکل اتحادیه‌ای از توانمندی بیشتری برخوردار باشد، به همان میزان در دفاع از منافع عینی و عاجل کارگران و تحصیل امتیازات بیشتر از سرمایه‌داران موفق‌تر خواهد بود. چشم فروبستن بر *عمل مستقیم طبقاتی* و *انقلابی* کارگران و نادیده انگاشتن مطالباتی که بنا به عینیت مبارزه طبقاتی برآمدی آشکار می‌یابند، زمینه عاری‌شدن تشکل سندیکائی را از جوهر و سرشت *طبقاتی* آن فراهم آورده و آن را به تشکیلاتی زرد و رفرمیستی مبدل خواهد کرد.

رفرمیسم بجای اتکاء بر عمل مستقیم و *انقلابی* کارگران، در زیر پوشش مبارزه *قانونی* هرگونه تخطی از نظم سرمایه‌داری را طغیانگری و هرج و مرج طلبی می‌نامد.

"اتحادیه از جمله کانون‌های مهمی است که بورژوازی با رسوخ‌دادن" گازهای خفه‌کننده رفرمیسم" در آن، می‌کوشد تا آن را به سطح بنگاه‌های معاملات و فروش نیروی کار تنزل دهد.

برخی از اتحادیه‌های کارگری که هم‌اینک در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته و یا وابسته وجود دارند، مبارزه اتحادیه‌ای کارگران را در حیطه چانه‌زدن‌های کاسب‌کارانه برای فروش نیروی کار محصور کرده‌اند و عملا در مقابل تقویت تشکل و استحکام اتحاد مبارزاتی کارگران سنگ‌اندازی می‌کنند. رهبران رفرمیست و اکونومیست با تخریب عمل مستقیم و *طبقاتی* کارگران از یکسو و کشانیدن کارگران به اشکالی از عمل مسقیم که به حاد شدن *مخاصمات طبقاتی* منجر نشده بلکه آن را کاهش می‌دهد از سوی دیگر، می‌کوشند تا "طوق آهنین" تشکل کارگران را بگسلند و به سنگر اتحادیه‌ای آنان آسیب و خلل وارد سازند.

ماهیت ضدکارگری رفرمیست‌ها را از سخن یکی از رهبران محافظه‌کار و ارتجاعی اتحادیه‌های کارگری امریکا در اوایل قرن حاضر بخوبی می‌توان بازشناخت:

"*ما* هیچ هدف *نهائی* نداریم ما از این رو به آن روز کار می‌کنیم، عموما ما فقط برای هدف‌های *آنی* کار می‌کنیم. هدف‌هائی که در عرض یکی دو سال به تحقق می‌پیوندند. ما می‌خواهیم بهتر بپوشیم، بهتر زندگی کنیم و شهروندی بهتر باشیم."
(تاریخ سه انترناسیونال ــ فاسر)

در کنگره اول انترناسیونال اول که در ژنو در سال ۱۸۶۶ برگزار شد، پرودونیست‌ها (هواداران پرودون) با شعار "پرولتاریا نباید در سیاست دخالت کند" به میدان آمدند. در واقع پرودونیسم بمثابه جلوه‌ای از آنارشیسم یک روی سکه‌ای است که رفرمیسم روی دیگر آن است.

پرودونیست‌ها، رفرمیست‌های شرمگینی بودند که ماهیت واقعی خود را خجولانه در پوشش الفاظ "چپ" و انقلابی نمایانه می‌پوشاندند. به همین سبب مارکس پس از پایان کار کنگره در نامه‌ای به کوگلمان نوشت:

"کله‌های آقایان پاریسی از جملات توخالی و پرودونی پر است. آنها از علم دم می‌زنند بدون اینکه خود چیزی بدانند. آنها به هر *عمل انقلابی* ــ یعنی عملی که خود از *مبارزه طبقاتی* سرچشمه می‌گیرد ــ و نسبت به هر جنبش اجتماعی متمرکز یعنی چنان جنبشی که ممکن است *با وسایل سیاسی* هم پیش برده شود (مانند کاهش قانونی روزکار کارگران) ــ با نظر تحقیر می‌نگرند. این آقایان که مدت شانزده سال ننگین‌ترین استبداد را با خیال راحت تحمل کرده‌اند و تحمل می‌کنند، به بهانه آزادی، مخالفت با دولت، مخالفت با اتوریته و حقوق فردی (اندیویدوالیسم) در واقع *اقتصاد سرمایه‌داری* را موعظه می‌کنند."
(کلیات ــ مارکس، انگلس)

آری، رفرمیسم که هیچ "هدف *نهائی*" ندارد و مطالبات اقتصادی را "همه‌چیز می‌پندارد" و آنارشیسم که "به هر *عمل انقلابی طبقاتی*" با دیده تحقیر می‌نگرد و مطالبات اقتصادی را "هیچ‌چیز" می‌داند، هر دو دو روی یک سکه‌اند و در واقع "*اقتصاد سرمایه‌داری را موعظه* می‌کنند." بطور کلی اساسی‌ترین انحرافات موجود در مبارزه سندیکائی و جنبش اتحادیه‌ای جهانی را در رفرمیسم و آنارکو ــ سندیکالیسم می‌توان خلاصه نمود.

۲ــ *تشکیلات اتحادیه‌ای سازمان توده‌ای پرولتاریاست*

برای آنکه تشکل‌های اتحادیه‌ای بتوانند *توانمندی* طبقاتی پرولتاریا را به اعلی درجه در خود متبلور سازند و جای ویژه خود را در صف‌بندی و تناسب نیروهای طبقاتی اشغال کنند و از این رهگذر بمثابه سازمان طبقاتی پرولتاریا در زندگی اجتماعی و روندهای سیاسی جامعه تاثیر گذارند و درعین حال قادر باشند از حقوق و مطالبات اقتصادی و سیاسی کارگران دفاع کنند

بقیه در صفحه ۱۷

www.iran-archive.com

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹

سال دوم ــ شماره ۹۵ــ صفحه ۱۲

«شکنجه‌گروگان‌ها» حیله جدید تبلیغاتی امپریالیسم امریکا

• امپریالیسم امریکا خود وحشی‌ترین و شکنجه‌گرترین رژیم تاریخ است

• هنوز ۲۴ ساعت از خارج شدن جاسوسان آمریکائی از ایران نگذشته بود که ماشین تبلیغاتی امپریالیسم فریاد اعتراض طرفداران "حقوق بشر" آمریکایی را مبنی بر "شکنجه" گروگان‌های جاسوس سر داد. امپریالیست‌ها این جعلیات را بدون توجه به اظهارات دولت ایران و همه‌کسانی که قبلا با گروگان‌ها دیدار کرده و هرگونه شایعه شکنجه آنها را به‌شدت تکذیب کرده‌اند برزبان می‌آورند. جالب توجه است که دبیر دوم مرکز جاسوسی آمریکا نیز که خود جزء گروگان‌ها بوده، پس از آزادی این جعلیات را رد کرده است. اما طرفداران "حقوق بشر" آمریکایی در حالی‌که بی‌شرمانه چشم خود را بر این حقایق بسته‌اند، همچنان به‌دروغ برای گروگان‌ها دل‌می‌سوزانند.

اینکه امپریالیست‌ها و وابستگان آنها در سراسر دنیا ادعا کرده و خواهند کرد که جاسوس‌های آمریکایی در طول مدتی که در بازداشت مردم قهرمان و به‌پا خاسته ایران بوده‌اند، "شکنجه" شده‌اند، مسئله غیر منتظره‌ای نیست. زیرا که تمام مردم ترقیخواه و آزاده جهان از مدتها پیش ماهیت واقعی این مدعیان دفاع از "حقوق بشر" را می‌شناسند. و با چهره کریه آنان آشنائی دارند. همه بشریت مترقی می‌دانند آنهائی که با وقاحت‌تمام از شکنجه شدن مشتی جاسوس توسط مردم سالها محنت کشیده ایران دم می‌زنند دروغگویانی هستند که خود هر روز در گوشه و کنار جهان کثیف‌ترین جنایات را مرتکب می‌شوند. مگر غیر از این است که هم‌اکنون مردم زحمتکش ایران در آتش جنگی که به‌خاطر منافع امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا و به‌دست رژیم جنایتکار صدام برپا شده است، می‌سوزند و قربانی بمب‌ها و گلوله‌هایی می‌شوند که وحشیانه بر سرشان فرو می‌ریزد؟ مگر غیر از این است که امپریالیست‌های آمریکایی برای حفظ منافع غارتگرانه خود، وحشیانه‌ترین اعمال را با مردم قهرمان وینتام انجام دادند، بر سر آنان بمب‌های آتشزا ریختند و فرزندان انقلابی خلق وینتام را با وحشیانه‌ترین شیوه‌ها شکنجه کردند. مگر غیر از این است که در فلسطین خلقی به‌خاطر منافع امپریالیسم و صهیونیسم آواره شده و قتل عام می‌شود؟ مگر فجایعی که بر مردم شیلی گذشت و هم اکنون نیز می‌گذرد، مورد حمایت همین طرفداران "حقوق بشر" آمریکایی قرار نگرفته و حتی به‌وسیله خود آنان طراحی نشده است؟ هیچ رژیم ضدخلقی و دیکتاتوری در سراسر جهان پیدا نمی‌شود که دست نشانده یا مورد حمایت امپریالیست‌های آمریکایی نباشد. امپریالیسم آمریکا خود جنایتکارترین و شکنجه‌گرترین رژیم تاریخ است و تبلیغات چنین رژیمی حول "شکنجه" چند جاسوس گروگان، دروغ محض، عوامفریبی و به‌خاطر اجرای مقاصد توطئه‌گرانه می‌باشد.

اصولا امپریالیسم برای پوشاندن جنایات خود و سفاکی‌هائی که دهها سازمان پلیسی شکنجه‌گرش در مقابل خلق‌های جهان انجام می‌دهند، مجبور است برای خود "شریک جرم" بتراشد. به‌همین منظور یک روز به دفاع از "حقوق بشر" برمی‌خیزد، روز دیگر برای کشورهای سوسیالیستی "ناراضی" می‌تراشد، در لهستان مدافع سرسخت "سندیکاهای کارگری" می‌گردد و هرجاکه یک حکومت ملی و ضدامپریالیست روی کار می‌آید، وقیحانه مردم آن کشورها را به "وحشیگری" و نفی "تمدن" متهم می‌نماید! اما در این مورد مشخص، امپریالیسم آمریکا از علم کردن مسئله "شکنجه" جاسوسان و تحت تعلیم قرار دادن مجدد آنها در ایالت ویسبادن و سپس نمایش آنها در مقابل افکار عمومی مردم آمریکا هدف‌های خاصی را تعقیب می‌کند.

واقعیت این است که ریگان که نماینده هارترین و وحشی‌ترین محافل امپریالیستی ایالات متحده آمریکاست، از اینکه بهانه گروگان‌ها را برای موجه جلوه دادن عملیات توطئه‌گرانه خود علیه ایران از دست داده، نگران است. امپریالیسم آمریکا می‌خواهد همانگونه که ریگان اعلام داشته مردم قهرمان ایران را "وحشی"، "بربر" و ... وانمود ساخته و همچنان به تحریک افکار عمومی مردم جهان علیه انقلاب ایران ادامه دهد. هدف امپریالیسم آمریکا از این تبلیغات دامن زدن به جو فاشیستی در آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی و جلب حمایت و یا بی‌طرف ساختن مردم این کشورها برای ادامه توطئه‌های جنایتکارانه علیه انقلاب ایران می‌باشد. امپریالیسم آمریکا به‌ویژه قصد دارد با انجام این تبلیغات زمینه‌های مناسب را برای عدم اجرای توافقنامه‌های الجزایر ــ که اجرای آنها شکست بزرگی برای امپریالیسم آمریکاست ــ فراهم سازد. سخنان "نیکسون" رئیس جمهور اسبق آمریکا که اعلام داشته است دولت ریگان باید در توافقنامه‌های الجزایر تجدید نظر کند، زیرا دولت ایران یک دولت "قانون شکن" است، به‌روشنی این حقیقت را بیان می‌دارد.

بدون شک مردم ایران که در کوران پیکار سرنوشت‌ساز با دشمن اصلی خود درس‌های بسیاری آموخته و به انواع ترفندها و شگردهای آن آگاه گشته‌اند، به‌خوبی می‌دانند که هدف امپریالیسم جنایتکار آمریکا از چنین دروغپردازی‌هایی چیست؟ این اقدامات مزورانه علیرغم تصور طراحان آنها باعث آمادگی بازهم بیشتر مردم ما در جهت خنثی ساختن توطئه‌های بعدی آمریکا خواهد شد. مردم ما با هوشیاری تمام هر تجاوز امپریالیستی را درهم خواهد شکست. دولت جمهوری اسلامی و همه نیروهای انقلابی و میهن‌پرست نیز باید با هوشیاری این ترفندهای تبلیغاتی جدید امپریالیسم آمریکا را در نزد مردم ایران و سراسرجهان افشا و خنثی سازند. برای خنثی ساختن این تبلیغات که به‌منظور فریب مردم جهان صورت می‌گیرد، باید به کمک دوستان جهانی انقلاب ایران تلاش‌های وسیعی را در جهت جلب افکار عمومی جهان در پشتیبانی از مبارزات عادلانه مردم ایران و رساندن حقایق به‌گوش آنها به‌کار گرفت. لازمه این امر در پیش گرفتن یک سیاست خارجی فعال و ترقیخواهانه و تحکیم روابط دوستانه با کشورهای مترقی و ضدامپریالیست جهان به‌منظور آشنا ساختن مردم جهان و از آنجمله آمریکا با اهداف انقلاب ایران است.

●

بدنبال دستگیری ماشاءالله قصاب

باید اسرار کمیته امریکائی پشت سفارت افشاء شود

دولت باید هرچه زودتر این مهره مورد حمایت امپریالیسم را بطور علنی محاکمه کند

• ماشاءالله کاشانی، معروف به ماشاءالله قصاب سرانجام پس از مدتها فعالیت ضد انقلابی توسط دولت جمهوری اسلامی دستگیر شد. وی که پس از قیام در کمیته پشت سفارت به‌فعالیت ضد انقلابی پرداخت یکی از مهره‌های مشکوکی بود که با مقامات آمریکایی در مرکز جاسوسی امپریالیسم آمریکا رابطه داشت و عکس‌هایی که از ملاقات‌های او با مقامات آمریکایی انتشار یافته، به‌خوبی نشان‌دهنده رابطه او با دشمنان انقلاب است. ماشاءالله قصاب از جمله کسانی است که در دامن زدن به اختلافات بین نیروهای ضدامپریالیست و ایجاد تفرقه در صفوف مردم فعالانه می‌کوشید. او در سازماندهی باندهای سیاه و حمله به مراکز و دفاتر و همچنین میتینگ‌ها و تظاهرات نیروهای سیاسی و انقلابی در طول یک سال گذشته نقش فعالی برعهده داشته است. این مهره مشکوک و مورد حمایت امپریالیسم در زمینه عدم مبارزه جدی جمهوری اسلامی با نیروهای ضد انقلابی توانست مدت ۲ سال آشکارا و آزادانه به فعالیت‌های توطئه‌گرانه خود ادامه دهد. او همچنین عامل دستگیری و شکنجه مجاهد خلق محمد رضا سعادتی‌بوده است. اکنون دولت جمهوری اسلامی او را دستگیر کرده است و این اقدام، هر چند بسیار دیر صورت گرفته اما نمی‌تواند مورد استقبال مردم و نیروهای ترقیخواه قرار نگیرد بر دولت جمهوری اسلامی است که هرچه سریع‌تر این مهره ضدانقلابی را در یک دادگاه علنی به محاکمه بکشد. در این محاکمه باید:

۱ــ هدف و ترکیب افرادی که کمیته پشت سفارت را ایجاد کردند، افشا شوند.

۲ــ نحوه رابطه این کمیته با مرکز جاسوسی آمریکا فاش شود!

۳ــ پرده از تماس‌های ماشاءالله قصاب با نیروها و جریانات ضدانقلابی داخل کشور برداشته شود، تا هرچه زودتر در پیشگاه مردم قهرمان ایران روشن شود که ماشاءالله‌قصاب دستورات ضد انقلابی را از چه کسانی دریافت می‌کرده است؟

۴ــ همکاران ماشاءالله قصاب که به کمک او به سرکوب و شکنجه انقلابیون پرداخته‌اند، به مردم قهرمان ایران معرفی شده و تحت پیگرد قرار گیرند. تا بر همه مردم مبارز ایران معلوم گردد که چه کسانی با دست زدن به اعمال جنایتکارانه، خوراک لازم را برای لیبرال‌ها جهت متهم کردن نیروهای ضد امپریالیست جمهوری اسلامی تدارک می‌بینند.

www.iran-archive.com

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹
سال دوم ــ شماره ۹۵ــ صفحه ۱۳

از میان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

" داشتن مسکن حق مسلم زحمتکشان است "

● جوانان پیشرو خاک سفید و قنات کوثر در این اعلامیه با اشاره به محل تخریب خانه‌های زحمتکشان محله خاک سفید توسط مامورین کمیته و ژاندارمری آن را به سود ضدانقلاب و لیبرال‌ها دانسته و شدیدا محکوم کرده‌اند. آنها همچنین با انتشار تراکتی اعلام کرده‌اند که " دولت موظف است زمین‌های بلااستفاده و زمین‌های زمین‌خواران را شناسائی و بطور عادلانه بین زحمتکشان تقسیم کند و امکانات لازم را برای خانه‌سازی در اختیار آنان قرار دهد ".

● بازشدن مدارس آری ، همسوئی با امپریالیسم هرگز!

عنوان اعلامیه‌ای است که هواداران در مسجد سلیمان منتشرکرده‌اند . در قسمتی از این اعلامیه چنین آمده است :

" ما بر بازگشائی مدارس تاکید می‌کنیم و این بازگشایی را براساس همکاری همه‌جانبه توده‌های مردم و رفع نواقص و بر محور اتحاد ضدامپریالیستی معلمان و دانش‌آموزان و طرد هرگونه اندیشه ضداتحاد ، به‌سود انقلاب می‌دانیم . "

● هواداران بیجار طی اعلامیه‌ای که منتشر کرده‌اند ، اقدامات عوامل ضدانقلاب در کردستان و از جمله قتل ناجوانمردانه چند تن از اعضای هیئت ۷ نفره واگذاری زمین را محکوم کرده‌اند .

● شماره ۳۸ (سال دوم) " اول ماه مه " نشریه کارگران پیشرو خیاط ، کفاش ، بافنده سوزنی ، قناد ، چاپ و منتشر شد .

" و ظیفه لیبرال‌ها : نجات امپریالیسم از زیر ضربات خردکننده انقلاب " عنوان سرمقاله اول ماه مه است . در قسمتی از سرمقاله آمده است :

" آن‌چیز که مسلم است خواست اصلی مردم ما بخصوص کارگران و زحمتکشان میهن پس از سرنگونی حکومت وابسته به امپریالیسم شاه و برپائی جمهوری اسلامی ، دقیقا قطع هرنوع وابستگی به امپریالیسم و تامین آزادی‌های دمکراتیک و سیاسی بوده است " .

در این‌نشریه مطالب ارزنده‌ای از جمله " درس‌هایی از مبارزات خلق وینتنام " ارائه شده است .

● کارکنان پیشگام مخابرات ایران با انتشار اعلامیه‌ای روز ۲۶ دی‌ماه ، سالروز قهرمانی‌های خلق و فرار شاه را گرامی داشته‌اند . در قسمتی از این اعلامیه آمده است :

" مردم قهرمان ما در سایه وحدت عمل خود و تقدیم شهدای بی‌شمار توانستند یکی از مستبدترین دیکتاتورهای دوران را فراری دهند . "

● ــ در بزرگداشت قهرمانی‌های خلق شرکت کنیـــــم !

عنوان تراکتی است که هواداران سازمان در همدان منتشر کرده‌اند . در این تراکت ضمن بزرگداشت شهدای تیپ ۳ پادگان قهرمان همدان و پاسداران شهید ، تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام محکوم شده است .

● کارگران پیشرو تولید دارو با انتشار تراکتی یاد کارگر شهید " حسن خوشاقبال " را که در جبهه‌های جنگ به‌شهادت رسیده است گرامی داشته‌اند .

● دانش‌آموزان پیشگام بیرجند ویژه‌نامه دانش‌آموزان پیشگام را منتشرکردند . در این ویژه‌نامه مطالبی تحت عنوان "بنی‌صدر شعارها و عملکردها" ، " رویدادهای محلی" ، "اخبار دانش‌آموزی" ، " آموزش سیاسی ، و "اخبار ایران و جهان" درج شده‌است .

★

بقیه از صفحه ۱۰

صدها سرکرده ضدانقلابی افغانی...

سازشکاری مانند یزدی و چه زمانی‌که قطب‌زاده توطئه‌گر بر مصدر امور بود ، به‌نحو کاملا حساب شده در ضدیت با حکومت ملی و ترقیخواه افغانستان سمتگیری شده‌بود . اقدامات مداوم سه‌جهانی‌ها ی جاسوس آمریکا از تبلیغات مسموم گرفته تا حمله اخیرشان به سفارت شوروی در تهران نیز مکمل اقدامات لیبرال‌های درون حکومت است که در طول دو سال تلاش کرده‌اند به‌هر نحو که شده امپریالیسم آمریکا و حکومت‌های مزدور و وابسته به آن مانند صیاءالحق‌ها و نیز به‌اصطلاح نهضت‌هائی که از پول و سرمایه امپریالیست‌ها تغذیه می‌کنند و مجری سیاست‌های توطئه‌گرایانه آنها هستند ، را دوست مردم ما جا بزنند . **در این میان پرسیدنی است که آقای رئیس جمهور چگونه به خود اجازه می‌دهند که به دفاع از مرتجع‌ترین و ضدانقلابی‌ترین نیروهای افغانی برخیزد که منافع فئودالیسم محتضر افغانستان و امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا را نمایندگی می‌کنند؟** آقای رئیس جمهور که در کارنامه روزانه‌شان در تاریخ ۲۱ دی ماه ۵۹ می‌نویسند :

" **ما باید به مردم افغانستان کمک جدی و تا آنجا که ممکن است وسیع کنیم** " ! باید به مردم قهرمان ما توضیح بدهند که مراد از "مردم" افغانستان چیست؟ آیا منظور توده‌های میلیونی ساکن افغانستان است که هم اینک در راه مستحکم‌تر کردن راه اجتماعی استقلال ، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی گام برمی‌دارند یا فئودال‌ها و سرمایه‌داران " خلق مسلمان " افغانستان؟ که در کشورهائی مانند پاکستان ، شیخ‌نشین‌های خلیج ، مصر و . . . متاسفانه ایران انقلابی مستقرند و آموزش نظامی و سیاسی می‌بینند تا علیه منافع خلق افغانستان به توطئه‌های خود ادامه دهند؟ این پرسش را آقای رئیس جمهور نمی‌تواند بی‌پاسخ بگذارد . آنچه که قطعی است این واقعیت است که نیروهای ضد امپریالیست موجود در جمهوری اسلامی ایران دیر یا زود ــ به علائق مشترک دو ملت و دو حکومت موجود و مستقر در دو کشور ایران و افغانستان در برابر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا وپایگاه‌های داخلی آن در دو کشور همسایه پی خواهند برد . واقعیتی که هم اینک نیز خود را به‌خوبی نشان می‌دهد ، بطوری که عده‌ای از نمایندگان مجلس،پیشتاز این سیاست واقع‌بینانه شده‌اند ولی اشکال کار در اینجاست که از دست دادن‌زمان هیچ نتیجه‌ای جز وارد آمدن آسیب‌های بازهم بیشتر بر پیکر دو انقلاب ایران و افغانستان نخواهد بود . به‌همین دلیل است که نیروهای انقلابی و به‌ویژه مسئولین جمهوری اسلامی ایران وظیفه بس سنگینی را در این رابطه پیدا می‌کنند .

برای این منظور قبل از هر چیز باید :

۱ــ تمام مهاجرین افغان در ایران دقیقا مورد شناسایی قرار گیرند . ضدانقلابیون ، فئودال‌های فراری و روحانیون مرتجع به‌هر صورت که هستند باید از زحمتکشان تفکیک شوند . دسته اول مستحق شدیدترین مجازات‌اند . باید به‌سرعت سرکوب شوند .

۲ــ زحمتکشان : باید کارت شناسایی داده شود . دولت باید پیگیرانه در راه ایجاد شرایط مناسب برای بازگشت آنها به میهنشان بکوشد . تا آنزمان ، اینان می‌توانند در مناطق بخصوص زیر کنترل نهادهای مترقی نظیر پاسداران ، جهاد سازندگی و . . . زندگی کنند .

۳ــ مرزهای دو کشور باید دقیقا کنترل شود . از ورود و خروج افراد جز با اجازه قانونی باید جلوگیری شود .

۴ــ تمامی افغان‌هایی که در ایران به‌سر می‌برند ، بدون استثناء باید خلع سلاح شوند .

۵ــ طبیعی است که دولت و مجلس جمهوری اسلامی‌ایران به‌منظور ایجاد شرایط برای تحقق موارد فوق بایستی در تحلیل خود از اوضاع افغانستان تجدیدنظر کنند . این یک شرط اساسی است . کسانی راکه محافل ضدامپریالیست جمهوری اسلامی به‌عنوان مجاهدان مسلمان زیر چتر حمایت خود گرفته‌اند جز دشمنان مشترک استقلال ، آزادی و ترقی ایران و افغانستان نیستند . در عوض دوستان انقلاب ایران در افغانستان اکنون مدتهاست که زیر ضرب مقامات جمهوری اسلامی قرار دارند .

آثار زیانبار سیاست‌های گذشته باید هرچه سریع‌تر برطرف شود . اوضاع نباید به این شکل جریان یابد . روابط دو کشور باید یکبار برای همیشه به‌زیان امپریالیسم آمریکا و به‌سود خلق‌های دو کشور و خلق‌های منطقه دگرگون شود .

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

www.iran-archive.com

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹
سال دوم ــ شماره ۹۵ ــ صفحه ۱۴

طرح جیره بندی
به سود زحمتکشان است
اجرای کامل سیستم جیره بندی باعث دلگرمی میلیون‌ها زحمتکش شهر و روستا است

● از اجرای مرحله اول طرح جیره‌بندی مدتی است که می‌گذرد و در این مدت توزیع قند و شکر، روغن، پودر رختشوئی و تا حدی نفت و بنزین علیرغم پاره‌ای اشکالات و نارسایی‌ها، با نتایج مثبتی روبرو بوده است. از آن جمله توزیع عادلانه و تثبیت قیمت این کالاها را می‌توان نام برد. ولی متاسفانه تاکنون جیره بندی کالاهای ضروری از ۵ یا ۶ قلم کالا تجاوز نکرده و علیرغم خواست کلیه زحمتکشان در همان مرحله اول خود متوقف مانده است. اگرچه بعضی از کالاها مانند برنج و تخم مرغ و سیگار در مناطقی که شرکت‌های تعاونی وجود دارد، هفته‌ای یک بار از روی کارت نفت و یا خواروبار به مقدار مساوی و با قیمت رسمی و دولتی در اختیار هر خانواده قرار می‌گیرد، ولی نمی‌توان آن را خالی از اشکال دانست. بخصوص در مناطق مسکونی خارج از محدوده تهران که تعاونی‌های شهر و روستا مطلقا وجود نداشته و یا به‌ندرت وجود دارند، اهالی از نظر تهیه ارزاقی که معمولا در تعاونی‌ها و سایر معازه‌ها با نرخ دولتی عرضه می‌شود، شدیدا در مضیقه هستند. زیرا این ارزاق در صف و فقط به کسانی که کارت خواروبار همان منطقه را دارند، فروخته می‌شود. برای نمونه در منطقه بزرگ خارج از محدوده‌ای نظیر شهرک ولی عصر، توزیع سهمیه برنج که از طریق تنها بقالی منطقه صورت می‌گیرد، با اشکالات زیادی روبروست. در این مورد یک کارگر کارخانه شیشه‌سازی‌میرال می‌گفت:

" از یک ماه پیش توزیع برنج دولتی در بقالی شروع شده، اما هنوز نوبت ما برای دریافت برنج نرسیده است. این است که در موارد ضروری مجبور هستیم برنج را از بازار آزاد کیلویی ۲۲ تومان تا ۲۷ تومان بخریم "

همچنین هم‌اکنون گوشت با قیمت رسمی دولتی از طریق شرکت تعاونی‌ها و قصابی‌ها عرضه می‌شود. اما از آنجا که سهمیه قصابی‌ها کاهش یافته و گوشت سیر تنها در صف فروخته می‌شود، کم نیست مواردی که به تعدادی از مشتریان گوشت نمی‌رسد.

به‌ویژه در مناطق پرجمعیت و یا خارج از محدوده که تعداد قصابی‌ها کم بوده و یا قصابی‌ها دارای جواز کسب نبوده و از سهمیه دولتی محرومند. به این ترتیب اهالی مناطق پرجمعیت و یا خارج از محدوده تنها کالاهای جیره‌بندی شده را بطور مرتب دریافت می‌کنند. ضمن آنکه این نوع عرضه ارزاق اولیه از طریق کارت خواروبار و تعاونی‌های منطقه، در مقایسه با طرح جیره‌بندی رسمی کالاها دارای کمبود و نواقص اساسی است. زیرا:

اولا ــ این شیوه توزیع بدون در نظر گرفتن تعداد خانواده‌های رجمعیت به کم جمعیت عادلانه نیست.

ثانیا ــ در این طرح برخلاف طرح جیره‌بندی رسمی اگر خانواده‌ای به‌هر دلیل نتواند سهمیه خویش را در نوبت مقرر دریافت کند، آن سهمیه از دست رفته تلقی می‌شود.

ثالثا ــ در این طرح آنجاهایی که شرکت تعاونی شهر و روستا وجود ندارد، دست اهالی منطقه از کالاهایی که از طریق تعاونی‌ها به قیمت رسمی و دولتی آن عرضه می‌شود، کوتاه خواهد بود. لذا در هر شرایطی که بار اصلی کمبود کالاها و مایحتاج عمومی و به‌دنبال آن افزایش قیمت‌ها بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند، تعمیم جیره‌بندی یا بعضی از کالاهای ضروری و ارزاق عمومی نظیر گوشت، برنج تخم‌مرغ، و ... خواست مبرم زحمتکشان است. بنابر این مرحله دوم طرح جیره‌بندی که مدت زمانی است از وعده اجرای آن گذشته، هرچه زودتر باید عملی گردد. تا بدینوسیله از فشار گرانی و کمبود بر زندگی زحمتکشان کاسته شود. از همین رو اجرای کامل سیستم جیره‌بندی باعث دلگرمی میلیون‌ها زحمتکش شهر و روستا بوده و موجب جلب پشتیبانی هرچه فعال‌تر آن‌ها نسبت به انقلاب خواهد بود.

همچنین در اجرای مرحله دوم سیستم جیره‌بندی باید از تکرار اشتباهات و نواقص مرحله اول آن جلوگیری به‌عمل آید. و برخلاف مرحله اول، برای آنکه کالاهای جیره‌بندی شده با سهولت و سرعت هرچه بیشتر به‌دست مصرف کننده در شهر و روستابرسد و از نقش واسطه‌ها جلوگیری به‌عمل آید، درتوزیع آنها عمدتا باید با شرکت فعال شوراهای‌محلی ازطریق‌شبکه تعاونی‌های‌دولتی عمل‌کرد و دربخش خصوصی نیز از مغازه‌هائی که مستقیما با خریدار سرو و کار دارند استفاده کرد.

فروشندگان خرده پا
عامل گرانی نیستند

● اخیرا هیئت مدیره شرکت تعاونی تهیه و توزیع اتحادیه فروشندگان میوه و سبزی تهران طی اطلاعیه‌ای تحت عنوان " فروشندگان خرده‌پا عامل گرانی نیستند "، عامل گرانی سرسام‌آور قیمت میوه و تره‌بار را ــ که منجر به محروم شدن بخش عظیمی از زحمتکشان میهنمان گردیده، به‌روشنی معرفی کرده است.

این اطلاعیه روشن می‌سازد که به فروشندگان خرده‌پا که خود حتی زحمتکشان به‌حساب می‌آیند در گران شدن قیمت میوه و تره‌بار نقش دارند و نه میلیون‌ها کشاورز محرومی که به‌تولید محصول می‌پردازند و خود نخستین قربانی گرانی سرسام‌آور و کالاهای ضرور برای یک زندگی حداقل می‌باشند.

در این اطلاعیه آمده است:

۱ــ به‌رغم تبلیغات و شایعات سوء و متاسفانه تصور غلط عده‌ای از همشهریان، این فروشندگان خرده‌پا هرگز گرانفروش نبوده بلکه صرفا به‌خاطر تامین معیشت، جبرا به عاقل گرانفروشان تبدیل شده‌اند.

۲ــ کشاورزان که قشر عظیم زحمتکش و مستضعف جامعه ما می‌باشند، هیچ نقش و سهمی در این اضافه قیمت‌ها ندارند.

۳ــ مصرف کننده محروم با توجه به اوضاع و احوال کنونی ناچار است از خرید و خوردن میوه گران بطور کلی صرفنظر و چشم‌پوشی نماید و یا این که با هزاران آه و ناله این اضافه بهاء را پرداخت و مطامع و امیال سودجویان حریص و بی‌خبر از خدا را تامین و ارضا بنماید".

اطلاعیه به‌درستی نشان می‌دهد که عامل مستقیم این گرانی، گروه‌های "توزیع کننده انحصاری" هستند که شامل " سلف‌خرها، واسطه‌ها و دلالان" محتکر می‌گردند. یعنی کسانی که جزو تجار بزرگ به حساب می‌آیند و با اقدامات استثمارگرانه و سودجویانه خود از یک سو هرروز کیسه‌های پول خود را به قیمت محرومیت اکثریت جامعه سنگین‌تر می‌کنند و از سوی دیگر باعث می‌شوند که با اعمال این نوع فشارهای سهمگین بر توده‌های مردم، آنها نسبت به انقلاب بدبین گردند. اطلاعیه، این نیروی ضدانقلاب و نیات واقعی آن و عوارض جنایت‌های آن را به‌خوبی معرفی کرده است.

سرانجام اطلاعیه از دولت و همه مسئولین دست‌اندر کار می‌خواهد که:

" در اسرع وقت به این مسئله حیاتی به شیوه انقلابی رسیدگی و ترتیبی فراهم آورند تا کلیه میوه‌های متعلق به بخش‌های دولتی، عمومی و حتی خصوصی منحصرا بوسیله شرکت تعاونی تهیه و توزیع فروشندگان میوه و سبزی تهران که براساس وظایف قانونی، نرخ‌های تعیینی را دقیقا رعایت و مستقیما و بدون دخالت واسطه اقدام به فروش می‌نماید، توزیع شود".

دولت جمهوری اسلامی باید هرچه سریع‌تر به خواست انقلابی میوه‌فروشان جزء پاسخ مثبت داده و امکانات لازم را جهت پیشبرد این خواست‌های برحق در اختیار این شرکت تعاونی قرار دهد.

● عامل مستقیم گرانی، گروه‌های "توزیع کننده انحصاری" هستند

www.iran-archive.com

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹
سال دوم ــ شماره ۹۵ــ صفحه ۱۵

فرهنگیان جنگ زده همچنان بلا تکلیف هستند

معلمان مناطق جنگی را به کلاس های درس بفرستید!

● هزاران معلم ، دبیر و کارمند آموزش و پرورش که از شهرهای خوبین شهر ، آبادان ، قصر شیرین و سایر مناطق جنگزده به تهران شیراز و شهرهای دیگر آمده‌اند، همچنان بلاتکلیف و سرگردان هستند.

فرهنگیان مناطق جنگزده در اجتماعاتی که بطور منظم در تهران و شیراز داشته‌اند آمادگی خود را برای تدریس در مدارس و یا انتقال به مناطقی که نیاز به معلم دارند ، اعلام داشته‌اند. آنان همچنین خواهان دریافت حقوق ماهیانه، استفاده از امکانات شرکت تعاونی فرهنگیان ، رسیدگی به‌وضع اسکان خود و خانواده‌هایشان هستند. متاسفانه مسئولان وزارت آموزش و پرورش با خواست‌ها و پیشنهادهای فرهنگیان برخورد اصولی و منطقی نداشته و با صدور بخشنامه‌های ضدونقیض بر مشکلات آنان افزوده‌اند. این مسئولان که اهواز را منطقه جنگی نمی‌دانند! چندی پیش از کلیه معلمان و کارکنان جنگزده آموزش و پرورش جنوب خواستند به اهواز بازگردند تا در آنجا دفاتر حضور و غیاب را امضاء کنند!! این بخشنامه نامعقول در کنار بعضی از دستورالعمل‌های نادرست مسئولان آموزش و پرورش ، نتیجه‌ای جز ایجاد هرج و مرج و افزودن بر نارضایتی فرهنگیان نداشته است.

بی‌توجهی مسئولان آموزش و پرورش به‌ویژه آقای شهسواری معاون این وزارتخانه ، موجب دلسردی و بدبینی بسیاری از فرهنگیان گردیده و زمینه را برای بهره‌برداری لیبرال‌ها و عوامل ضد انقلاب فراهم کرده است.

یکی از فرهنگیان جنگ زده که به‌همراه ۲۰۰ همکار خود، روز یکشنبه ۱۴ دی به وزارت آموزش و پرورش آمده بود ، می‌گفت:

" مسئولان به‌دلیل نداشتن برنامه‌ریزی درست ، نتوانسته‌اند به مشکلات اساسی ما پاسخ گویند. بعضی از آنها کمترین اطلاعی از وضع ما ندارند. به‌عنوان مثال ما به یکی از مقامات مراجعه کردیم و گفتیم از فرهنگیان آبادان هستیم. او در جوابمان گفت: "چرا آمده‌اید تهران، مگر مدارس آبادان باز نیستند؟" این فرهنگی آبادانی در ادامه سخنانش گفت:

" ما نمی‌توانیم از مردمی که همه‌چیز خود را از دست داده‌اند، انتظار داشته باشیم در برابر اینگونه برخوردهای غیرمسئولانه ، سکوت کنند و به صف ناراضیان بپیوندند. البته ما به سهم خود می‌کوشیم جلو رشد نارضایتی‌ها و نفوذ عوامل ضدانقلاب را بگیریم ، ولی متاسفانه بسیاری از مسئولان با بی‌توجهی به خواست‌ها و نیازهای جنگزدگان ، به آتش نارضایتی‌ها دامن می‌زنند."

مشکلات و درخواست‌های فرهنگیان جنگزده ، یکبار دیگر ضرورت برنامه‌ریزی و رسیدگی همه‌جانبه به مسائل جنگزدگان را نشان می‌دهد. وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی باید پاسخگوی نیازهای کارکنان خود که مجبور به ترک خانه و کاشانه‌شان شده‌اند ، باشند.

در این میان وزارت آموزش و پرورش می‌تواند با جذب فرهنگیان جنگزده ، هم نیازهای آنان را برآورده کند و هم از وجودشان استفاده نماید. برخی از خواست‌های فرهنگیان جنگزده که عموما خواست تمامی جنگزدگان می‌باشد، چنین است:

۱ــ پرداخت حقوق و تامین مایحتاج عمومی از طریق شرکت تعاونی فرهنگیان.

۲ــ اسکان خانواده‌های جنگزدگان.

۳ــ برخورد مسئولانه و منطقی مقامات وزارت آموزش و پرورش با خواست‌ها و پیشنهادهای آنان.

۴ــ بهره‌گیری از وجود معلمان و دبیران در مدارس و یا انتقال آنها به مناطقی که در این زمینه کمبود دارند.

■

بقیه از صفحه ۴

برآوارگان جنگ...

امکانات موجود زیر نظر تشکیلات سراسری جمع‌آوری شده و متناسب با آمار موجود بین اردوگاه‌ها توزیع شود.

۴ــ مسافرخانه‌ها ، هتل‌ها و مجتمع‌های خالی از سکنه در اختیار آوارگان گذاشته شود.

۵ــ اداره‌این اردوگاه‌ها بایستی با کمک خود نمایندگان جنگزدگان انجام گرفته و از تمام نیروی‌این آوارگان برای اداره امورشان استفاده شود.

۶ــ شهرداری‌ها و بهداری‌های منطقه با کمک اهالی اردوگاه‌ها، نظافت و گندزدایی محیط اردوگاه‌ها را به‌پیش برند. در ضمن واکسیناسیون و پیشگیری از امراض‌مسری و عفونی‌یکی از وظایف مبرمی است‌که باید به‌آن توجه شود.

۷ــ علاوه بر اقدامات فوق باید نیروی کار جوانان، افراد متخصص و غیر متخصص برای امور اردوگاه‌ها ، برای بازسازی روستاها ، جاده‌سازی، پل سازی و غیره به‌کار گرفته شود. باید در نزدیکی اردوگاه‌ها کارگاه‌های تولیدی کوچک از قبیل بافندگی، صنایع دستی، دوزندگی و ... به‌وجود آید.

همچنین وظیفه‌تمامی نهادهای انقلابی و هر فرد میهن‌پرستی است که به‌یاری آوارگان بشتابد و کمک‌های مادی و معنوی خود را با ستادهای کمک‌رسانی هماهنگ سازد.

به پیش!
برای آموزش انقلابی رزمندگان و جنگ‌زدگان

● در شهر حماسه‌آفرین آبادان که در این روزها بطور مداوم زیر آتش توپخانه دشمن قرار دارد ، رزمندگان جبهه‌ها و مردم مبارزی که در شهر مانده‌اند، گاه فراغتی پیدا می‌کنند و اجتماعاتی تشکیل‌می‌دهند. در یکی از این اجتماعات که بعضی شب‌ها در سالن سرپوشیده‌ای برگزار می‌شود ، از طریق تلویزیون مدار بسته فیلم‌های انقلابی به نمایش گذاشته می‌شود. این فیلم‌ها که بیانگر روحیه مقاومت و دلاوری در راه مردم است از طرف سربازان ، پاسداران ، و کارگران پالایشگاه آبادان و سایر مردم رزمنده با استقبال روبرو می‌شود. این برنامه در بعضی از بیمارستان‌های شهر سر برای پزشکان ، پرستاران و مجروحین جنگ اجرا می‌شود. همچنین پیش‌آهنگانی که داوطلبانه از بابلسر به جبهه‌های جنگ جنوب آمده‌اند، نمایشنامه‌های شورانگیزی برای رزمندگان و مردم پشت جبهه اجرا کرده‌اند که تاثیر سازنده‌ای برجای گذاشته است.

در اهواز نیز اینگونه حرکت‌های انقلابی دنبال می‌شود. به‌عنوان نمونه، انجمن اسلامی صنایع فولاد در تاریخ ۱۶ دی ماه فیلم "کودتای شیلی" رااز طریق تلویزیون مدار بسته برای کارگران پخش کرد. پس از پایان فیلم ، انبوه تماشاگران به‌مدت ده دقیقه با فریادهای کوبنده " مرگ بر آمریکا"، "مرگ بر پینوشه" نفرت خود را از امپریالیسم جهانخوار آمریکا و همبستگی‌شان رابا مردم مبارز شیلی، به‌نمایش گذاشتند.

در "ایده" که میزبان هزاران جنگ زده خوزستانی است ، اکیپ سیاری از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به شهر آمده که ضمن توزیع کتاب ، فیلم‌های کوتاه و نمایشنامه‌های ضد امپریالیستی را نیز به نمایش می‌گذارد.

در بعضی از شهرهای دیگر گروه‌های موسیقی و نمایش به‌کار بالا بردن روحیه مقاومت و آموزش انقلابی مردم مشغولند. اینگونه فعالیت‌های انقلابی که در بالابردن روحیه رزمی و مقاومت‌آفرین رزمندگان و جنگزدگان و آشنایی آنان با تجربیات خلق‌های پیروزمند جهان ، تاثیر برجسته‌ای دارد، باید گسترش یابد. هنرمندان و گروه‌های داوطلبی که در این زمینه‌ها امکانات و تجربیات لازم را دارند، موظفند به میان رزمندگان و جنگ زدگان بروند و به وظیفه انقلابی خود عمل کنند. نهادهای انقلابی، وزارت فرهنگ و هنر و سازمان‌هایی که امکان نمایش فیلم‌ها و تئاترهای انقلابی دارند می‌بایست بر فعالیت خود در این زمینه‌ها بیفزایند. اینگونه حرکت‌ها ، تبلیغات مسموم رادیوهای بیگانه ، لیبرال‌ها و عوامل ستون پنجم را تا حد زیادی بی‌اثر خواهد ساخت.

● نمایشگاه

هواداران سازمان در زشت به‌مناسبت سالروز فرار شاه در محلات کوی کارگران ، تختی، صمد بهرنگی، ساغربسازان و... مدارس فروغ ، دهخدا ، لیلازمردیان و... نمایشگاه‌هایی برپا کردند که با استقبال مردم روبرو شد.

عکس، گوشه‌ای از یک نمایشگاه را نشان می‌دهد

www.iran-archive.com

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹

سال دوم ــ شماره ۹۵ ــ صفحه ۱۶

سنگر مقاومت در برابر تجاوزگران

از خون رفیقان ما لاله گون است

پرسنل انقلابی شهید ستوان یکم یدالله خزلی

● ستوان یکم زرهی یدالله خزلی در سال ۱۳۳۶ در روستای "چشمه سفید" کرمانشاه در میان خانواده‌ای زحمتکش دیده بر جهان گشود. دوران کودکیش را در بین دهقانان فقیر و ستمدیده روستا توام با کار و مشقت سپری نمود. پس از اتمام تحصیلات ابتدائی در روستا برای ادامه تحصیل عازم کرمانشاه شد. وضعیت نابسامان زندگی رفیق‌سبب شد که او از سال پنجم دبیرستان در حالی که ۱۶ سال بیشتر نداشت روانه دبیرستان نظام و سپس دانشکده افسری شود.

یدالله قلبی سرشار از تعهدی عمیق نسبت به زحمتکشانی که خود از میان آنان برخاسته بود، داشت و همواره در فکر رهایی مردم فقیر و زحمتکش روستایش و تمامی زحمتکشان میهنمان از زنجیرهای اسارت بود.

وفاداری به خلق همواره مانع بود که در رژیم وابسته و ظالمانه شاهنشاهی حل شود و خود به پیچ ومهره ماشین جنگی آن سیستم تبدیل گردد و سرانجام فکر چاره‌جویی دردهای مردم و نارضایتی‌اش از رژیم او را به راه کسب آگاهی طبقاتی بیشتر و شناخت دقیق و همه جانبه از دشمن طبقاتی زحمتکشان رهنمون شد و از اینجا بود که با علم رهایی کارگران و زحمتکشان آشنا شد و رهرو پویده سعادت بشری گردید.

پس ازخاتمه دانشکده افسری رفیق یدالله خزلی برای طی دوره تخصصی زرهی به شیراز منتقل شد و در همین ایام بود که جنبش انقلابی خلق مبدل به طوفانی شده بود که رژیم منحوس و پوسیده پهلوی را تهدید به نابودی می‌کرد. یدالله که سراپای وجودش آکنده از عشق به خلق و نفرت از سیستم سرمایه‌داری وابسته به‌امپریالیسم که عامل تمام بدبختی‌های مردم است بود، مصمم و آگاهانه همراه توده‌ها و با ایمان به پیروزی خلق و به امید فردایی روشن برای زحمتکشانی که به دردهایشان آشنا بود، با رژیم جنایتکار شاه به مبارزه‌ای بی‌امان برخاست.

روزی که امواج خروشان خلق سهاد اصلی رژیم خونخوار شاهنشاهی یعنی ارتش را در هم می‌کوبید رفیق یدالله افسر نگهبان پادگان شیراز بود و هنگام حمله مردم به پادگان با اشک شوق از آنان استقبال نمود و با تقدیم اسلحه خود راهگشای فتح هرچه پیروزمندانه‌تر مردم گردید و سرفراز و پرشور علنا به‌صف میلیونی توده‌های انقلابی پیوست.

او پس از پیروزی انقلاب مجددا به ارتش بازگشت و به کرمانشاه اعزام شد.

در جریان کودتای آمریکایی "نوژه" و در پی هشدار و آماده‌باش نیروهای انقلابی رفیق برای درهم شکستن هرگونه توطئه و دسیسه امپریالیسم و همدستانش هوشیارانه و با تمام توان انقلابی خود آماده بود.

پس از شروع جنگ تجاوزکارانه رژیم ضدخلقی عراق، رفیق یدالله همچون دیگر رزمندگان و پرسنل انقلابی ارتش آمادگی خود را برای شرکت در نبرد اعلام و به جبهه گیلانغرب اعزام گردید.

در تاریخ ۱۵ دی ماه ۵۹ درحمله سراسری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به دشمن متجاوز، او با شهامت و شجاعت بی‌مانندی، با واحد تحت فرماندهیش و همراه دیگر نیروهای مسلح پس از تصرف "تنگه حاجیان" در گیلانغرب پیروزمندانه سنگرها و استحکامات نظامی دشمن را در هم کوبید و نیروهای مزدور عراقی را در خط مقدم جبهه تار و مار کردند و هنگامی که دیگر با بقایای منهدم شده دشمن فاصله چندانی نداشتند، رفیق بنا به هوشیاری انقلابی‌اش و برای اطمینان از پاک بودن منطقه از مین ضد تانک، تانکش را متوقف کرد و در حالی که مشغول پاکسازی بود و برای پرسنل واحدش تعیین موضع می‌نمود، مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفت و شهید شد و بدینسان وفادار به میثاقی‌که با خلق بسته بود در راه دفاع از دستاوردهای انقلاب و استقلال میهن و جان و مال زحمتکشانی که بیشتر از جان خود دوستشان داشت، به قافله شهدای استقلال و آزادی ایران پیوست.

یاد او را گرامی می‌داریم

★

★ فدائی خلق رفیق شهید محمدرضا جعفری

رفیق محمدرضا جعفری در مهرماه سال ۱۳۳۸ در قریه لفوت پائین از توابع آستانه اشرفیه به‌دنیا آمد. رفیق همچون سایر فرزندان روستائیان بارنج‌وفقر بزرگ شد. در جوار کار طاقت‌فرسا در مزرعه و در حین تحمل انواع فشارهای ناشی از فقر خانواده به مدرسه رفت و سرانجام در سال ۵۷ موفق به اخذ دیپلم گردید. خیزش انقلابی توده‌ها نطفه‌های بارور امید به فردای‌روشنی را برای او و همنوعانش در قلب پاک و مهربان و رنج کشیده رفیق کاشت و او را به شرکت فعالانه برای مبارزه در راه سرنگونی رژیم وابسته شاه جلاد و ایجاد ایرانی مستقل و دموکراتیک و عاری از ستم و رنج و محرومیت کشاند. رفیق همواره چون پرچم افراشته رنجدیدگان در پیشاپیش راهپیمائی‌ها و تظاهرات مردم آستانه اشرفیه در جنب و جوش بود و عشق به رهایی کارگران و دهقانان و نفرت از سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ در سیمای مردانه‌اش موج می‌زد و سینه فراخش آماده بود که سنگر خلق باشد و در مقابل گلوله‌های دشمنان مردم و انقلاب و گردن راستش چون سرو ایستاده‌ای در مقابل بادهای مخالف انقلاب پایدار و ثابت بود.

رفیق پس از پیروزی انقلاب به سربازی اعزام گردید. او را یک‌بار برای جنگ برادرکشی به کردستان فرستادند. رفیق در کردستان همانند دیگر نیروهای مبارز و انقلابی از کشتار خلق کرد پرهیز نمود و به افشای خیانت سران ارتش و گروه‌های ذینفع در ادامه جنگ کردستان پرداخت. او سرانجام پس از جنگ تحمیلی عراق در حالی که بیش از ۵ ماه از خدمت سربازیش باقی نمانده بود به جبهه دزفول شتافت و یک‌ماه بعد به اهواز (جبهه کرخه‌کور) منتقل شد و یک‌ماه قبل در نبرد با تجاوزگران مزدور عراقی و در راه آرمان انقلابی کارگران و دهقانان ایران به‌شهادت رسید. باشد تا بر پایه تلاش و جانبازی رفیق محمد رضا انقلابمان هرچه بیشتر تداوم و تعمیق یابد تا ستم و جور و تجاوز را که پدیده ذاتی وابستگی به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم جهانخوار و جنایتکار آمریکاست، برای همیشه در میهنمان دفن کنیم و نسل فردای میهنمان در سایه صلح و سوسیالیسم و آزادی که حاصل تلاش ما خواهد بود تلخی رنج و محرومیت ناشی از جامعه طبقاتی را نچشند.

مردم روستای لفوت پائین طی مراسم پرشکوهی پیکر گلگون رفیق را که سمبل شکوه و مردانگی مردم میهن ماست تشییع نمودند. جنازه غرقه به‌خون رفیق محمد رضا بر دست‌های پینه بسته کارگران و دهقانان "لفوت" گویی درفش کاویان بود و به دادخواهی افراشته بودند و چنین هم بود چون فریاد "این‌سند جنایت آمریکا" این ضحاک زمان، دشت‌ها و کوه‌ها را به لرزه درآورده بود. رفیق محمد رضا یکی از هزاران جوانی بود که هر روز در گوشه و کنار جهان مغزشان خوراک مارهای سیری ناپذیر دوش امپریالیزم جهانی به سرکردگی امپریالیزم آمریکا می‌گردد

ما ضمن گرامیداشت یاد رفیق محمدرضا جعفری به تمام شهدای راه استقلال و آزادی درود می‌فرستیم.

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید ★

www.iran-archive.com

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹
سال دوم ــ شماره ۹۵ــ صفحه ۱۷

شورا، سندیکا...

و مساعی خود را معطوف به بهبود شرایط زندگی و کار آنها نمایند، باید در برگیرنده توده وسیع مزدبگیران شاخه‌های گوناگون صنعت باشند و یا به عبارت دیگر سازمان توده‌ای پرولتاریا باشند. از این‌رو اتحادیه‌ها باید همه کارگران را بدون در نظر گرفته تفاوت‌های نژادی، جنسی، قومی، ملی، مذهبی، سیاسی و ایدئولوژیکی در خود جای دهند. تشکیلات اتحادیه‌ای اساسا حول منافع واحد اقتصادی کارگران که دارای سرشتی طبقاتی است، در یک واحد کار، شاخه صنعت، منطقه و یا کشور سازمان می‌گیرند.

اتحادیه‌ها برای آنکه واقعا بتوانند تبلور وحدت توده‌ای کارگران باشند، باید میدان عمل خود را از تبدیل شدن به عرصه کشاکش‌های فراکسیونی میان جمعیت‌ها، سازمان‌ها و احزاب سیاسی حفظ کنند. لیکن این موضوع هیچگاه به معنای آن نیست که در مبارزه مشترک بخاطر صلح استقلال ملی، دمکراسی و سوسیالیسم بین تشکل‌های اتحادیه‌ای از یکسو و دستجات، سازمان‌ها و احزاب ترقیخواه و دمکراتیک از سوی دیگر، هماهنگی لازم و پیوندهای مستحکم وجود نداشته باشد.

۳ــ تشکیلات اتحادیه‌ای سازمان دمکراتیک پرولتاریاست

برای آنکه سازمان‌های اتحادیه‌ای بتوانند تشکیلات فراگیر طبقاتی پرولتاریا باشند و وحدت توده‌ای کارگران را تامین کنند و از این طریق سلامت جنبش کارگری را از هر نظر تضمین کنند، باید سازمان‌های دمکراتیکی باشند که در آن توده اعضاء فعالانه در تصمیم‌گیری‌ها تعیین‌خط‌مشی، اتخاذ مواضع و اجرای پیگیر آنها شرکت داشته باشند.

ارگان‌های رهبری تشکیلات اتحادیه‌ای که باید دقیقا نماینده و برآورنده‌خواست‌های توده اعضاء و تجلی اراده آگاهانه آنها باشند، به وسیله مجامع عمومی و کنگره‌هائی که دربرگیرنده توده وسیع اعضاء هستند و بمثابه‌عالی‌ترین ارگان‌های تنظیم‌کننده خط‌مشی و برنامه مبارزاتی تشکل‌های اتحادیه‌ای محسوب می‌شوند، انتخاب شده و در صورت لزوم تعویض می‌گردند. اتکاء ارگان‌ها و سازمان‌های رهبری بر اعتماد آگاهانه توده اعضاء جزء لاینجزای موازین دمکراتیک تشکل اتحادیه‌ای است. رعایت متقابل نظریات اعضاء توسط رهبری و تصمیم‌های اتخاذ شده از سوی رهبری توسط توده اعضاء، عامل اساسی در تامین مناسبات دمکراتیک بین رهبری و توده اعضاء و تحکیم مبانی وحدت درون اتحادیه‌ای است. تنها شرکت فعالانه و گسترده توده اعضاء در کلیه مسائل مربوط به مبارزه اتحادیه‌ای، اعم از تصمیم ــ گیری‌ها یا اجرای آن‌ها قادر خواهد بود وحدت صفوف کارگران را در سازمان‌های اتحادیه‌ای تحکیم بخشیده و ثبات آن را تضمین کند. برای تامین دمکراسی درون اتحادیه‌ای باید با هرگونه تمایلات فرقه‌گرایانه و تجزیه‌طلبانه و هرگونه گرایشات تنگ‌نظرانه و وحدت‌شکنانه از هر سوئی که باشد و هر مضمون ایدئولوژیک ــ سیاسی که داشته باشد، قویا به مبارزه برخاست. باید با هر نوع کنترل فراکسیونی و هرگونه باندبازی‌های ضد دمکراتیک در اتحادیه‌ها مقابله کرد. بر خلاف جار و جنجال‌های تبلیغاتی و دروغ ــ پراکنی‌های ضدکمونیستی محافل بورژوازی، کمونیست‌ها نه‌تنها معتقد به قبضه‌کردن سازمان‌های اتحادیه‌ای نیستند بلکه پیگیرترین و آشتی‌ناپذیرترین مبارزین راه تامین دمکراسی درون اتحادیه‌ها هستند.

"کمونیست‌ها اعتقاد راسخ دارند که توده اعضاء اتحادیه‌ها چنانچه فرصت بحث آزادانه در مورد مسائلی که برایشان مطرح می‌شود و حق اتخاذ تصمیم قاطع و دمکراتیک در مورد آن مسائل را داشته باشند، به سیاست‌های درستی دست خواهند یافت. به این دلیل کمونیست‌ها همیشه و همه جا استوارترین مبارزان راه دمکراسی در اتحادیه‌های کارگری هستند."

(کمونیست‌ها و اتحادیه‌های کارگری ــ فاستر)

کمونیست‌ها هرگز بر این اعتقاد نبوده و نیستند که تامین رهبری آنان در تشکل‌های صنفی ــ دمکراتیک کارگران، مستلزم تحمیل برنامه و خط مشی مبارزاتی آنان بر این تشکل‌هاست بلکه قویا بر این عقیده‌اند که تنها ارائه یک برنامه حقیقتا انقلابی و مبتنی بر تحلیل دقیق از شرایط واقعا موجود که متکی بر منافع بنیادی آنی و آتی توده کارگران باشد و نیز سازماندهی و پیشبرد عملی مبارزه روزمره کارگران بخاطر بهبود شرایط مادی زندگی‌شان قادر خواهد بود اعتماد آگاهانه توده اعضاء اتحادیه‌ها را به خود جلب‌کرده و از این طریق رهبری عملی آنها را بر سازمان‌های اتحادیه‌ای تحقق بخشد. کمونیست‌ها در هیچجا و در هیچزمان به شیوه‌های منحط باندبازی و فراکسیون‌سازی که عاری از روح دمکراسی اتحادیه‌ای و در تعارض کامل با موازین دمکراتیک مبارزه سندیکائی است، اعتقاد نداشته‌اند. لیکن همواره بر این عقیده بوده‌اند که چون به جهان‌ــ بینی علمی مجهز هستند و قادرند در هر مبارزه‌ای از منافع کارگران به موثرترین وجه دفاع کنند، از آنجا که قادرند با تحلیل مشخص از اوضاع مشخص نیروی واقعی خود و دشمن طبقاتی را بطور عینی ارزیابی کنند و از این طریق متناسب با شرایط و تعادل نیروها، تاکتیک‌هایشان را اتخاذ کنند تا به هدف‌هائی که در لحظه معین تمامی کارگران آماده جنگیدن در راه آن هستند، دست یابند، می‌توانند و باید در مقام رهبری شایسته اتحادیه‌ها قرار گیرند و رهبران آشتی‌ناپذیر مبارزه طبقاتی کارگران در راه بهبود شرایط مادی زندگی آنان و از آن فراتر سوسیالیسم باشند.

کمونیست‌ها ضمن مبارزه سرسختانه با فرقه ــ گرائی و فراکسیون‌بازی درون تشکل‌های اتحادیه‌ای، این حق را برای خود قائلند که "از اعتقادات خویش دفاع کنند و توده اعضاء اتحادیه‌ها را به نظریات خود جلب کنند. این نظریات، مبارزه امروز کارگران را پرتوان‌تر می‌کند و آنان را آماده درک ضرورت سوسیالیسم می‌سازد سوسیالیسمی که فقط پس از آنکه اکثریت کارگران بنا به تجربه شخصی‌شان به ضرورت آن اعتقاد یافتند، می‌تواند پا به عرصه هستی گذارد."

(فاستر ــ همان منبع)

ادامه دارد

تدوین و اجرای یک قانون کار و تامین اجتماعی مترقی با مشارکت شوراها، سندیکاها و کانون‌های کارگری ضرورت مبرم انقلاب است

بقیه از صفحه ۹

نقش عظیم زنان...

اتخاذ تصمیمات مهم درباره برنامه‌های رشد اقتصادی و اجتماعی کشور و نحوه اداره امور دولتی و عمومی شرکت می‌کنند، روز به روز افزون‌تر می‌شود بطوری که می‌توان گفت امروزه اکثریت قریب‌به‌اتفاق مردم بالغ اتحاد شوروی در تصمیم‌های مهم و اداره امور کشور فعالانه شرکت می‌کنند. زنان شوروی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. از مجموع نمایندگانی که در سال ۱۹۷۹ به نمایندگی شورای‌عالی اتحادشوروی انتخاب شدند، ۳۲/۵ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین سهم زنان از کرسی‌های نمایندگان شوراهای‌عالی جمهوری‌ها و مناطق خودمختار شوروی به ترتیب ۳۵ و ۳۹ درصد می‌باشد و بالاخره ۴۹% از کل اعضای شوراهای محل، زن هستند.

زنان شوروی سهم مهمی در اداره دستگاه قضائی کشور دارند. بیش از ۳۰۰۰ زن در مقام دادرس خلق کار می‌کنند. این رقم ۳۳% کل دادرسان اتحاد شوروی را تشکیل می‌دهد. بعلاوه بیش از نیمی از اعضای هیئت‌های منصفه دادگاه‌های شوروی نیز زن می‌باشند.

در "شورای مرکزی اتحادیه" که ارگان رهبری کننده تمام اتحادیه‌های شوروی است ۱۹۸ نفر زن عضویت دارند و بیش از ۲۰۰۰ زن عضو اتحادیه‌های صنفی رشته‌های مختلف تولیدی، اداری و آموزشی هستند.

در اتحاد شوروی وظیفه مادری مهم‌ترین وظیفه اجتماعی زن شناخته می‌شود زیرا مادران پرورش دهندگان نسل‌های آینده و سازندگان فردای کشور هستند. بدین‌خاطر کار مراقبت از کودکان با مواظبت از مادران آغاز می‌شود. زنان اتحاد شوروی قبل و بعد از دوران بارداری از مرخصی‌های طولانی استفاده می‌کنند و در تمام این دوران حقوق و مزایای زنان شاغل پرداخت می‌شود. مادران در اتحاد شوروی علاوه‌بر برخورداری از بهداشت و درمان رایگان همگانی، از مراقبت‌های پزشکی خاصی نیز بهره می‌برند. زنانی که دو فرزند به دنیا آورده‌باشند در ازای هر فرزند بعدی کمک مالی ماهیانه از دولت دریافت می‌دارند. در اتحاد شوروی زنان، ۵ سال زودتر از مردان بازنشسته می‌شوند. (مردان در ۶۰ سالگی و زنان در ۵۵سالگی). زنان بطور معمول پس از بیست‌سال کار بازنشسته می‌شوند ولی زنانی که بیش از ۵ فرزند داشته باشند، می‌توانند پس از ۱۵ سال کار بازنشسته شوند.

زنان اتحاد شوروی از آنجا که وظیفه مراقبت از کودکان و تربیت آنها رابـه عهده‌دارند، از احترام خاصی در جامعه برخوردارند. زنانی که ۵ یا ۶ فرزند به دنیا آورده و پرورده باشند، به دریافت "مدال مادری" مفتخر می‌شوند. به زنان صاحب ۷ یا ۸ فرزند نشان "افتخار مادری" اعطا می‌گردد و زنان دارای ۱۰ فرزند لقب و نشان "مادر قهرمان" دریافت می‌دارند. دولت شوروی می‌کوشد *با ترتیب‌دادن مهد کودک‌ها، کودکستان‌ها و پرورشگاه‌ها به مادران در تربیت کودکانشان کمک نماید و نیز هرچه بیشتر از کارهای خسته‌کننده خانگی زنان بکاهد تا بدین ترتیب زنان فرصت بازهم بیشتری برای شرکت فعال در زندگی اجتماعی داشته‌باشند.*

زندگی زنان در اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، منبع الهام زنان جوامع سرمایه‌ــ داری در مبارزه برای کسب حقوق دمکراتیک و منشاء الهام زنان زحمتکش در مبارزه برای رهائی از قید هر نوع ستم و استثمار می‌باشد.

www.iran-archive.com

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹

سال دوم ــ شماره ۹۵ــ صفحه ۱۸

چگونه می‌توان وابستگی اقتصادی را از میان برد؟

* گسترش روابط اقتصادی با اردوگاه سوسیالیسم و کشورهای ترقیخواه جهان، ضد وابستگی و به مفهوم تحکیم استقلال است.

نظریه‌پردازان و مبلغان توجیه‌گر امپریالیسم جهانی سالهاست که می‌کوشند سلطه امپریالیسم را بر خلقهای زیر ستم جوامع وابسته، امری اجتناب‌ناپذیر جلوه‌گر سازند. آنان می‌کوشند مبارزه در راه قطع وابستگی به امپریالیسم را مبارزه عبث و بیهوده بنمایانند که خلقهای زیر ستم را گریزی نیست جز پذیرفتن زنجیرهای تابعیت و وابستگی. که کارگران و زحمتکشان جهان را راهی نیست جز راه فقر و نگون‌بختی حاصل از چپاولگری‌ها و غارتگری‌های انحصارات امپریالیستی. که مردم جوامع زیر سلطه نباید امیدی به استقلال، کار، مسکن و آزادی داشته باشند. بعلاوه، برخی از مبشران راه بندگی، اسارت، فقر، جهل، بیماری و گرسنگی تلاش می‌کنند این نظر را اشاعه دهند که در جهان امروز، همه جوامع وابسته‌اند. که کلمبیا همانقدر به امپریالیسم امریکا وابسته‌است، که شرکت جنرال‌موتورز به قهوه کلمبیا و همانقدر ایران به امپریالیسم وابسته است که انحصارات جهانی به نفت ایران. آنها این حقیقت را می پوشانند که وابستگی جوامع زیرسلطه به امپریالیسم شرط اساسی رشد این انحصارات است. از این‌روست که این انحصارات نه‌تنها از "وابستگی" شان ــ (بخوان از سلطه‌شان) به کشورهای زیر سلطه خشنودند، بلکه خاضرند در راه حفظ و تشدید آن جهان را به آتش کشند و میلیونها انسان آزاده و رنجدیده را به خون درغلطانند. آنها این را نمی‌گویند که انحصارات امپریالیستی با به وابستگی کشاندن جوامع زیر سلطه، ثمره کار کارگران و زحمتکشان این جوامع را و نیز منابع طبیعی این جوامع را تصاحب می‌کنند و به غارت می‌برند تا امپریالیسم فرتوت و بحران‌زده را چند صباحی دیگر برجای نگاهدارند.

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا، هرچه در توان دارد، کرده است و خواهد کرد که مبارزات قهرمانانه خلقهای زیر ستم جوامع زیر سلطه را به انحراف کشاند و به شکست نشاند. امپریالیسم جهانی نیک می‌داند که اقتصاد این جوامع وابسته است و مبارزه درجهت قطع وابستگی، مبارزه‌ای است سخت و دشوار. امپریالیسم جهانی می‌کوشد این مبارزه را هرچه دشوارتر سازد. امپریالیسم جهانی پیوندهای وابستگی این جوامع را چون سلاحی در مقابل این مبارزات به کار می‌بندد. آنگاه که امپریالیسم دست به تحریم اقتصادی می‌زند سلاحی با قدرت باروت و خمپاره را به کار می‌گیرد. این همان سلاحی است که امپریالیسم جهانی برای مقابله با مبارزات ضدامپریالیستی مردم شیلی به کار گرفت و توانست راه‌گشای کودتای خونین پینوشه جنایتکار و وابسته به امپریالیسم باشد. این همان سلاحی است که امپریالیسم جهانی برای به شکست کشاندن انقلاب پیروزمند کوبا به کار گرفت و در آن مفتضحانه شکست خورد. این همان سلاحی است که برای مقابله با مبارزات ضد امپریالیستی مردم قهرمان و رزمنده میهن ما به کار گرفت و باز هم شکست خورد.

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا در میهن ما همچون در شیلی و در کوبا، کوشید تا با محاصره اقتصادی به بحران اقتصاد وابسته ایران دامن زند تا بیکاری و گرانی را تشدید کند و چنین بنمایاند که مبارزه ضد امپریالیستی یعنی بیکاری، یعنی گرانی به‌این امید باطل که کارگران و زحمتکشان میهن ما در زیر فشار فقر و رنج گرسنگی و بیکاری شانه خم کنند و راه سازش با امپریالیسم را بگشایند.

تحریم اقتصادی ایران به وسیله امپریالیسم جهانی به مردم میهن ما به وضوح نشان داد که امپریالیسم اروپا و ژاپن، هرچند پیوسته می‌کوشند سهم بیشتری از چپاولگری‌های امپریالیسم را به خود تخصیص دهند امپریالیستند و امپریالیستها دشمن خلقهای رزمنده جهانند. تحریم اقتصادی ایران به وسیله امپریالیسم جهانی این نکته را که بارها به اثبات رسیده است (در شیلی، کوبا، ویتنام و...) باردیگر به اثبات رسانید که امپریالیسم فرانسه، انگلیس، آلمان، ژاپن و... پابپای امپریالیسم امریکا، سرکرده امپریالیسم جهانی، درجهت سرکوب کردن مبارزات استقلال‌طلبانه مردم جهان گام می‌نهند. مشت منادیان گسترش رابطه با امپریالیسم اروپا و ژاپن باز شد. چگونه می‌توان از امپریالیسم فرانسه یا امپریالیسم ژاپن که اقتصاد میهن ما را تحریم می‌کند، دشمنان خلق ما را حمایت می‌کند، به عنوان مدافعان انقلاب ضدامپریالیستی ــ دمکراتیک میهن نام آورد؟ آفتاب درخشان، موش‌های کور و خفاشان شب را به سوراخ‌های خود می‌فرستد.

جنگ تجاوزکارانه و ویرانگر رژیم ضد مردمی صدام علیه انقلاب ایران با تشویق و ترغیب امپریالیستها آغاز شد. آنها می‌خواستند که این جنگ آن کند که تحریم اقتصادی امپریالیسم و خرابکاری‌ها و اخلالگری‌های سرمایه‌داران وابسته نتوانسته به انجام رساند. که این جنگ بر گرانی و بیکاری بیفزاید، قحطی و آشوب به‌بار آورد. مردم میهن ما که در راه کسب استقلال و قطع سلطه امپریالیسم، در راه صلح و استقلال قهرمانانه پیکار کرده و دشواری‌های نبرد با امپریالیسم را به‌جان خریده‌اند، پیگیرانه به مبارزه خود ادامه داده و ادامه خواهند داد.

جنگ تجاوزگرانه و ویرانگر رژیم ضدمردمی صدام چهره دوستان ودشمنان خلق ما را هرچه بیشتر به مردم میهن نمایاند. مردم میهن ما به وضوح دیدند که کدام دولت‌ها ما را در مبارزه‌ای که در راه قطع سلطه امپریالیسم در پیش داریم، یار و یاورند و کدام‌ها هر روز خصومت بیشتری به ما می‌ورزند. مردم میهن ما دیدند که رژیم‌های ارتجاعی منطقه در صف نیروهای دشمن خلق قرار دارند و مردم میهن‌ما هرچه روشن‌تر دریافتند که دولت‌های سوسیالیستی و مترقی جهان پشتیبان مبارزات حق‌طلبانه ما هستند. مردم میهن ما عمیقا به این حقیقت پی بردند که دولت‌هائی چون دولت اردن، عربستان سعودی، کویت، پاکستان و... دولت‌هائی وابسته به امپریالیسم‌هستند و در تحلیل نهائی در کنار امپریالیسم قرار می‌گیرند و این حقیقت آشکار، آشکارتر شد که دولت‌های مترقی چون الجزیره، لیبی و سوریه حامیان مبارزات ضدامپریالیستی ــ دمکراتیک مردم ایرانند. این حقیقت بهتر آشکار شد که امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی متحد طبیعی امپریالیسم امریکا علیه خلقهای جهانند و نیز این حقیقت انکارناپذیر، انکارناپذیرتر شد که دولت‌های سوسیالیستی جهان، اتحاد جماهیر شوروی، کوبا، کره شمالی و... پیگیرترین دوستان خلقهای زیر ستم جهانند.

ناتوانی حربه‌های اقتصادی و سیاسی امپریالیسم جهانی در مقابل مبارزات قهرمانانه مردم میهن ما، بار دیگر در تاریخ انقلابات. اجتماعی عصر ما به اثبات رسید. امپریالیسم درمانده و فرتوت جز سلاح‌های تبلیغاتی و نیروهای سرکوبگر نظامی حربه‌ای دیگر در زرادخانه خود سراغ ندارد. امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و لیبرال‌ها و دیگر نیروهای مورد حمایت آن اینک هرچه بیشتر بر سلاح‌های زنگ‌زده تبلیغاتی خود تکیه خواهند کرد تا بگویند راهی که در پیش داریم سرانجام به پیروزی نخواهد رسید. تابگویند نتیجه مبارزه در راه قطع سلطه امپریالیسم وابستگی به "ابرقدرتی" دیگر است. این بخش دوم از نظریه‌ای است که مبلغان توجیه‌گر امپریالیسم جهانی سالهاست درپی اشاعه آن هستند: آنان می‌گویند همه کشورها وابسته‌اند. همانقدر السالوادور به امپریالیسم امریکا وابسته است که امپریالیسم امریکا به السالوادور "وابسته" است. آنان می‌گویند اگر کشورهائی چون ایران یا السالوادور بخواهند از زیر سلطه امپریالیسم امریکا به‌در آیند، ناگزیرند زیر سلطه امپریالیسم اروپا و یا ژاپن قرار گیرند و اگر نخواهند در رابطه وابستگی به آنچه آنان جهان "آزاد" (تو بخوان وابستگی به‌امپریالیسم) می‌نامند، باشند، ناگزیرزیرسلطه "ابرقدرت روسیه" قرار می‌گیرند آنان می‌کوشند جانبداری کشورهای سوسیالیستی و مترقی جهان را از مبارزات ضدامپریالیستی ــ دمکراتیک خلقهای زیر ستم جهان، وابستگی به این کشورها وانمود کنند تا بدین‌ترتیب برخی مردم ناآگاه جوامع زیر سلطه را بفریبند. صف دوستان و دشمنان خلقها و انقلاب را مخدوش کنند، از بهره‌گیری خلقهای جهان از نیروهای ذخیره انقلاب جلوگیرند و راه سازش با امپریالیسم را هموار سازند.

بدین‌دلایل است که اکنون از گوشه و کنار ناله شوم سازشکاران آغاز شده‌است که: "وا مصیبتا! مملکت از دست رفت و بیش از این نمی‌توان تحمل کرد"! آنان بی‌کم و کسر نظر مبلغان توجیه‌گر امپریالیسم را اشاعه می‌دهند که جز این نیست که هرچه کنیم وابسته خواهیم بود حال اگر نه به غرب، به شرق وابسته خواهیم شد و چون در هر صورت وابستگی است، چه بهتر که همان پیوندهای وابستگی به امپریالیسم را تحکیم کنیم که نقل و نبات و نان و کره در مرز بازرگان در انتظار است.

ما در مقالاتی که در پی این مقاله خواهیم آورد، تحلیلی از مفهوم وابستگی را دنبال خواهیم کرد تا نشان دهیم- که مکانیسم‌های وابستگی کدام است و چگونه است که کشورهای زیر سلطه امپریالیسم در شبکه انحصارات امپریالیستی

بقیه در صفحه ۲۳

* وابستگی اقتصادی، وابستگی به‌امپریالیسم جهانی و سرکرده آن امپریالیسم امریکاست و این نتیجه ناگزیر رشد سرمایه‌های انحصاری برای جوامعی است که در شبکه روابط امپریالیستی قرار دارند. راه استقلال و قطع وابستگی، راه قطع پیوندهای امپریالیستی با اقتصاد زیر سلطه است.

www.iran-archive.com

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹
سال دوم ــ شماره ۹۵ ــ صفحه ۱۹

امپریالیسم
به عبث در پی شکست انقلاب ایران است

● در چند روز اخیر عملیات ضدانقلابی گسترش چشمگیری یافته است. سحرگاه جمعه سوم بهمن ماه سه تن از افراد بسیج به‌هنگام گشت مورد حمله قرار گرفتند و دو تن از آنان به نام‌های محسن قادری و کمال طاهوی به‌شهادت‌رسیدند. و همزمان با این واقعه دردناک، یک تن دیگر از افراد بسیج در قلهک هنگام نگهبانی به شهادت رسیدند.

در چند شب گذشته کتابفروشی‌های مقابل دانشگاه توسط عده‌ای ناشناس با بمب‌های آتشزا مورد حمله قرار گرفتند.

چند مورد تجمع‌های مشکوک توسط عناصر وابسته به رژیم سابق مشاهده شده که خبر از توطئه‌های قریب‌الوقوع می‌دهد.

در جنگل‌های مازندران دسته‌های چریکی دیده شده است که با دستگیر شدن عده‌ای از آنها به‌وسیله پاسداران روشن شده که توسط ضدانقلاب و عناصر رژیم سابق سازمان یافته‌اند.

افغانی‌های به‌اصطلاح مجاهد که زمانی توسط جمهوری اسلامی پذیرائی شده و مسلح شدند، هم اینک به‌تدریج در مقابله با جمهوری اسلامی سمتگیری می‌کنند. این نیروی مزدور به‌سرعت به یک خطر بالفعل تبدیل می‌شود.

در بلوچستان خوانین بلوچ با سرعت تمام‌خود را متشکل می‌کنند و با گرفتن سلاح و پول از پاکستان ضیاءالحق عملیات تروریستی خود را افزایش می‌دهند.

در مناطق بختیاری‌و قشقائی هم تشکل‌های ضد انقلابی همچنان رو به تحکیم و توسعه است. و در چند روز گذشته در کردستان ضد انقلاب به عملیات مسلحانه خود وسعت بازهم بیشتری بخشیده است. در مشهد و اصفهان در ادامه تشنجات قبلی در این دو شهر به دفاتر حزب جمهوری اسلامی حمله می‌شود.

در زندان ساری زندانیان شورش کرده و زندان را به آتش می‌کشند و هنگامی که پاسداران زندان را تحویل پلیس شهربانی می‌دهند زندانیان آرام می‌شوند!

ادامه کارشکنی در مراکز تولیدی و ادارات و تشویق و تحریک‌به اعتصاب و توقف چرخ‌های تولید توسط لیبرال‌ها، سازمان دادن اخلالگرانی که بین آوارگان جنگی به‌سر می‌برند که با توزیع پول همراه است، شایعه‌پراکنی، دامن زدن به تشنج‌های موجود از سوی ضد انقلاب که گاه به‌راحتی بخشی‌از نیروهای ملی و نیز عناصر چپ‌رو را از یک‌سو و مذهبیون قشری را از سوی دیگر به‌دام خود می‌اندازند (ترور فجیع کاندیدای مجاهدین خلق از خرم‌آباد برای مجلس شورای اسلامی در روز روشن را که چند روز پیش اتفاق افتاد، باید از این دست تلقی کرد) و ... همه و همه در جهت زمینه‌سازی و یا در خدمت اقدامات تجاوزگرانه امپریالیسم امریکاست. اقداماتی که متوجه دامن زدن به تفرقه و جدائی بین نیروهای خلقی، انحراف افکار عمومی از خطر دشمن اصلی و ایجاد عدم امنیت و ... است.

از سوی دیگر پابه‌پای این توطئه‌های داخلی، امپریالیسم جنایتکار آمریکا با به‌کار گرفتن عملی "نیروی ضربتی ویژه برای دفاع از منافع آمریکا در خلیج فارس" و به‌حرکت در آوردن آن در آب‌های جنوبی ایران. گام دیگری را در جهت دخالت مستقیم در میهن انقلابی ما برداشته است.

تردیدی نیست که مردم متحد ما مصمم هستند به‌هر نحوی که شده امپریالیسم را ناکام بگذارند. مردم انقلابی ما راه خود را برای رسیدن به آزادی کامل از هر نوع قید و بندی که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا برپای‌آن بسته است، همچنان ادامه خواهد داد. همانگونه که در طول دو سال به قیمت رنج‌های فراوان و دادن هزاران شهید همه توطئه‌های رنگارنگ آن را نقش برآب کرده است.

اما این واقعیت هرگز مانع آن نخواهد بود که مردم ما آگاهی و هوشیاری خود را افزایش ندهند. آگاهی بر هدف‌ها و مقاصد پلید دشمن تضمین بزرگی برای پیروزی است. از این روست که باید افزون‌تر از پیش به‌هوش باشیم و سخت مراقب هرگونه حرکت ضدانقلابی شویم. کار آگاهگرایانه در میان توده‌های قهرمان مردممان را بازهم بیشتر کنیم. دشمن را در هر لباسی که هست و با هر ترفندی که وارد میدان می‌شود، به‌توده‌ها بشناسانیم صفوف انقلاب را فشرده‌تر سازیم. همکاری خود را با نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی بیش از پیش گسترش بخشیم و یکبار دیگر امپریالیسم آمریکا را که در تدارک یکی دیگر از توطئه‌های خود علیه انقلاب ایران است ناکام سازیم. امپریالیسم بیهوده می‌کوشد تا منافع از دست رفته خود را بازیابد. امپریالیسم به‌عبث در پی شکست انقلاب ایران است.

سخنان هاشم صباغیان در مجلس
تکرار یاوه‌های ماشین تبلیغاتی امپریالیسم

● به‌دنبال آزادی گروگان‌ها موج تبلیغات محافل لیبرال و سازشکار مورد حمایت امپریالیسم آمریکا رو به گسترش نهاده است. لیبرال‌ها با استفاده از این موقعیت و با استفاده از روزنامه‌ها، سخنرانی‌ها و سایر شیوه‌های تبلیغاتی به نحو زیرکانه‌ای می‌کوشند مبارزه با امپریالیسم آمریکا را پایان یافته تلقی کرده و "خطر شرق" و "لزوم مبارزه اصولی با سوسیال امپریالیسم روسیه!" را بیش از پیش به‌میان بکشند. هاشم صباغیان یکی از چهره‌های معروف لیبرال‌های مورد حمایت امپریالیسم در نطق پیش از دستور خود در مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۵ بهمن، این ایده ضدانقلابی را بطور آشکاری بیان داشته و گفت:

" ولی آن دشمنی‌که بعضی خطوط و عوامل داخلی آن شناخته شده نیست، آن دشمن خطرناک شرق است" و

" ملت رنجدیده و زحمتکش ما ... باید مبارزه اصلی و اصولی را هم با دشمن غدار شرق و عوامل مزدور داخلی آن شروع کند" (همینجا باید توضیح داد که از نظر صباغیان و سایر همفکران لیبرال وی هر نیرویی که بخواهد به منافع غارتگرانه امپریالیسم آمریکا" دست درازی" کند، از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام گرفته تا انقلابیون کمونیست ... " مزدور شرق" است!) صباغیان سپس خشم خود را از شعارهای ضدامپریالیستی که مردم بر در و دیوار شهر می‌نویسند ابراز داشته و ادامه می‌دهد:

" ... چه کسانی با چنین هزینه‌های گزاف (؟) بر روی دیوارها با خطوط بسیار زیبا فقط شعارهای ضد امپریالیستی یا (غربی) امام را می‌نویسند ولی از کلمات نه‌شرقی ایشان خبری نیست؟"

این سخنان صباغیان هیچ چیز تازه‌ای در بر ندارد و همان افکار همیشگی لیبرال‌های سازشکار را بیان می‌کند که آنها نیز این افکار را از مبلغان و تئوریسین‌های امپریالیستی "قرض" گرفته‌اند.

صباغیان می‌گوید امپریالیسم "غرب" دیگر شکست خورده و اکنون باید مبارزه "اصلی و اصولی" را با "دشمن غدار شرق و عوامل مزدور آن" آغاز کرد. این حرف به معنی این است که دیگر با سرمایه‌داران بزرگ وابسته، فئودال‌ها، تجار بزرگ، ساواکی‌ها و سایر "عوامل مزدور غرب" کاری نداشته باشیم و همه نیرویمان را صرف خنثی‌ساختن توطئه‌های گوناگون امپریالیسم آمریکا نکنیم. اکنون وقت "مبارزه اصولی" با انقلابیون کمونیست و همه نیروهای میهن‌پرست که از نظر لیبرال‌ها" عوامل مزدور شرق" هستند، فرارسیده است! صباغیان در سخنان خود به نحو "استادانه‌ای" فشرده تمام آن تبلیغات و راه‌حل‌های تجربه‌شده‌ای را که تاکنون به "عقل" امپریالیست‌ها رسیده و ماشین تبلیغاتی امپریالیسم با تمام قوا آن را تبلیغ می‌کند، بیان داشت. امپریالیسم آمریکا و ایادی ریز و درشتش‌می‌دانند که چهره امپریالیست‌ها آنقدر در نزد خلق‌های سراسر جهان رسوا و شناخته شده است که دیگر نمی‌توان مستقیما به تبلیغ برای آن پرداخت. جنایات امپریالیسم آمریکا، کشتارهای وحشیانه مردمی که برای کسب استقلال و آزادی به‌پا خاسته‌اند، غارت منابع ملی وچپاول دسترنج و نیروی کار زحمتکشان تحت ستم، جای هیچگونه دفاعی از این رژیم‌های جنایتکار باقی نگذارده است. امپریالیست‌ها دیگر نمی‌توانند خود را دوست مردم جهان جا بزنند. بنا بر این همه تلاش خود را به‌کار می‌گیرند تا مرز بین نیروهای انقلابی و ارتجاعی را مخدوش ساخته و خشم مردم جهان را علیه خود "نصف" کرده و نیمی از آن را متوجه "ابرقدرت دیگر" یعنی اتحاد شوروی و سایر

بقیه در صفحه ۲۰

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

www.iranarchive.com

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹
سال دوم ــ شماره ۹۵ ــ صفحه ۲۰

خودداری دولت از شرکت در کنفرانس اسلامی اقدام درستی است

● روز یکشنبه هفته جاری "کنفرانس کشورهای اسلامی" در طائف عربستان سعودی گشایش یافت. طبق گزارش خبرگزاری‌ها "بررسی" جنگ عراق با ایران، مسئله فلسطین و به‌اصطلاح مسئله افغانستان از جمله مسائلی است که کنفرانس در برنامه کار خود قرار داده است. اینکه موضع‌گیری‌های کنفرانس باتوجه به ترکیب کشورهای شرکت کننده در آن، که بسیاری کشورهای مرتجع در آن حضور دارند، در کدام جهت سیر می‌کند کم و بیش از قبل معلوم و مشخص است.

در این کنفرانس لیبی به‌خاطر قطع رابطه با رژیم مرتجع عربستان سعودی، ایران به‌علت مخالفتش با حضور صدام متجاوز در کنفرانس و افغانستان بدلیل مخالفت اکثریت کشورهای عضو کنفرانس که از مرتجعین به‌نام هستند با حق قانونی دولت افغانستان به‌عنوان نماینده واقعی این کشور، شرکت ندارند. از طرف دیگر دولت مصر که باتوجه به فشار نیروهای ترقیخواه و خلق‌های منطقه و افشای خیانت‌هایش علیرغم میل باطنی این مرتجعین از کنفرانس اخراج شده نیز در کنفرانس حضور ندارد.

مروری بر سابقه این قبیل کنفرانس‌ها و ماهیت غالب نیروهای شرکت کننده در آن نشان می‌دهد که در این کنفرانس‌ها نیروهای وابسته به امپریالیسم همواره کوشیده‌اند تا تشکیل این کنفرانس‌ها را به وسیله‌ای برای اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های امپریالیسم آمریکا در منطقه تبدیل نمایند. به‌عنوان نمونه می‌توان گفت که کنفرانس‌های سران و یا وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی هرگز عملی مشخص برای دفاع از منافع خلق فلسطین و مقابله با تجاوزگری‌های رژیم صهیونیستی اسرائیل ارائه نداده و قطعنامه‌هایش در حد حرف باقی مانده است و یا در طرح به‌اصطلاح مسئله افغانستان نیروهای وابسته به‌امپریالیسم هدف مقابله با خلق افغان، خدمت به مطامع تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا، به‌راه انداختن کارزار ضدکمونیستی و دفاع از نیروهای فئودالی وابسته افغانی را مد نظر داشته‌اند.

به این ترتیب در طرح دو مسئله فلسطین و به‌اصطلاح افغانستان اهداف این نیروها به‌خوبی آشکار می‌شود و از طرف دیگر دعوت صدام حسین به کنفرانس که یک جنایتکار جنگی و تجاوزگر است بدون هیچگونه موضع‌گیری علیه تجاوز رژیم وی به خاک میهن ما عملا نمی‌تواند جز با هدف توجیه جنایات وی در انظار جهانیان انجام پذیرفته‌باشد و کوشش نیروهای مرتجع در جهت پیدا کردن راه حل صلح بین ایران و عراق نمی‌تواند چیزی جز توجیه تجاوز صدام که عامل اصلی برهم زدن روابط حسن همجواری بین دو کشور است صورت گیرد.

از نقطه نظر نیروهای انقلابی منطقه شرکت و یا عدم شرکت در هر کنفرانس و مجمعی در سطح منطقه و از جمله کنفرانس مورد بحث یک مسئله ثابت و لایتغیر نمی‌باشد. برخورد نیروهای انقلابی به این قبیل مجامع باتوجه به این مسئله تعیین می‌شود که آیا شرکت و یا عدم شرکت در این یا آن شرایط مشخص و با توجه به اهداف و ساخت این مجامع کدام یک به‌سود نیروهای انقلابی و در خدمت مقابله با امپریالیسم دشمن خلق‌های جهان است و کدام یک برضد آن؟

به‌نظر ما عدم شرکت جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس جاری، باتوجه به این که این کنفرانس عملا در خدمت تطهیر تجاوز رژیم صدام و علیه منافع انقلاب ایران جهت‌گیری دارد امری درست و اصولی است و مورد تائید نیروهای انقلابی میهن ما و مخالفت جریان‌ها و نیروهای وابسته به امپریالیسم است. از طرف دیگر به نظر ما جمهوری اسلامی می‌بایست در جهت تامین وحدت مستحکم و پایدار نیروهای ترقیخواه و انقلابی منطقه از قبل با این نیروها به مشورت و مذاکره می‌پرداخت تا حدالامکان برخورد واحدی در رابطه با کنفرانس اتخاذ شود و بدین ترتیب گام‌های عملی حدیدی برای اتحاد پایدار نیروهای ترقیخواه و انقلابی منطقه، امری که ما همواره برآن تاکید داشته‌ایم برداشته شود. عدم اتخاذ مواضع یکسان و مشترک از طرف کشورهای ترقیخواه و پراکندگی در صفوف آنان تنها میدان عمل نیروهای ضدانقلابی را گسترده‌تر می‌کند و امری نیست که به‌سود انقلاب منطقه باشد. تجربه اخیر باید درسی باشد تا جمهوری‌اسلامی بر لزوم نزدیکی و اتحاد با متحدین خود در منطقه بیشتر و بیشتر تاکیدورزد و گام‌های موثرتری در جهت آن به‌پیش بردارد.

عدم انتخاب وزیر امور خارجه به‌علت کارشکنی‌های زیاد و در نتیجه عدم وجود یک طرح و برنامه مدون برای پیشبرد سیاست خارجی ضد امپریالیستی به وسیله جمهوری اسلامی نیز تا حدودی به کمبودهائی‌که اشاره کردیم، کمک کرده است. ما ضمن تائید موضع‌گیری دولت مبنی بر عدم شرکت در کنفرانس یک‌بار دیگر بر ضرورت انتخاب هرچه سریع‌تر وزیر خارجه، طرح یک برنامه مدون در زمینه سیاست خارجی و ضرورت همکاری و اتحاد هر چه بیشتر با نیروهای ترقیخواه و انقلابی منطقه تاکید می‌کنیم. ■

بقیه از صفحه ۱۹

سخنان هاشم صباغیان در...

کشورهای سوسیالیستی کنند. امپریالیست‌ها از این خط مشی تبلیغاتی دو هدف عمده را دنبال می‌کنند:

اول: منحرف ساختن مبارزات ضدامپریالیستی و خارج کردن امپریالیسم آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی از زیر ضرب مبارزات زحمتکشان.

دوم: برگرداندن خشم مردم انقلابی‌و به‌پا خاسته به‌سوی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، جدایی افکندن بین نیروهای انقلابی سراسر جهان و سرکوب جداگانه مبارزات ضد امپریالیستی مردم کشورهای مختلف.

حرف‌های صباغیان در مجلس شورای اسلامی نیز هیچ نیست جز بیان همان خط اصلی ماشین تبلیغاتی امپریالیسم جهانی. اما لیبرال‌های وطنی برای تبلیغ این "خط" با دشواری‌های بزرگی روبرو هستند. دشواری‌هایی که به آنان اجازه نداده توده‌های مردم را به راحتی فریب داده و به زیر پرچم خیانت و سازشکاری بکشانند.

مردمی که هزاران تن از فرزندان انقلابی‌شان به دست امپریالیسم و دژخیمان وابسته به آن به شهادت رسیده‌اند و در نتیجه دهها سال حاکمیت امپریالیسم بر میهنشان جز فقر، گرسنگی و سیه‌روزی هیچ چیزی برای آنها به ارمغان نیاورده است لیبرال‌ها باید تفاله‌های دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیسم را تحویل مردمی بدهند که در سال‌های قبل از انقلاب همواره با سرنیزه‌ها و گلوله‌های آمریکایی کشتار شده‌اند و پس از انقلاب نیز با چنگ و دندان از انقلاب خود در برابر محاصره اقتصادی آمریکایی، تهاجم نظامی آمریکایی، کودتای آمریکایی، جنگ تجاوزگرانه‌ای که بنابه خواست امپریالیسم ایالات‌متحده آمریکا به راه افتاده و ... دفاع کرده‌اند و در کوران سخت مبارزه آگاهی‌شان بسیار افزایش پیدا کرده است. حال چگونه لیبرال‌ها می‌توانند به این مردم که خشم و کینه‌انقلابی نسبت به امپریالیسم آمریکا سرتاپای وجودشان را پر کرده و به‌حق آمریکا را بزرگترین و اصلی‌ترین دشمن خود می‌دانند بیایند و بگویند: نخیر اشتباه می‌کنید، دشمن اصلی آمریکا نیست، بلکه خطر از "شرق" است!

علیرغم میل باطنی لیبرال‌ها، تجارب ۳ ساله انقلاب نشان داده است که مردم قهرمان ایران توی دهان کسانی خواهند زد که بخواهند برای لحظه‌ای مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا را دچار وقفه سازند و تلاش آنها را برای استقلال و آزادی با مانع روبرو سازند. بیخود نیست که آقای صباغیان در ابتدای سخنان خود که تماما به قصد آرایش دادن چهره کریه امپریالیسم آمریکا ایراد کرد و گفت:

"مسئولیت نطق‌های قبل از دستور که بیشتر درد دل نماینده با موکلین خود می‌باشد، به‌عهده خود نماینده است".

صباغیان خود بهتر از هر کسی می‌داند که یاوه‌گوئی‌های او نه‌تنها با خشم و نفرت مردم قهرمان و به‌پا خاسته ما مواجه خواهد شد، بلکه اعتراض نمایندگان ترقیخواه و ضد امپریالیست درون مجلس را نیز برخواهد انگیخت و از این رو خواسته است که از قبل جلوی هرگونه اعتراضی را سد کند و پیشاپیش اعلام کرده که مسئولیت این سخنان با "خود من" است!

آری آقای صباغیان! این لاطائلات نه حرف مردم ایران، نه حرف نیروهای ضدامپریالیست و انقلابی و از جمله نمایندگان ترقیخواه مجلس، بلکه حرف شما و مشتی همفکر لیبرال شماست. حرف مردم ایران این است که:

"ما تا آخر عمر با آمریکا مبارزه می‌کنیم" چرا که **"تمام بدبختی‌های ما زیر سر آمریکاست"**. در این مبارزه هر نیرویی ــ منجمله دوستان لیبرال شما ــ که بخواهند انقلاب ایران را به‌راه سازش و تسلیم در برابر امپریالیسم آمریکا بکشند، از میان صفوف خلق طرد خواهند شد.

www.iran-archive.com

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۹۵ ـ صفحه ۲۱

زحمتکشان روستای زاغمرز ـ مازندران :

با اجرای بند (ج) تهاجم همه جانبه امپریالیسم امریکا را خنثی کنیم

اهالی روستای "زاغمرز" بهشهر در اعتراض به لغو بند ج اصلاحات ارضی اقدام به تهیه طوماری نموده‌اند. در این طومار که امضاء زحمتکشان روستا را به همراه دارد توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا محکوم شده‌است.

روستائیان "زاغمرز" هم چنین مهم‌ترین ضرورت انقلاب را که خود با آن دست به‌گریبانند، به روشنی برمی‌شمارند. آنها می‌گویند:

" در شرایط حساس و سرنوشت‌ساز کنونی برای مقابله با محاصره اقتصادی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا خواست تمامی دهقانان میهنمان است که مسئولین امور، طرح کامل اصلاحات ارضی را به اجرا درآورند و حذف موقت بند ج ملغی اعلام شود. "

روستائیان به درستی بر تاثیرات تعیین‌کننده این اقدام درجهت تقویت جبهه و پشت جبهه مقاومت توده‌ای در مقابل تجاوزات رژیم صدام‌حسین انگشت می‌گذارند. متن طومار آنها خیلی صریح نشان می‌دهد که چه کسانی و چرا دلسوزان واقعی انقلابند. این طومار درسهای زیادی برای مسئولین امور مملکتی دربر دارد. آنها که با لغو بند ج یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب‌را در مخاطره قرار داده‌اند، باید اعتراض سازنده روستائیان "زاغمرز" را به گوش بگیرند. این حرف دل میلیونها زحمتکش روستا است که: **" دولت باید با واگذاری زمین به دهقانان، با مصادره زمین زمینداران بزرگ، با تولید بیشتر، توده‌های هرچه وسیع‌تری را به مقابله با تهاجم همه‌جانبه امپریالیسم امریکا و رژیم مرتجع صدام ترغیب‌نماید. "**

بنام خدا
در شرایطی که انقلاب شکوهمند مردم

حرفهای زحمتکشان روستاها را باید شنید. به خواستهای عادلانه آنان باید جواب داد. صاحبان و مدافعین راستین انقلاب همین توده‌های میلیونی برزگر و کارگرند. حفظ انقلاب تعمیق انقلاب و سرانجام مرگ و زندگی آن در گرو همین امر است. این را طومار زحمتکشان "زاغمرز" به روشنی نشان می‌دهد:

نمایندگان نفتگران را آزاد کنید

● از دستگیری ۶ تن از نمایندگان نفتگران در ماهشهر، شیراز و تهران، نزدیک به یک ماه می‌گذرد. ما ضمن اینکه خواستار آزادی نفتگران زندانی هستیم یادآور می‌شویم اینگونه اقدامات از جانب مسئولان جمهوری اسلامی جز دامن زدن به تشنجات و ایجاد اختلاف و درگیری در صفوف خلق، نتیجه دیگری در بر ندارد. در این شرایط خطیر همه نیروهای مردمی وظیفه دارند، متحد و متشکل همچون یک تن واحد در برابر توطئه‌های امپریالیسم جهانخوار ایستادگی کنند و دشمن متجاوز را از خاک میهن بیرون برانند.

دولت جمهوری اسلامی می‌بایست هرچه زودتر نمایندگان نفتگران و تمامی نیروهای مردمی را که آماده جانبازی در راه مردم و دفاع از استقلال میهن‌اند، و اکنون در پشت میله‌های زندان به سر می‌برند، آزاد کند!

در ضمن نیروهای انقلابی و به‌ویژه نفتگران رزمنده نیز باید عناصر "چپ‌رو" و تفرقه افکن را از صفوف خود طرد کرده و در این شرایط حساس، اختلاف نظرهای خود را با مسئولان و مقامات جمهوری‌اسلامی‌از راه‌های اصولی و مسالمت‌آمیز حل کنند.

به‌امید آنکه، زندان‌ها تنها جایگاه دشمنان خلق و عوامل وابسته به امپریالیسم باشد. ■

www.iran-archive.com

کمک‌های مالی دریافت شده

آ والف
۷۰۹۵
۱۰۷۵
۵۴۳۴
۵۰۲۳
۹۷۳۵۵
۱۲۱۰
۱۰۱۹۲
۱۳۴۱ـم
۱۲۰۱۷
۱۸۶۶
۱۰۰۵
۱۱۴۲
۱۹۰۷
۱۲۵۵۵
۱۲۰۵۵
۴۴۴۴ـم
۱۰۲۴۷
۳۶۵۰
۱۵۱۰
۱۰۲۳
۳۰۲۲۲ـذ
۳۰۲۲۲ـآ
۱۹۳۰
۱۲۰۰
۵۵۰۰
۱۰۳۴۱ـم

ب
۳۲۶۱
۱۰۱۵
۱۵۶۸۰
۱۰۲۵۹
۱۰۵۵۵ـت
۱۰۱۲
۲۶۰۵

۳۱۰۰
۱۰۵۵۵ـت
۱۶۱۳۳
۹۴۸۳
۲۱۱۲
۵۱۳۰
۵۹۰۰
۲۰۰۲۹
۶۶۱۱
۶۶۱۱
۱۰۰۱۹
۲۱۱۸

پ
۲۱۱۸
۵۱۱۲
۱۵۰۱۳
۵۵۱۱
۴۲۱۲ـح
۵۵۵۵
۱۰۵۴
۴۲۲۲
۲۱۱۹
۷۵۵۵
۵۰۹۸
۲۰۴۵
۵۲۷۴
۱۰۳۴۵
۲۰۰۱۰
۳۱۰۰
۱۵۵۵
۵۰۰۲
۴۲۲۲

ت
۱۰۳۳۳
۱۶۰۳

۲۱۲۱
۱۵۱۲
۱۵۷۷

ث
۲۰۰۰۲

ج
۲۳۳۲ـل
۱۷۹۴
۱۵۹۹۹
۱۲۳۳۳
۱۱۱۰
۱۰۱۵۰
۲۰۹۳
۱۲۳۴

ج
۱۴۶۰۰

ح
۵۰۳۰
۲۹۹۹
۳۳۱۷
۲۵۳
۶۵۶۲
۸۲۷
۱۵۰۱۱۰
۵۲۱۲
۳۴۰۰
۵۰۰۲
۱۳۴۰۰

خ
۵۰۰۳
۲۹۹۹

۴۰۰۰
۵۵۵
۵۱۰۰
۹۰۴۱
۵۳۵۱

د
۳۱۸۵
۱۰۱
۷۷۰۰
۵۵۰۰
۷۱۰
۵۵۱۴
۲۸۶۲۳
۱۰۰۰

ذ
۱۱۱۱
۱۰۱۰۱
۱۵۰۰۴

ر
۲۱۵۰
۴۱۶۸
۲۶۶۸
۵۰۶
۵۶۱۰
۱۴۹۸
۶۰۳۸
۵۰۰ـع
۱۴۹۶
۲۰۹۱۰
۳۴۴۴
۱۳۳۳

۲۶۶۸

ز
۳۶۶۶
۵۱۱۰۰
۶۰۶۱
۳۰۰۰
۵۱۱۰
۳۰۶۱۴

ژ
۲۰۲
۵۵۵۵
۶۲۶۱
۱۰۰۱۰ـب
۱۰۶۰۱
۵۴۴۵
۱۳۷۹

س
۵۱۳۰
۲۰۱۱
۲۰۰۲۲
۱۱۱۱
۱۱۰۰
۲۵۰۴
۶۶۵۶
۱۴۸۱۰
۲۰۱۵۰
۱۰۵۰
۳۰۳۵۱
۱۱۱۱
۲۱۰۰
۲۳۳۳
۴۰۰۲۲
۳۵۰۰

ش
۲۴۱۵
۷۲۴۵

۵۵۰۵
۲۲۲۲ـالف
۶۲۲۲
۵۹۹۹
۵۰۱۱
۱۶۰۰۰ـج
۲۰۰۰
۲۱۰۲
۷۰۰۰
۲۰۹۱۰
۱۰۱۲۵
۵۵۵۵
۱۱۲۳
۵۲۲۲
۲۰۱۳۶
۵۲۳۱
۳۸۵۲
۲۱۳۵

ض
۱۲۹۹
۲۹۹۹
۱۰۰۴۰۰ـط
۵۵۰
۱۵۴۳۴
۲۵۰۸
۴۰۰۸
۱۵۰۱
۳۶۸۸۵

ط
۳۲۷۵

ع
۰۰۲۰۱۸۰
۵۵۵۵
۱۱۱۱
۱۱۱۸
۱۱۱
۲۰۱۸۰
۲۱۱۱

۲۱۳۳
۱۶۱۱
۱۳۴۲
۶۱۱۱
۱۱۰۲
۱۱۰۱

غ
۵۹۴۰
۲۲۲۲
۲۳۵۸

ف
۵۸۲۲
۳۰۰۰
۱۱۰۰
۱۱۰۲
۷۴۵۰
۴۰۲۲
۱۰۴۵۰
۳۴۵
۷۴۵۹
۴۲۳۲
۶۱۲۳
۵۰۵
۵۰۴۵۱
۵۰۰۴
۵۰۰۶
۵۳۲۱
۲۱۲۰
۱۰۳۲۱
۵۸۲۹
۴۱۱۹
۱۰۵۰۲
۷۴۵۹
۶۲۳۴

ق
۸۵۵۵
۵۸۳۳
۵۱۰۰

ک
۱۳۳۸
۳۲۵۱
۳۰۷۵۰
۱۳۱۱
۳۳۵۰
۵۵۰۰
۵۶۷۵۰
۱۱۷۵۰
۵۱۰۰
۳۷۵۸
۱۴۵۳۱
۵۳۳۳
۵۳۲۱
۵۰۰۰
۲۵۳۴۵ـر
۱۰۱۱۳ـض
۳۰۷۵۰

گ
۴۱۳۰
۷۲۲۲
۳۰۳۵۰
۱۰۹۸
۱۰۰۲۰

ل
۲۰۰ـد
۱۰۰۶
۱۰۰۷
۳۰۶۳
۵۳۳۵

م
۵۱۴۶
۱۰۸۹۸
۱۹۰۸
۴۶۱۲
۱۰۱۰۸
۲۱۰۰

۱۲۱۱ـق
۲۰۵۹ـس
۳۷۷۷
۴۱۵۰
۱۱۳۸
۵۲۶۵
۱۱۴۴
۶۹۱۷
۳۳۰۰
۵۵۶۶ـن
۱۰۰۶۸
۷۲۳
۳۲۹۰
۳۳۳۳
۱۴۰۰
۴۹۲۶
۱۱۲۵
۱۵۰۰
۱۵۱۲
۷۲۲
۳۰۳۲
۱۵۹۸۷
۵۵۵۵
۵۰۶۲
۲۶۴۶
۳۰۰۱
۳۰۰۵
۴۰۰۳
۱۲۲۲
۲۲۰۰۰
۲۱۲۴
۲۵۶۱۸
۳۱۲۳
۲۰۰۰ـل
۲۰۰۰ـض
۱۰۰۳۳
۱۰۰۲۷
۵۰۰ـد
۱۲۹۵
۵۳۳۳
۱۰۱۲۷
۲۴۰۰
۱۰۰۳۳

۳۷۱۱

ن
۵۱۱۴ـم
۲۱۲۰
۳۰۰۱
۳۳۲۸
۱۰۷۴
۹۳
۵۵۶۰
۲۲۲۲
۱۲۰۳
۲۰۸۲
۱۰۰۰۵
۲۰۸۰

و
۲۱۴۰
۱۱۴۶
۴۳۳۳
۷۲۲
۱۵۰۲۵
۲۸۶۹
۷۱۰۱

ه
۳۲۱۷
۴۱۲۳
۱۹۰۸۱
۱۹۱۱
۴۱۷۵

ی
۳۲۲۲
۶۳۶
۱۰۰۰۱

بدون حرف اول نام
۲۵۳۷
۱۰۰۲
۸۱۵
۲۵۰۰
۱۴۳۳
۵۰۲۲۵
۶۲۲
۸۰۰۰

نادژدا ۱۰۰۰ ریال
عده‌ای از کارگران هوادار از اهواز ۲۶۰۰ ریال
کارگر نفت ۵۰۰ ریال
رفقای راقبال هند هدیه شما رسید.
۵۰۰۵ س ـ ج ـ ف ۱۰۰۰۰ ریال
مادر "و" هدیه شما رسید
رفیق ایدن از سلماس هدیه شما رسید
۱۱ هزارتومان، مادر "ش" سنندج
کازرون ۵۰۰۰ ریال
ک ـ دانش‌آموز از نورآباد ۱۰۰ ریال
ر ـ ۱۱۱۱ ۱۰۰۰ ریال رسید

سرباز ۱۰۰۰ ریال پیشگام هنرستان نهاوند ۱۰۰۰۰ ریال
هدیه رفیق مادر از ارومیه ۱۲۰۰ ریال
رفیق به ـ ع متحدین از سراب هدیه‌تان رسید.
پیشگام مرند ۱۴۰۰۰ ریال هدیه دانش‌آموز پیشگام خوشگو شبستر ۲۵۰۰ ریال
هدیه رفقای میز کتاب لندن رسید
پیشگام دبیرستان دانشگاه ملی ۵۰۰۰۰ ریال
هواداران خیابان انقلاب ۴۰۰ ریال
دانشجو ـ سوئد ـ لین شروینگ ۱، ۴۰۰۰ لین شروینگ ۲، ۴۰۰۰ ع ـ ف ۱۳۸ هدیه شما رسید
رفیق ن هدیه شما رسید
پرسنل انقلابی وظیفه ۵۰۴۰
پیشگام عاصمی ۳۰۰۰ ریال
پیشگام اشرف ۱۰۰۰۰ ریال
دانش‌آموزان محمودزاده ۵۰۰۰ ریال
معاودین عراقی ۱۵۰۰ ریال
آزاده ۲۰۰ ریال
هدیه رفیق آذر سکه رسید
۱۰۰۰ کتاب رسید
شاهین ۸ ساله و شیدا ۱۲ ساله ۲۰۰۰ ریال باکادو SP
رفیق ۱۱۱ ۲۱۱۱
ف ـ م ـ ۵۰۰ از زندان
در کار ۹۳ دو عدد کد اشتباه چاپ شده بود:
۱ـ پیشگام عاصمی، پیشگام ناصحی آمده بود
۲ـ محمود ز ۴۰۰، محمود ر ۴۰۰ آمده بود،
بدینوسیله تصحیح می‌گردد.

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹
سال دوم ــ شماره ۹۵ ــ صفحه ۲۲

بقیه از صفحه ۳

برای درهم شکستن ...

می‌داشتند که خط امام از اول هم ضدامپریالیست نبود و برخی دیگر نیز می‌گفتند پس از تشکیل دولت موقت خط امامی‌ها با سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم، ارگان "سازش" تشکیل داده‌اند و اگر هم در گذشته "گرایشات" ضدامپریالیستی داشته‌اند، حالا دیگر ماهیت آنها کاملا فرق کرده‌است آنها دیگر نماینده خرده‌بورژوازی نیستند. آنها حالا نماینده‌سرمایه‌داران وابسته شده‌اند و از این قبیل...

بینش "چپ" پس از تسخیر سفارت نیز مبارزه طبقاتی میان خط امامی‌ها و لیبرال‌ها را باور نکرد و آن را یک "عوام‌فریبی ضدامپریالیستی" دانست. این بینش که ما در گذشته از آن بری نبودیم، پیام نوروزی آیت‌الله‌خمینی را نیز گام دیگری در پیشروی به سوی "سازش" اعلام داشت اعلام شرایط برای آزادی گروگانها را نیز از سوی مجلس "سازش" با امپریالیسم خواند و طبعا امروز نیز این بینش حل مسئله گروگانها را "سازش" می‌خواند. اما ببینیم به راستی در دو سال گذشته که بینش "چپ" پی‌درپی "سازش" های حکومت جمهوری اسلامی را با امپریالیسم اعلام داشته، پروسه حرکت حکومت به کدام سو بوده است، به سوی سازش با امپریالیسم و یا در راستای دیگری؟ ببینیم در دوسال گذشته حکومت چقدر در نزدیکی با امپریالیسم پیش رفته است؟ اگر پیش‌بینی‌ها و تحلیل‌های بینش "چپ" درست می‌بود، اگر حکومت آنچنان که "چپ‌روها" پیش‌بینی کرده‌اند، هر روز گام تازه‌ای درجهت "سازش" با امپریالیسم برداشته بود، قاعدتا الان باید دوستان امپریالیسم در حکومت تقویت شده بودند، سیاست حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با سیاست‌های دو سال پیش و یکسال پیش به اصطلاح "چپ روهـــا" "سازشکارانه‌تر باشد و امپریالیسم نیز "با حسن نظری" بیش از گذشته به جمهوری اسلامی بنگرد. اما آیا براستی چنین است؟

هرکس که یک جو عقل و یک جو صداقت داشته باشد به آسانی می‌بیند که پروسه تحول جمهوری اسلامی کاملا در مسیری عکس پیش‌بینی‌های "بینش چپ" سیر کرده و در مسیری عکس مسیر "سازش" به پیش‌رفته است.

اگر در گذشته دولت لیبرال‌ها بر سر کار بود و سیاست گام به‌گام را به پیش می‌برد، امروز دولت را خود نیروهای خط امام تشکیل می‌دهند. اگر در گذشته نزیه‌ها، مقدم‌مراغه‌ای‌ها، امیر انتظام‌ها، مدنی‌ها، قطب‌زاده‌ها، میناچی‌ها، ایزدی‌ها و امثال آنان بر پست‌های حساس حکومتی تکیه داشتند امروز در برابر دیدگان نگران و خشمگین امپریالیستها این عناصر مورد حمایت امپریالیسم، از قدرت طرد شده‌اند و همانگونه که می‌دانیم برخی فراری، برخی زندانی شده‌اندو اکثرا به صف مخالفان دو آتشه حکومت پیوسته‌اند. اگر تاهمین شش ماه پیش در وزارت خارجه سیاست گسترش رابطه با پاکستان و ترکیه تعقیب می‌شد امروز سیاست گسترش رابطه با دولتهای ترقیخواه لیبی سوریه، یمن دمکراتیک والجزایر در منطقه تعقیب می‌شود و گسترش رابطه با دولتهای سوسیالیستی جهان نیز هرچند به کندی دنبال می‌شود.

آیا همین تحولات کافی نیست که به "چپ‌روها" نشان دهد همه پیش‌بینی‌های آنها مبنی بر پیشروی خط امام به‌سوی "سازش" با شکست روبرو شده و بجای آن روند تعمیق انقلاب ادامه یافته است؟ اگر کافی نیست ما شواهد بیشتری را مثال می‌آوریم.

به سیاست‌های تبلیغاتی رادیو ــ تلویزیون و روزنامه‌های اطلاعات و کیهان که به دست خط امامی‌ها اداره می‌شوند، نگاه کنیم. دردوره‌دولت‌موقت بازرگان رادیو ــ تلویزیون نه‌تنها از تبلیغ علیه امپریالیسم بلکه حتی از بردن نام امپریالیسم نیز هراس داشت و بجای آن مبلغ سیاست سازش با امپریالیسم بود. اما امروز می‌بینیم که رادیو ــ تلویزیون نقش مهم در شناساندن ماهیت جنایتکارانه امپریالیسم به توده‌های میلیونی ایفاء می‌کنند. اگر روزنامه‌های اطلاعات و کیهان تا همین اواخر در دست لیبرال‌ها بود، امروز می‌بینیم که این دو روزنامه کثیرالانتشار دولتی که صدهاهزار خواننده در سراسر ایران دارند، سیاست خط امام را پیش می‌برند، ماهیت امپریالیسم و لیبرال‌ها را افشاء می‌کنند و در جهت تداوم و تعمیق انقلاب گام برمی‌دارند. کافی است یک شماره اطلاعات زمان دولت موقت بازرگان را با امروز مقایسه کنیم. کافیست یک شماره کیهان همین چند ماه پیش را با امروز مقایسه کنیم تا ببینیم مسیر حوادث به کدام سو بوده است؟ آیا همه این تحولات نشانه ورشکستگی پیش‌بینی‌ها و تحلیل‌هائی که سیر تحولات را درجهت "سازش" با امپریالیسم می‌دید و هر اقدام حکومت را گامی در این جهت معرفی می‌کرد. نیست؟

اگر در زمان دولت موقت، امپریالیستها با شادمانی از "چشم‌انداز گسترش روابط" با دولت ایران حرف می‌زدند، اینک ماههاست که امپریالیسم برای سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی همه توان خود را به کار گرفته است. راستی چرا استراتژی امپریالیسم سرنگونی جمهوری اسلامی شده‌است؟ آیا سیاســت امپریالیستها مبنای طبقاتی ندارد؟ آیا همین تحول در استراتژی امپریالیستها مبنای طبقاتی ندارد؟ آیا همین تحول در استراتژی امپریالیستها نشانه تعمیق انقلاب و ورشکستگی تحلیل‌های "بینش چپ" نیست؟ می‌توان دهها دلیل و مدرک دیگر در جهت این استدلال ارائه داد. "بینش چپ" هر نیروئی که واقعیت امر را به توده‌ها نشان دهد، هرکس که بکوبد حل مسئله گروگانها به سود انقلاب است، "سازشکار" می‌خواند و او را به "فریب توده‌ها" متهم می‌سازد.

راه‌کارگر، اقلیت، اشرفی‌ها، سازمان‌مجاهدین‌وغیره بدون‌آنکه‌لحظه‌ای‌به‌این‌واقعیت‌ها بیندیشند، هر یک شتابزده تلاش دارد در افشای اقدام اخیر حکومت جمهوری اسلامی دیگری را پشت سر گذارد. کجای کار این جریانات می‌لنگد؟ چرا این جریانات به سادگی هر اقدام حکومت را گامی درجهت "سازش" معرفی می‌کنند و با وجود آنکه همه پیش‌بینی‌هایشان یکی پس از دیگری غلط از آب در می‌آید، باز هم همان اشتباهات اساسی خود را تکرار می‌کنند؟ پاسخ به این سؤال خود به بهترین وجهی نشان می‌دهد که حکومت جمهوری اسلامی در اساس برمبنای منافع و مصالح طبقاتی خود اقدام می‌کند و حل مسئله گروگانها را نیز بر همین مبنا پیش برده‌است.

مارکسیسم ــ لنینیسم می‌آموزد که قاعـــده و قانونمندی آن است که هر نیروی براساس ماهیت طبقاتی خود حرکت کند و نیز می‌آموزد که نمایندگان طبقه کارگر بر مسیر حرکت خود آگاهی کامل دارند و در هر مرحله‌براساس برنامه و سیاست‌های مشخص حرکت می‌کنند، که طبقه سرمایه‌دار نیز کم و بیش از منافع طبقاتی خود آگاهی دارد اما خرده‌بورژوازی بنا به ماهیت دوگانه‌اش در بسیاری موارد با تزلزل و تردید و در خیلی موارد بدون آنکه مسیری را که بر بستر منافع طبقاتی‌اش انطباق دارد از ابتدا باز شناسد در کلیت حرکتش بر بستر منافع طبقاتی خود به حرکت در می‌آید و از همین روست که حرکت او بیش از حرکت دیگر طبقات و اقشار با زیگزاگ‌ها و انحرافات لحظه‌ای و موقت از بستر اصلی آن همراه است. اما به هرحال قانونمند حرکت می‌کند و در جریان حرکت خویش بتدریج خود را هرچه بیشتر با منافع طبقاتی خود منطبق می‌سازد بطوریکه در یک مرحله معین علیرغم زیگزاگ‌ها و تزلزلات بر اساس منافع طبقاتی خود حرکت می‌کند. از این روست که تحلیل مارکسیستی یعنی تحلیل طبقاتی علمی به ما حکم می‌کند که با مشاهده تزلزلات و تردیدهای خرده‌بورژوازی دچار تزلزل و تردید نشویم بلکه با اعتقاد به قانونمندی‌های جهان‌شمول مارکسیسم بپذیریم که تحلیل ما باید بر این اساس باشد که خرده‌بورژوازی قاعدتا مطابق منافع طبقاتی خود حرکت می‌کند وحتی اگر کاری خلاف مصالح طبقاتی خویش از آن سر زند در پروسه حرکتی خود، آن را تصحیح خواهد کرد. اما وقتی تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های خود را براساس درک طبقاتی و مارکسیستی ــ لنینیستی از جریانات سیاسی قرار ندهیم (عارضه‌ای که بینش چپ بدان مبتلا است) به راحتی ممکن است هر اقدام و حرکـــت خرده‌بورژوازی را "سازش" با امپریالیسم یعنی امری مخالف ماهیت و منافع طبقاتی آن که مبارزه علیه امپریالیسم را در او برمی‌انگیزد اعلام کنیم. در واقع هربار که "بینش چپ" اعلام می‌کند که خرده‌بورژوازی با امپریالیسم به "سازش طبقاتی" رسید، بی‌اعتقادی خود را به اساسی‌ترین اصول مارکسیسم ــ لنینیسم بیان می‌دارد.

وقتی "بینش چپ" می‌گوید خرده‌بورژوازی پس از انقلاب با به قدرت رسیدن، ماهیت دیگری پیدا کرد، وقتی "بینش چپ" انتخاب بازرگان، پیام نوروزی، اعلام شرایط آزادی گروگانها و حل مسئله گروگانها را یکی پس از دیگری "سازش طبقاتی" با امپریالیسم می‌خواند در واقعیت امر این بینش در هر یک از پیش‌بینی‌های خود، بی‌اعتقادی خویش را به ابتدائی‌ترین اصول مارکسیسم ــ لنینیسم اعلام می‌دارد و همین بی‌اعتقادی است که امروز "چپ‌روها" را در سیاست و تاکتیک در کنار بورژوازی یعنی دشمن طبقاتی طبقه کارگر قرار داده است.

ما بر اساس این اعتقاد که جمهوری اسلامی علی ــ القاعده حرکت خود را بر بستر منافع طبقاتی خویش منطبق می‌سازد، اعلام می‌داریم که دولت با درکی که از منافع و مصالح طبقاتی خود دارد و بهتر بگوئیم با موضع طبقاتی خود، مسئله گروگانها را حل کرده است بر همین اساس است که اعتقاد داریم دولت جمهوری اسلامی مسئله گروگانها را نه باهدف "سازش" با امپریالیسم بلکه با هدف پیشبرد سیاست‌های خود حل کرده‌است اما بی‌درنگ باید اضافه کنیم که لیبرال‌ها و دیگر نیروهای سازشکار که همواره برای پیشبرد خط سازش و برای گسترش رابطه با غرب، خواستار حل مسئله گروگانها بوده‌اند، با حل این مسئله و لغو تحریم اقتصادی امپریالیستها تلاش برای گسترش رابطه با امپریالیسم امریکا و در شرایط کنونی ایران برای گسترش رابطه با امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی را دهچندان کرده‌اند. ما در این خصوص در کار ۸۳ چنین نوشتیم:

"سیاست لیبرال‌ها و سایر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم این است که حل مسئله گروگانها را به سرآغاز بهبود روابط با امپریالیسم امریکا بدل سازند آنها هم‌اینک چنین استدلال می‌کنند که ما برای پیروزی در این جنگ باید با امریکا کنار بیائیم و برای پیروزی بر امپریالیسم، باید با امپریالیسم بیشتر دوستی کنیم. از همینجا بخوبی می‌توان فهمید که چرا لیبرال‌ها برخلاف آیت‌الله‌خمینی که می‌گوید ما با امریکا در جنگیم، می‌گویند ما با امریکا در حال جنگ نیستیم.

پس از حل مسئله گروگانها و پس از جنگ، لیبرال‌ها باز هم تبلیغ خواهند کرد: برای بازسازی خرابی‌های جنگ و به راه انداختن صنایع، باید روابط اقتصادی ایران با امریکا ژاپن و اروپای غربی گسترش یابد تا سیاست "گام به گام" نزدیکی با امپریالیسم و نابودی انقلاب را دنبال کنند. بنابراین لیبرال‌ها و همه نیروهای مورد حمایت امپریالیسم تلاش دارند برنامه حل مسئله گروگانها را در خدمت تضعیف نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی، دور کردن ایران از اردوگاه سوسیالیسم و دولتهای مترقی جهان و نزدیک ساختن "گام به گام" ایران به امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا درآورند."

آنها به‌ویژه تلاش دارند زیر شعار ارتجاعی "دو ابرقدرت" و امثال آن، ایران را از جبهه جهانی انقلاب دور ساخته و حلقه‌های وابستگی را محکم سازند. آنها تلاش دارند سیاست‌های ضدانقلابی خود را در مجلس، در دولت و بطورکلی در میان نیروهای خط امام تبلیغ کنند و با بهره‌گیری ازهراس و تزلزل نیروهای خط امام از نزدیکی به جبهه انقلاب، خط سیاسی خود را پیش برند.

ما از هم‌اکنون به مجلس شورای اسلامی، به دولت و بطور کلی به همه نیروهای خط امام درقبال این تلاش‌های خط سازش هشدار می‌دهیم و اعلام می‌داریم که هرگونه عقب‌نشینی دربرابر خط سازش و هرگونه تزلزل و تردید در برابر آن، هر گرایشی که بخواهد ایران را بجای نزدیکی به دولتهائی که گسترش رابطه با آنها ضامن استقلال میهن ماست، به امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی نزدیک سازد، دشمنی با مصالح انقلاب می‌دانیم و باردیگر تاکید می‌کنیم که امپریالیسم جهانی یک پیکر واحد است و گسترش رابطه‌با هریک از اعضای این پیکر به مفهوم تحکیم وابستگی است.

ما به‌ویژه در این شرایط وظیفه همه نیروهای انقلابی و همه مردم آگاه ایران می‌دانیم که تبلیغات نزدیکی با امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی را وسیع

بقیه در صفحه ۲۳

www.iran-archive.com

مسلح کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلق‌های ماست

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹
سال دوم ــ شماره ۹۵ــ صفحه ۲۳

بقیه از صفحه ۲۲

برای درهم شکستن ...

خنثی سازند و علیه هر گرایشی از این نوع با قاطعیت مبارزه کنند.

بررسی مختصر مفاد بیانیه دولت الجزایر

بررسی مفاد بیانیه دولت الجزایر که بر اساس ۴ شرط پیشنهادی مجلس شورای اسلامی تنظیم شده‌است نشان می‌دهد که مطابق این توافقنامه دولت امریکا بخشی از ۴ شرط ایران را همزمان با آزادی گروگانها اجرا کرده و تعهد نموده است که قسمت عمده‌ای از بخش دیگر آن را نیز به اجرا درآورد.

در مقدمه این توافقنامه چنین آمده‌است:

"دولت الجزایر با دو دولت درباره تعهداتی که هر یک آماده‌است برای حل این بحران در چهارچوب شرایط ذکر شده در مصوبه مورخ ۱۱ آبان ۱۳۵۹ (۲ نوامبر ۱۹۸۰) مجلس شورای اسلامی ایران به عمل آورد، مشورت‌های گسترده‌ای انجام داده‌است. بر اساس اعلام پذیرش رسمی از جانب ایران و ایالات متحده اینک دولت الجزایر اعلام می‌دارد که تعهدات متقابل زیر توسط دو دولت به عمل آمده‌است."

همچنان که در بیانیه دولت الجزایر ذکر شده، توافقنامه" در چهارچوب ۴ شرط ذکر شده در مصوبه مجلس شورای اسلامی ایران" تنظیم شده‌است.

ما خلاصه تعهدات پذیرفته شده از جانب دولت امریکا را که در این بیانیه آمده‌است، به‌اختصار مرور می‌کنیم:

ماده یک بیانیه دولت جمهوری الجزایر چنین‌است:

ماده ۱ــ عدم مداخله در ایران

۱ــ ایالات متحده امریکا تعهد می‌نماید که سیاست ایالات متحده این است و از این پس این خواهد بود که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، سیاسی و یا نظامی در امور داخلی ایران مداخله ننماید.

وقتی نوشته بالا را با شرط اول مجلس مقایسه کنیم می‌بینیم که جمله "سیاست ایالات متحده این است" که قطعا به ابتدای شرط اول مجلس افزوده شده معنی و مضمون آن را تغییر داده و با آنچه مقصود مجلس بوده تفاوت پیدا کرده‌است، لیکن پس از این جمله شرط مجلس آورده شده‌است. قابل ذکر است که گنجاندن این تعهد در بیانیه همچنان که قبلا تاکید کرده بودیم، تنها دارای اهمیت سیاسی است و طبعا هیچ ضمانت اجرائی ندارد. قطعا امپریالیسم آمریکا و همه امپریالیستها آنچنان که در سرشت تجاوزکارانه امپریالیسم است به هر وسیله‌ای که بتوانند، چه سیاسی و چه نظامی، چه مستقیم و چه غیر مستقیم در امور ایران دخالت خواهند کرد. چنانکه هم‌اکنون با ترغیب رژیم مرتجع صدام و حمایت از آن ماههاست درجبهه‌ای وسیع علیه‌انقلاب‌ایران می‌جنگند. با اینهمه از نقطه‌نظر سیاسی مجبور کردن امپریالیسم امریکا به پذیرش چنین تعهدی بنوبه خود یک پیروزی سیاسی برای انقلاب‌ایران‌است

خلاصه شرط دوم و سوم مجلس چنین‌است:

۲ــ آزاد کردن همه سرمایه‌ها و کلیه اموال ایران و ازمیان برداشتن همه موانعی که دولت امریکا از ۲۳ آبان ۵۸ در راه دخل و تصرف دولت ایران در سرمایه‌ها ودارائی‌های ایران ایجاد کرده‌است.

۳ــ لغو کلیه اقدامات اقتصادی ومالی علیه ایران و اعلام ابطال کلیه دعاوی از جانب اشخاص حقوقی و حقیقی که در رابطه با تسخیر مرکز جاسوسی امریکا عنوان شده‌است.

توجه به بندهای ۳ تا ۱۱ بیانیه دولت جمهوری الجزایر نشان می‌دهد که امپریالیسم امریکا شرایط دوم و سوم مجلس شورای اسلامی را پذیرفته و اجرای آنها را نه همزمان با آزادی گروگانها که خواست مجلس بود بلکه پس از حل مسئله گروگانها تعهد کرده‌است.

در بند ۱۰ بیانیه چنین آمده‌است:

"به محض صدور گواهی مذکور در بند ۳ توسط دولت الجزایر، ایالات متحده تمام تحریم‌های تجاری را که از ۱۳ آبان ۱۳۵۸ (۱۴ نوامبر ۱۹۷۹) تاکنون علیه ایران اعمال گردیده‌است، لغو خواهد نمود."

در بند ۴ نیز چنین آمده است:

"به محض انجام ترتیبات ضروری مربوط به حساب مشروط نزد بانک مرکزی، ایالات متحده تمام سپرده‌ها و اوراق بهاداری را که در روز ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ یا پس از آن در دفاتر شعب خارجی بانکهای مرکزی ثبت شده است، به همراه بهره متعلقه تا ۳۱ دسامبر ۱۹۸۰ به بانک مرکزی، حساب بانک مرکزی الجزایر، منتقل خواهد کرد که نزد بانک مرکزی در حساب بانک مرکزی الجزایر خواهد ماند تا زمانی که برگشت یا انتقال آنها طبق بند ۳ مذکور در فوق الزام‌آور گردد."

در بندهای دیگر نیز انتقال دیگر دارائی‌های ایران به حساب بانک مرکزی الجزایر و در برخی موارد به خود ایران تعهد شده‌است مثلا در بند ۹ چنین آمده است:

"با پذیرش این بیانیه و بیانیه حل‌وفصل ادعاهای منضم به آن، توسط ایران و ایالات متحده و با صدور گواهی مشروح در بند ۳ بالا توسط دولت الجزایر، ایالات متحده بر اساس مفاد مقررات قانونی قبل از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ این کشور، ترتیبات لازم برای انتقال تمام اموال ایران را که در ایالات متحده و در خارج موجود می‌باشد و در چهارچوب بندهای فوق ــ الذکر قرار نمی‌گیرد، به ایران خواهد داد."

بررسی بندهای ۳ تا ۱۱ نشان می‌دهد که امپریالیسم امریکا برای آزادی گروگانها ضمن قبول تعهد اجرای شرایط ۲ و ۳ مجلس، بخشی از خواسته‌های ایران‌را که‌در شرایط دوم و سوم مجلس آمده‌است، همراه با آزادی گروگانها به اجرا درآورده و متعهد شده‌است که بقیه خواسته‌ها را حتی‌الامکان و در اسرع وقت به اجرا درآورد. به این مسئله که خود این تعهدات دولت امریکا چه اهمیتی دارند و اگر امپریالیسم امریکا از اجرای آن سر باز زند تا چه حد باعث رسوائی و بی‌اعتباری هرچه بیشتر امپریالیسم درجهان خواهد شد، در آخر همین بررسی اشاره خواهیم کرد.

شرط چهارم مجلس را می‌توان چنین خلاصه‌کرد:

بازپس دادن ثروت‌هائی که شاه از مردم ایران غارت کرده‌است.

در این مورد در بیانیه دولت الجزایر چنین آمده است:

ماده ۴ــ برگشت دارائی‌های خانواده شاه سابق:

۱۲ــ به محض صدور گواهی مذکور در بند ۳ توسط دولت الجزایر، ایالات متحده اموال و دارائی‌های موجود در امریکا را که تحت‌کنترل وراث شاه سابق و یا هر یک از بستگان نزدیک وی بوده و به عنوان خوانده از جانب ایران به منظور برگرداندن اموال و دارائی‌های متعلق به ایران در دادگاه‌های ایالات متحده برعلیه آنان طرح دعوی می‌شود مسدود و انتقال آنها را ممنوع خواهد نمود. دستور انسداد اموال و دارائی‌های هر یک از خوانندگان و همچنین ماترک‌شاه سابق تا پایان جریان دادرسی به قوت خود باقی خواهد بود. تخلف از دستور انسداد مستوجب مجازات‌های کیفری و مدنی مقرر در قوانین ایالات متحده خواهد بود."

دولت امریکا متعهد شده‌است که به تمام اشخاص مقیم در حوزه قضائی امریکا دستور دهد که ظرف ۳۰ رور کلیه اطلاعات موجود نزد آنها در رابطه با اموال و دارائی‌های مذکور در بند ۱۲ را به منظور ارسال‌به ایران به خزانه‌داری ایالات متحده گزارش دهند و تاکید شده‌است که "تخلف از این مقرره مستوجب مجازات‌های کیفری و مدنی مندرج در قوانین ایالات متحده خواهد بود."

اجرای بخش مهمی از شرایط مجلس و قبول تعهد از جانب دولت‌امریکا مبنی‌بر اجرای بخش دیگر شرایط مجلس درقبال آزادی گروگانها برخلاف تبلیغات لیبرال‌ها و بنی‌صدری‌ها برای انقلاب ایران پیروزی سیاسی‌است. هرچند که بخشی از شرایط مجلس به مرحله اجرا درنیامده اما امپریالیسم ناچار شده‌است اجرای قسمت مهمی از این بخش از این شرایط را تعهد کند، اگر امپریالیسم امریکا تعهداتی را که پذیرفته است به مرحله اجرا درنیاورد قطعا همین مسئله باعث بی‌اعتباری و رسوائی هرچه بیشتر امپریالیستها خواهد شد و دولت امریکا را به عنوان یک طرف بی اعتبار که به آسانی تعهدات‌پذیرفته خود را نقض می‌کند، معرفی‌خواهد کرد که این قطعا سیاست خارجی امپریالیسم امریکا را دچار مشکلات جدی خواهد ساخت. بنابراین برخلاف ادعای لیبرال‌ها و بنی‌صدری‌ها که درصددند بیانیه دولت جمهوری دمکراتیک الجزایر را بی‌اعتبار جلوه دهند، این بیانیه درکل خودهرچند که همه شرایط مجلس را تامین نکرده‌است، اما یک پیروزی سیاسی برای جمهوری اسلامی است و برای امپریالیسم امریکا که پس از چهاردهماه بازداشت گروگانها تازه با پذیرش این‌شرایط توانسته‌است آنهارا آزاد سازد. یک‌شکست جدید به حساب می‌اید.

همانگونه که در شماره پیش نیز تاکید کردیم، دولت جمهوری اسلامی باید همچنان برای اجرای مفاد این تعهدات به مبارزه خود ادامه داده و هرکجا که امپریالیسم امریکا در صدد نقض تعهدات پذیرفته شده برآمد، وسیعا علیه آن به افشاگری دست زند.

نکته درخور توجه دیگری که در این بیانیه آمده این است که اختلاف بین دولت جمهوری اسلامی و دولت امریکا بر سر تفسیر هر یک از مفاد بیانیه و بر سر نحوه اجرای" تعهداتی که مطابق بندهای ۱۲ تا ۱۵ به عهده ایالات متحده می‌باشد. توسط یک هیئت داوری بین‌المللی که مورد قبول دولت ایران و دولت‌امریکا باشد، حل می‌گردد و "چنانچه هیئت مزبور تشخیص دهد که در نتیجه قصور ایالات متحده در اجرای تعهد ایران متحمل خساراتی گردیده است، حکم مقتضی به نفع ایران صادر می‌کند که این حکم در دادگاههای هر کشوری و مطابق قوانین آن کشور به وسیله ایران می‌تواند به موقع اجرا گذاشته شود."

---

*ما از هم‌اکنون به مجلس شورای‌اسلامی، به دولت و بطورکلی به همه نیروهای خط امام درقبال این تلاش‌های خط‌سازش هشدارمی‌دهیم و اعلام می‌داریم که هرگونه عقب‌نشینی دربرابر خط سازش و هرگونه تزلزل و تردید دربرابر آن، هر گرایشی که بخواهد ایران را بجای نزدیکی به دولتهائی که گسترش رابطه با آنها ضامن استقلال میهن ماست، به‌امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی نزدیک‌سازد، دشمنی با مصالح انقلاب می‌دانیم و بار دیگر تاکید می‌کنیم که امپریالیسم جهانی یک پیکر واحد است و گسترش رابطه با هریک از اعضای این پیکر به مفهوم تحکیم وابستگی است.

بقیه از صفحه ۱۸

چگونه می‌توان وابستگی اقتصادی را...

درتابعیت نیازهای رشد سرمایه قرار دارند تا ببینیم که چگونه از طریق پیوندهای امپریالیستی با اقتصاد زیر سلطه ثمره کار کارگران و زحمتکشان میهن به آنان انحصارات امپریالیستی سرازیر می‌شود. در این بحث نشان خواهیم داد که وابستگی اقتصادی، وابستگی به امپریالیسم جهانی و به سرکرده آن امپریالیسم امریکاست و این نتیجه ناگزیر رشد سرمایه‌های انحصاری برای جوامعی است که در شبکه روابط‌امپریالیستی قرار دارند. راه استقلال و قطع وابستگی، راه قطع پیوندهای امپریالیستی با اقتصاد زیر سلطه‌است.

در این مقالات نشان خواهیم داد که مشارکت در تقسیم کار جهانی چنانچه مشارکت در تقسیم کار جهانی تحمیلی امپریالیسم نباشد. نه‌تنها وابستگی درپی نخواهد داشت بلکه ضامن استقلال است. ما در این مقالات نشان خواهیم داد که چرا گسترش روابط اقتصادی با اردوگاه سوسیالیسم و کشورهای ترقیخواه جهان ضد وابستگی و به مفهوم تحکیم استقلال است. نشان خواهیم داد که آنان که می‌کوشند مفهوم وابستگی را صرفا در وجود رابطه با جهان خارج تعریف کنند و بهره‌جستن از حمایت دولت‌های سوسیالیستی و مترقی جهان را نفی کنند، چاره‌ای ندارند جز اینکه در ادامه انقلاب یا تحلیل نادرست خود را از مفهوم وابستگی به کنار نهند یا آنکه راه سازش با امپریالیسم را در پیش گیرند.

ادامه دارد

استقلال ـ کار ـ مسکن ـ آزادی

www.iran-archive.com

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۹۵ ـ [illegible] ۲۴

حزب کمونیست عراق
مردم عراق را به سرنگونی رژیم صدام و قطع جنگ دعوت کرد

این جنایتی هولناک است که خون ارتشیان و مردم دو کشور بر زمین ریخته شود و تاسیسات اقتصادی آنها ویران گردد و ویرانگری در دو کشوری حکمفرما گردد که برای بهره‌برداری از منابع ملی خود و غلبه بر عقب‌ماندگی‌ها و ساختن آینده درخشان جهت توده‌های زحمتکشی که سالیان سال از بی‌عدالتی ستمگران، دیکتاتورها، امپریالیست‌ها و استثمارگران رنج برده‌اند، شدیدا به صلح و آرامش نیاز دارند.

در صفحه ۵

قذافی:
امپریالیسم و صهیونیسم دشمنان مشترک اتحاد شوروی و لیبی

در صفحه ۹

بدنبال دستگیری ماشاءالله قصاب
باید اسرار کمیته امریکائی پشت سفارت افشاء شود

دولت باید هرچه زودتر این مهره مورد حمایت امپریالیسم را بطور علنی محاکمه کند

در صفحه ۱۲

حمله ضد انقلاب به کتابفروشی ها
دولت باید عاملین این وقایع را هرچه‌زودتر دستگیر و محاکمه کند

● در روزهای گذشته یکبار دیگر کتابفروشی‌های مقابل دانشگاه تهران مورد حمله عناصرضدانقلاب قرار گرفته و در این حملات که طی ۳ شب متوالی صورت گرفت تعدادی از کتابفروشی‌ها با مواد آتشزا به آتش کشیده شد. این اعمال ضدانقلابی که در تاریکی شب و دور از چشم مردم انجام می‌گیرد، قبل از هرچیز سلب حقوق سیاسی و فرهنگی مردم، ایجاد جو ترس و ناامنی و خفقان، قرار دادن نیروهای ضد امپریالیست جمهوری اسلامی دربرابر مردم و شکاف انداختن در صفوف متحد خلق را نشانه گرفته است.

مسامحه‌کاری و عدم برخورد جدی دولت جمهوری اسلامی ایران در برابر این اعمال ضد انقلابی باندهای سیاه، عملا آب به آسیاب امپریالیسم و مزدوران داخلی آن ریخته و موجب گسترش این حرکات و اعمال توطئه‌گرانه در سطح جامعه شده است. دولت جمهوری اسلامی همواره تهدید آزادی‌های سیاسی و دمکراتیک مردم توسط مشتی عناصر ضدانقلاب را با سکوت نظاره کرده‌است. نتیجه این سکوت آن بوده‌است که این گروهها و عناصر با خودسری تمام و با خیال راحت به تهدید مردم، آتشزدن محل کسب و کار آنان و حمله به مراکز فرهنگی و سیاسی بپردازند. بی‌توجهی و سکوت دولت جمهوری اسلامی خوراک تبلیغاتی مناسبی را در اختیار دشمنان مردم قرار داده‌است. لیبرال‌ها با سو استفاده از چنین اعمالی، نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی را مورد حمله قرار داده آنها را به بی‌کفایتی و سرکوب آزادی‌های‌سیاسی متهم ساخته و خود را مدافع "آزادی" وانمود می‌سازند. لیبرال‌ها با این چهره عوام‌فریبانه می‌کوشند مردمی را که از اینگونه اعمال ضد دمکراتیک به تنگ آمده‌اند به سوی خود جلب کرده و افکار ضد انقلابی خود را در میان آنان رسوخ دهند.

سازمان ما ضمن محکوم ساختن قاطعانه اینگونه اعمال و حرکات ضدانقلابی، از دولت جمهوری اسلامی مصرانه می‌خواهد که مسامحه‌کاری و سکوت دربرابر چنین حوادثی را کنار نهاده و با دستگیری و محاکمه عاملین این وقایع، گامی درجهت مقابله‌باتوطئه‌های ضدانقلاب که وحدت مردم و انقلاب را تهدید می‌کند، به‌جلوبردارد.

می مانیم و در خون پیکار می کنیم

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال میهن و در راه آرمان پرافتخار طبقه کارگر، هواداران خلق در سنگرهای سرخ مقاومت، در عرصه‌ای از پیکار تاریخساز خلق بزرگ ما، روز جانهای عزیزی را در راه انقلاب نثار می‌کنند. خون پاک رفقا، دشتها و درههای میهن را گلگون می‌سازد و بشارت می‌دهد قافله‌زاران حرکتی را که ایران مستقل، آباد و دمکراتیک فردای پیروزی زحمتکشان جهان را بنا می‌نهد.

فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای پیکار با بیدادگران

اکبر بدلی	غلام عباس بخرد	کاظم عبدی
اکبر فخور	عنایت‌الله رئیسی	علیرضا کاظمی
امیر آقاش	محمدرضا آذربان	علی حاتم‌زاده
علی بساف	سهیلا ستان زاده	ایرج حسین‌نیا
جواد گنجی	حبیب‌الله فرخخش	لطیف علیزاده
ابیرز یوسفی	ابراهیم شکرچی	پرویز کریمیان
مریم رئیسی	عبدالحسین شاه میر	اسحاق بابازاده
رحیم خلیطی	محمود اشرف‌آبادی	مرتضی دارابی
سعید کوشش	فریدون مرتضی زاده	زهره موسویون
بهرام ورامینی	محمدقاسم فتاح بیگی	وحید نیک سیر
محمود آبخو	محمدمهدی نیک‌اندام	شهریار باقرزاده
خسرو کریمی	محمداسدالله نژاد رودبنه	کورش پاک بین
حسین شریعتی	محمدحسین صدرآبادی	حمید ولادوست
عبدالله مرادی	رحمت‌الله (امیر) اسفندیاریور	غلامرضا صفرنژاد
محمد بازدار	نوری نیاکان	محمدرضا جعفری

★ پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید

★ یاد شهید
محمد بخارائی و
یاران همرزمش گرامی باد

روز اول بهمن ماه سال ۱۳۴۴، شهید محمد بخارایی قلب سیاه یکی از کثیف‌ترین عوامل امپریالیسم آمریکا در ایران، یعنی حسنعلی منصور را با گلوله نشانه گرفت

گرچه محمد بخارایی و یاران هم‌رزمش، صفارهرندی صادق امانی و مرتضی نیک‌نژاد به‌خاطر انجام و شرکت در اعدام انقلابی منصور مزدور در اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۴ پیش پای مستشاران آمریکایی قربانی شدند و قهرمانانه شهادت در راه منافع مردم خود را پذیرفتند، اما خاطره اقدام انقلابی این جوانان ضد امپریالیست که در "جمعیت موتلفه اسلامی" تشکل یافته بودند، به‌خاطر اعتراض جانانه‌شان به طرح کاپیتولاسیون و طراح کثیف آن، شاه خائن و نخست وزیر مزدورش برای همیشه در تاریخ مبارزات خونبار ضد امپریالیستی مردم میهنمان باقی خواهد ماند.

یاد همه شهیدان خلق گرامی باد!

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

www.iran-archive.com